

ہرات باستان

(الرغونى ہرات)

PROPERTY OF
ACKU OF



شماره دوم و سوم
(حمل سنبله ۱۳۶۲)
سال چارم

پژوهشها و پژوهشگران

هینار جام	ترجمه نیکسیر	صفحه ۱
هرات از نظر جهانگردان (۳)	پوهاند داکتر صدیقی	در ۸
معرفی آلبوم میناتور ها ...	ترجمه جهانگرد افغانی	در ۲۶
مسجد گنبد	دجمد علم غواص	در ۵۷
زندگی و آثار بهزاد	ترجمه نامق	در ۶۲
په مرکزی آسیا کنبی ... (۳)	ترجمه عتیق زوی	در ۷۳
هران در متون تاریخی	از شعبه ریسرچ هرات باستان	در ۹۴
گزارش کار های پروژه ...	گزارشگر هرات باستان	در ۹۷

اکادمی علوم ج. د. افغانستان

رئیس باستان شناسی و کوشانی

آمریت پرورش بین المللی هرات

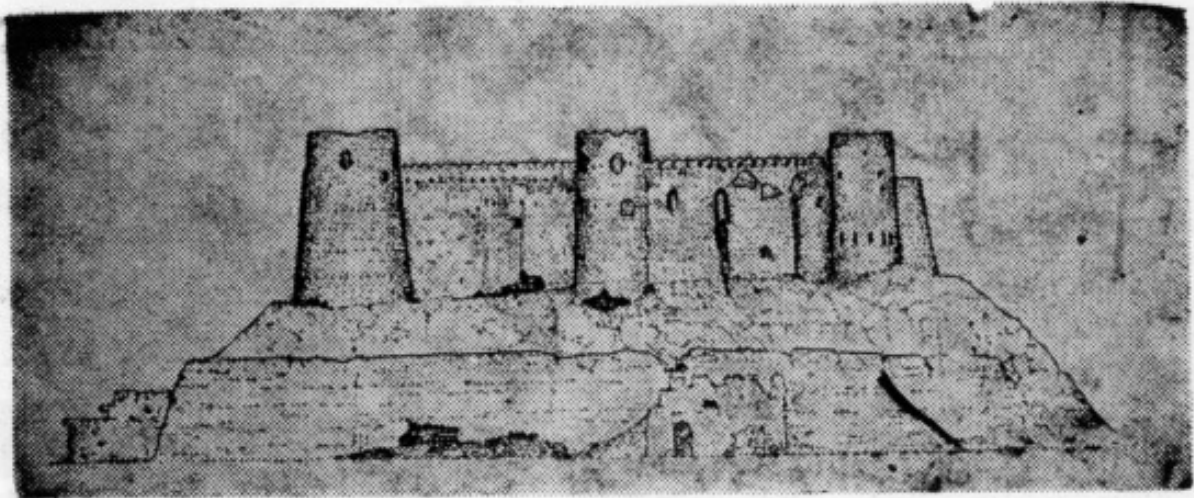
تیرید سه ماهه مدیریت ریسرچ

روی جلد :

تزیینات بیرونی وزینه های

اندرون مینار جام در غور.

(به از تباط صفحه اول متن)



هلمتباستان

شماره دوم و سوم (حمل-سنبله) ۱۳۶۲ سال چارم نمبر مسلسل ۱۵۱۴ تاریخ تاسیس: جون ۱۳۵۸

مینارجام



یک بنا تاریخی و باشکوه

سرزمین های بلند و غیر قابل کشتی در افغانستان مرکزی واقع اند که در حدود (۱۹۰۰) متر از سطح بحر ارتفاع دارند. در نقطه اتصال و باریک و دارای سرا شیبی دو طرف یک وادی میناری باشکوه که بقرن دو از دهم سر بو طمیگر دد، باغ ورت تمام ایستاده است. اگر چه بلندترین نقطه مینار از رود خانه بی که از پهلوی آن در بین دو کوه میگذرد د محدود هفتاد متر فاصله دارد (۱) و لی نسبت به کوه هایی که آنرا احاطه نموده، کوتاه تر بنظر میخورد. که بعضی از این کوه ها تقریباً ۲۳۰۰ متر ارتفاع داشته (۲) و بر ابهت و جلال بیشتر آن میافزایند و در عین حال آنرا از نظر هادور نگه داشته، دسترس نیافتنی میسازند.

این همه محصول چشم‌دید ۳۵ ساله تار یخ‌پژ و هان است، که به موجودیت این بنای عظیم
 منجر شده (۳) و تا سال ۱۹۵۷ میل آنرا ندیده بودند. باین سلسله گروهی از متخصصین
 باساس روایات باشندگان فعلی نزدیک جام باورمند بودند که شاید این سینار در حدود
 غیر و زکوه موقعیت داشته باشد، جائیکه باساس گفته‌های مردم سرگز فرمانروایی شاهان
 غوری بین سالهای (۱۱۰۰ تا ۱۲۱۵) بوده است. (۴) زیرا درین جایک تعداد بناهای
 این مکانی در نقاط استراتژی یک برای کنترل و حفاظت وادی هریرود مشاهده
 گردیده است، که رود مذکور از آن دورود خانه‌یی که در کنار مینا رجام باهم متلاقی
 میشوند، بزرگتر میباشد. باید افزود که مینار جام بیش از همه یک دلیل موثر و پدید
 یی زنده است، که بر اداره و کنترل سلسله غوری هادرین جاشهادت میدهد.

مینار جام از خشت و ساروج ساخته شده، که بگونه‌یی برجسته از خشت‌ها، تزئیناتی نیز
 در روی آن بعمل آمده است، همچنان اشکال برجسته و کامل هندسی و نمونه‌های خطوط
 کوفی در روی آن بخوبی هویدا است. که این خطوط معمولاً آیاتی از قرآن کریم را نمودار
 می‌سازند.

بطور نمونه از جمله این آثار بار زش، یکتعداد خطوط روشن آبی را میتوان
 نام برد. که حکایتگر شاهی غوریست، که این مینار را در دوران سلطهٔ چهل‌ساله خویش، از
 خود بجای گذاشته، و اقدام بساختن آن کرده است، ترجمه نقل با لنقل آن بگونه‌ی
 چینی است: «سلطان باشکوه و جلال، شاه خجسته شاهان، غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام،
 که به‌نتیجش و تمجید اسلام و مسلمین برخاسته، و خداوند یار و مددگار امیر و مومنان و کشورش باشد.»
 این مینار قایده دایروی داشته، که ده متر قطر آن میباشد، و هر قدر که بلندتر میشود
 تدریجاً شکل مخروطی را به‌خود می‌گیرد (۵) بلندترین بخش آن در حدود چهل متر از زمین فاصله دارد
 که در آن بخش بالکون (برنده یا کتاره) دیده میشود. ازین برنده هر قدر که بلندتر میشود
 قسمت دوم و باریک‌تر آن شروع میشود، که قایده آن دارای هشت متر قطر میباشد. این حصه
 نیز شکل مخروطی را نمایان می‌سازد. در داخل قسمت پائین که ۴ متر طول دارد،
 با قسمت بالایی آن زیننه‌های مارپیچی در اطراف ستون وسطی ساختمان پیچیده شده

که در بالا تقریباً سه متر وسعت میداشته باشد (۶)

البته جریان آب در پای مینار بدون شک بی تاثیر در استواری آن نیست، زیرا با جریان آب در پای آن، یکنوع سیلان در مینار مذکور بطرف دریای هریرود دیده میشود (۷) باید گفت که اساساً بنای آن بسوی تپه می رود، زیرا ریزش توته های سنگ از ساختمان مذکور، بخصوص از مدخل آن بمشاهده میرسد.

در سال ۱۹۶۱ به اسس سروی مقدماتی که صورت گرفت، این موضوع لازم دیده شد، که باید این مینار باشکوه زیر ترمیم گرفته شود (۸)؛ اینکه در قدم اول برای حفاظت آن از ریزش باران اقداماتی صورت گیرد، دو سال بعد از آن بکمک مردم قریه جام یکنوع حصار یاد یواری مقدماتی از چوب و سنگ به جهت کنترل دریای هریرود در پای مینار ساخته شد، که بقایای آن حصار هنوز باقی بوده و در حفظ آن موثر می باشد.

یک پلان عملیاتی در جون ۱۹۶۴ طرح و ترمیم گردید (۹) که توسط آن مطالعه و تحلیل روی مقاومت طرز ساخت ساروج و خشت آن صورت میگرفت که ستون های مقاومت برای نگهداری آن تعبیه شده و روی آن یکنوع پوشش ترمیمی و موقتی انجام میگردد. البته این سروی های باستان شناسی مطالعه و کاوش اطراف مینار را نیز در بر میگرفت. اساتذت قبلاً نامکن مینمود که این پروگرام را به منصفه اجرا گذاشت و آنرا بشمر رساند، زیرا پیشرفت کار بایک سلسله مواعی بر میخورد، که بطور مثال میتوان از مسأله ترانسپورت و انتقال مواد بداندجانام برد زیرا باید مواد را با پای یا بر روی اسب به سرکار رساند. فقط در این چند سال اخیر به ساختمان راهی اقدام گردیده، که برای ترافیک موثر مساعد میباشد و زمینه را همایمسازد تا گام های عملی را برای ترمیم این مینار برداشت.

در سال ۱۹۷۴ به اثر خواهش حکومت وقت، یونسکو یکنوع تجدید نظر را در پروگرام کار رواداشت، که به اثر آن پروگرامی عاجل رویدست گرفته شد و در (۲۰-اگست ۱۹۷۸) شروع گردید، بدین منظور یک حصار قفس مانند از فلز و سنگ ساخته شد، تا اقلاً از نفوذ آب در اطراف آن جلوگیری شود. در نتیجه این چانس میسر گردید که از ریزش بیشتر توته های سنگ جلوگیری شده و زمینه پوشش اساسی قاعده مینار مهیا گردد.

باید گفت که حفاظت مینار جام را نباید اسر ساده بی پنداشت، زیرا، زید بر مشکلاتی که شامل

نکات فوق است، با پستی بناهای دیگری در جوار آن ساخته آید، تازمینه حفظ آن میسر شود شرایط اقلیمی و جغرافیایی نیز کار را در آن ناحیه محدود میسازد. چون پیش از چند ماه محدود سال در آن جا کار صورت نمیگیرد. بر علاوه ناحیه بی که منار جام در آن واقع است. تا اندازه بی زلزله خیز میباشد، که باید زمانیکه موضوع حفظ مینار طرح میگردد این مساله نیز از نظر دور نگه داشته نشود.

در وضع موجود برای حفظ موازنه مینار باید یک حلقه یا کمر بند کانکرتی دورادور آن انداخته شود. طوری که این کمر بند قابلیت آنرا داشته باشد، بکمک حوض کانکرتی که در کنار آن ساخته میشود. از نفوذ آب جلوگیری نموده و موازنه مینار را نگه دارد، تا در آینده از میلان بیشتر آن جلوگیری بعمل آید.

بر علاوه آن برای برقراری موازنه و نگهداشت تعادل مینار و برای اینکه پروژه اصلی به هدف نزدیک شود، باید تعادل آن توسط کمپوتر آزمایش گردد. البته این مساله یک المینین را از وضع فعلی مینار بدست خواهد داد. و نیز از نگاه زلزله خیز بودن منطقه گزارشی ارائه خواهد نمود. این آزمایشات نیز منگوره ساختن یک حوض ذخیره آب در جوار مینار تقویت خواهد نمود. که متصل در قایده مینار ساخته میشود.

پیشبرد این سرام برای اجرای پروژه مراحل مختلف عملیاتی را در بر میگیرد که باید در حالات شکل و قابل دقت انجام پذیرد. در سال ۱۹۷۸ تمام وقت، منحصر آسبروف مسایل ترانسپورتی گردید چون باید مواد مقدماتی و ضروری پروژه به نقطه عملیات انتقال مییافت، عملیاتی که طرح آن توسط یونسکو صورت گرفته بود. (۱۰)

اقدام دوم عبارت از انجام دادن سروی هائیسست که شروع، اندازه و حجم اساسی موضوع را شامل میشود. زیرا مدخل اصلی مینار دارای پوشش نیست، و همچنان جریان سطح آب که به تهداب مینار تاثیر میگذارد باید تحت کنترل آورده شود.

حفریاتی که در اطراف مینار صورت میگیرد. باید بشعاع ۳ متری انجام پذیرد. که شامل تجسم درست طبقات زمین گردد تا در روشنی آن بقایای باستانی حتی اگر اندک هم باشد بدست آید. البته کشفیات باستان شناسی جدید، شاید پروگرام ترمیم را تغییر دهد. دیگر

اینکه پیش از ساختن کمر بند کانکریتی تحت مینار باید تقویت اساسی شود و بخش‌های فروریخته آن ترمیم گردد البته اندازه و موقع کمر بند، تا جای ممکن در ثمر بخشی مفکوره ترمیم، که باید بر روی قایده مینار تطبیق گردد، موثر واقع می‌شود. آخرین بخش ترمیم عبارت، از ساختن حوض کانکریتی ذخیره آب می‌باشد. در جریان این عملیات باید این هم ممکن باشد که بخش خارجی مینار نیز تزئین و تجدید ترمیم شود. و این مسأله متقاضی خوازه فلزی ایست، که در حال حاضر اسکان تهیه و انتقال آن وجود ندارد.

ساختمان، محافظوی که ساخته می‌شود، باید روی سطح اصلی زمین (تقریباً ۳،۵ متر پائین تر از سطح امروزی) کار گذاشته شود. و بدینوسیله می‌شود که اگر کدام توت‌خشت مربوط به مینار دور رفته یا زیر خاک پنهان شده باشد، نیز نمایان و آشکار گردد، و اگر چنین هم نباشد، می‌شود که بکمک آن ساحه اطراف مینار بخوبی ملاحظه و بررسی شود (۱۱)

مینار جام یکی از آثار برجسته تاریخی است، که از نگاه مهندسی نیز جالب و قابل مطالعه است. و این اهمیت آن باعث می‌شود که زیر ترمیم یونسکو گرفته شود، که اگر بنامی بود تا از جریان آب در جوار مینار جام جلوگیری شود، باید که این مسأله هشت سال پیش جامه عمل می‌پوشید (۱۲)

توضیحات مترجم بر این مقاله:

۱- احمد علی کهزاد مینو پسند: محلیکه مینار جام در گننا رسیر هریرود، در ۴۰ کیلو متری شمال شهرک و ۶۵ کیلو متری شمال شرق چشت، در پنج کیلو متری قریه (کمنج) درد هکده بی معروف به جام افتاده، منطقه ایست که در آنجا فیروز کوه پایتخت شاهان غور بنا یافته است.

۲- فریاستارک در مورد موقعیت مینار میگوید: ... بین دو قلعه خیلی مرتفع سفید کوه (که ۳۵۲۵ تا ۲۴۱۶ متر ارتفاع دارد) قرار گرفته، و هرگاه ما از وادی دور بخوریم خطوط آسمانی رنگ و محو شده مینار را پیش روی خود می‌بینیم.

۳- محمد انور نیر در مورد کشف مینار جام مینو پسند: «... ظاهر آبرای نخستین بار آنرا اندر ماریک دانشمند بلژیکی در سال ۱۹۵۷ کشف کرده است، که این کشف وی سرو صدای را به راه

انداخت، تاجائیکه پیواردا نشمند انگلسی آنرا بزرگترین موفقیت در کشفیات جدید خواند مگر حقیقت اینست که کاشف واقعی مینار جام که ظاهراً (۲۳) سال از تاریخ کشف آن میگذرد، اندره مار یک نیست، زیرا پنجاه سال قبل از امروز در کتاب (آثار هرات) راجع به مینار جام تذکراتی رفته است...»

۳- همین نویسنده گفته است: «سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام» که پنجمین سلطان سلسله غوری بوده، و از سال ۱۱۶۳ تا ۱۲۰۳ سلطنت کرده است، لذا بدون شبهه مینار جام بنا کرده سلطان غیاث الدین میباشد و بس»

۵- گالیند پوگاچینکو و ا در باره شکل و ساختمان ظاهری مینار مینو پسد: این مینار مرتفع ۶۰ متری با این بلندی خویش بر مسند هشت کنجه (زاویه بی) بنا یافته، و خودش طور هر م است که سه طبقه حصه بالای آن میباشد....»

۶- غلام جیلانی داوری در مورد محل جغرافیایی مینار جام مینو پسد: «مینار سلطان غیاث الدین در میان دره‌یی که دریای جام با دریای هریرود می‌پیوندد، قرار داشته و بعد از قطب مینار دهلی که خود یک اثر هنری دوره غوریان است، از بزرگترین مینارهای جهان (۶۳،۳۰ متر) محسوب میشود»

۷- باز هم داوری در مجله آریانا مینو پسد: «مینار جام فعلاً در یک زاویه خیلی کوچک قرار داشته و ساحل چپ آن بواسطه جریان آب دریای هریرود پیوسته تخریب میشد. این امر به عقیده ورنر هریر برگ باعث شده تا مینار با اندازه دو درجه بسوی دریای هریرود سیلان پیدا کند.»

۸- در مقاله داوری آمده است: «... اندره مار یک مینار جام را مطالعه عمیق نموده و ضمناً خاطر نشان ساخته است، که مینار جام اندکی میلان پیدا نموده، و مواجه بسقوط است، که این نظر او را اسهندس برونو (نویسنده این مقاله) نیز تأیید کرده است، و مهندس وید کوربر ای اولین بار رسم تخنیک مینار جام را با جزئیات آن بصورت خلاصه کشیده است.»

۹- کورت شمیر و ورنر هریر برگ در سال ۱۹۷۱ در پای مینار جام تحقیقات معماری خویش را انجام دادند و ایشان نیز نظریه مواجه شدن مینار مذکور را به سقوط تأیید کرده اند.

۱۰- یک هو انورد در سال ۱۹۵۷ - از هرات تغییر جهت داده، و نخست شکل حیرت انگیز آنرا در جا به جا هر چهار گردنه سنگی آن با کتیبه بی که در آن نام (سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام) کنده کاری شده دیده است.

۱۱- سفر یاستارک در مورد ساختمان و نقاشی های مینار جام مینویسد: «مینا رجام بدون اینکه کدام تعمیر دیگری به نزدیک آن وجود داشته باشد، تنها و مکمل بجای خود ایستاده است، تنها یک قطعه سنگ نبشته که غیر قابل رویت است، باد و قلعه خرابه که بالای قطعه سنگلاخی بنیافته، چشم گیر است.»

۱۲- داوری عقیده دارد که: «آنچه مسلم است، اینست که جام به هیچ وجه نمیتواند فیر و زکوه باشد. پایتخت امپراتوری غوریان را باید در یک محل مناسب که دارای شرایط بهتر جغرافیای برای یک چنین مرکز داره با قدرت، میباشد جستجو و تعیین کرد.»

۱۳- داوری، مینویسد: «در میان قریه جام و سنار، قبرستان یهودیان قرار دارد که بنام «کشک» یاد میشود در قسمت راست مینار در کمر کوه، خرابه های دید بانگاه های مختلف که بمنظور حفاظت قلعه و راهها ساخته شده قرار دارند. در آن طرف دریای هریرود هنوز هم آثار دیوار خارجی قلعه جام به ملاحظه میرسد، کمی بالاتر در سر اشیبی کوه خاره قلعه بی بادید بانگاه های متعدد در جهات مختلف قرار دارد که فعلاً خرابه بی بیش نیست. در جانب جنوب غربی قلعه هم آثاری موجود است که سابقاً بنا بر اظهار اهالی در آنجا بازاری وجود داشته، که تاسفانه در سال ۱۹۶۳ به امر محمد حنیف خان والی چغچران ویران گردید. در پایان بازار دریای کوچکی است به نام جریدان که به دریای هریرود میریزد. در قسمت راست این دریا در پای کوه بزغاله، قلعه مخروب وجود دارد، که شاید به منظور حفاظت را می که از جانب چغچران بیاید، و همچنان برای حفاظت قلعه جام آباد شده باشد. تقریباً در ۷۰۰ متری همین راه به جانب شمال سنگ نبشته بی عربی وجود دارد. بسوی غرب قلعه ویران راه باریکی با امتداد دریای هریرود وجود دارد، که بعد از مسافت تقریباً دو کیلو متر قطع گشته به جز دریای هریرود و کوه های شامخ چیز دیگری به نظر نمیرسد، و در میان همین راه ده کوچکی است که بنام پای زیارت یاد میگردد. راه دیگری که برخلاف جریان دریای هریرود و به سوی مشرق وجود دارد خیلی صعب العبور و باریک بوده بنا بر قول اهالی آنجا به سوی آهنگران میرود.

۱۴- گالینه پوگا چنکو و او میگوید: نام مهندس مینار جام علی است.

۱۵- در تدوین و نگارش این پاورقی از مقاله محترم داوری در شماره حمل-جوزا ۱۳۵ مجله آریانا و از مقاله محترم مهدانو رنیر هروی در شماره حمل-جوزا ۱۳۵ مجله هرات باستان استفاده بردم. (م)

بر گر داننده : نیکسیر نگارنده : اندریا پرونو

منتشره مجله کو ریر، شماره ۱۴۶، ص ۳۲ - ۳۴.

ہرات از نظر جہانگردان

(۳)

با زتاب ہرات در سفرنامہ فریہ *

بعد از انجام یک سلسلہ ملاقاتہا با رجال سرشناس در ہرات، بہ گشت و گذار طولانی در شہر و نواحی آن پرداختیم. این گشت و گذار ہا، من راتا دانند کویہ و نواحی تخت سفر و گاہ زرگاہ کشاند. بدنبال یافتن کبک، بالای تپہ ہای این نواحی بالاشدم، کہ آرزو مند صید آنہا بودم ولی نشانہ بی از آنہا نیافتیم، و بعد بہ درہ تنگی سرازیر شدم کہ با گرک ہای بزرگ آدم خوار مواجہ گشتم. اکثر آنہا بر روی دستان شان دراز کشیدہ بودند و هیچ التفاتی بہ حضور من از خود نشان ندادند و حتی تا ہنگامیکہ بسوی آنہا فیر نکردم از جای خود تکان نخوردند. البتہ فیر من بدون اثر باقی ماند.

* در شمارہ پیشتر این مجلہ قسمت ہایی از بخش یازدہم سفر نامہ فریہ را بنشر رساندیم. این بخش از فصل دوازدهم سفرنامہ، متن انگلیسی ص ۱۶۲ تا ۱۷۴، گرفته شدہ است.

بارسیدن به گازرگاه به افرادی که لباس از یکی به تن داشتند بر خوردم که اعجاب من را برانگیخت. از وجنت‌شان دریافتم که به نژاد دیگری تعلق دارند. بعد از تجسس در احوال آنان، دریافتم که جهت زیارت امام رضا از «حضرت امام» قصبه کوچکی واقع در شمال قندوز به این دیار مسافرت کرده‌اند. زبان‌شان شکل تحریف‌شده زبان دری را داشت، و زبان اصلی‌شان زبانی بود که در ناحیه‌شان بدان تکلم صورت می‌گرفت. این اسر حس کنجاوی من را برانگیخت و جهت دریافت معلومات بیشتر نزد آنان شتافتم و با ایشان به گفتگو نشستیم. برایم گفتند که از بازماندگان یونانیانی هستند که اسکندر رومی از خود در این نواحی باقی‌گذاشته است. باشنیدن این مطلب، به یاد مار کویو لو افتادم و بعد از او، برنس بیادم آمد و سپس گهتار مورخان دیگر شرق شناس در ذهنم جای گرفت، که از قبایل مقدونی یا دیگران که در نواحی مرز شمال غربی چین تا تاری مسکن گزین شده‌اند. خیلی مشتاق بودم خودم را قانع سازم که پندار آنان در ارتباط به این موضوع اشتباه نیست، بنابراین به پرسش‌های بیشتری در زمینه پرداختم و پاسخ‌های که دریافت داشتم قناعت من را برآورده ساخت که گویا اسلاف واقعی یونانیان کهن در این نواحی بود و با شردارند. این یونانیان تجرید شده و با پراکنده در اینجا و آنجا زندگانی ندارند، بلکه آنان در اقوامی متحد شده‌اند که بخش اعظم اراضی را در اختیار خویش گرفته‌اند، معهد در زبان و در عادات آنان انحرافی نسبت به اصل‌شان بمشاهده می‌رسد. آنان افرادی مسلمان هستند و شهرت داشتن تعصب دینی را هم دارند و چندان مورد توجه باشندگان تاتار که در میان‌شان بود و باش می‌نمایند، قرار نگرفته‌اند. معهدا از احترام زیادی برخوردارند، زیرا همچون اسلاف‌شان، شجاع هستند و عواقب انزجار از ایشان برای کسانی که چنین احساسی از خود بروز دهند، بسیار ناگوار خواهد بود.

«برنس» در حالیکه به وجود اسلاف این یونانیان در آسیای میانه باور داشته ظاهرآ از وجود اسلاف سرداران باقی مانده سکندر در آندیار اظهار شک و تردید کرده است، زیرا سؤرخان فرزند فلیپ (اشاره به اسکندر مقدونی است) برای ماطمینان داده‌اند که او ولیعهدی از خود

به جای نگذاشت تا ثمره فتوحات مهم او را نصیب شود. (۱) . .
 هرات، در حال حاضر محل پناهندگان تمام اقوامیست که از قریه‌ها به این طرف درین دیار
 سر از یر شده اند. در اینجا از اسلاف چنگیز خان و تیمور لنگ و نادر شاه سردمی زندگانی
 دارند. برایم شخصی بنام آقا احمد میرزا معرفی شد که نبیره نادر شاه افشار بود که اراضی
 وسیعی را در ملکیت خود داشت که از آن سرپرستی می‌کرد و زندگی آرام و مرفهی را
 می‌گذراند. انگلیس‌ها که در برابر تادیبه مبلغی ناچیز به شهزادگان، آنان را به سود خود بسیج
 می‌کردند، چنان با او کردند که این شخص نیز در آن جمله بوده و بنا بر آن هنگامیکه
 افغانستان را اشغال کردند، برایش مستمری تعیین داشتند. (۲) از وقتیکه آنان از این کشور
 اخراج شدند چنین مستمری‌ها بی‌نیاز قطع گردید.

مساحت هرات تقریباً با مساحت همان شهری مطابقت دارد که از سوی مؤرخان سکندر
 بنام «آریا» یاد شده، که مطابق گفته آنان، شهرهای مهم آن عبارت بوده است از: ارتا کوانا،
 اریامیتر و پولیس، «سوسیا» اخالا، و کنداس با ید اعتراف کنم که با وصف دقت در تصورم
 نتوانستم به این نتیجه برسم که چطور ارتا کوانا می‌تواند شهر دیگری غیر از «اریامیتر و پولیس»

(۱) باز ماندگان یونانی که برنفس ذکر نموده است پیر و آیین مجمدی نبوده بلکه بنام کافران
 «سیاه‌پوش» یاد می‌شده‌اند که در وادی‌های هندوکش واقع سمت شمال دریای کابل بود و باش داشتند.
 اشخاصی که در این متن بدانان اشاره شده، احتمالاً تاجیک‌های بوده‌اند که در نواحی مجاور قناروز
 سکونت داشتند.

حاشیه سفرنامه، ص ۱۶۳. فریه در این مبحث به چگونگی نزد یک شدن سکندر مقدونی
 با مردم محل و ازدواج با دختران زیبای آنان می‌پردازد تا بدین دلیل یونانی بودن بعضی
 مردم را ثابت کند که چون به اصل موضوع چندان رابطه نداشت، از ترجمه آن
 خود داری شد. (م)

(۲) در میان کسانی که از سوی انگلیس‌ها حقوق مستمری دریافت داشت، سرداری از نواحی
 مرزی و کویر سیستان وجود داشت که گفته بود که وی توانسته نسبت به خود را تا به داریوش
 پادشاه هخامنشی تنظیم کند. رک. سفرنامه، حاشیه ص ۱۶۳.

باشد، که در جغرافیه پطلمیوس از آن یاد شده است. هر قدر بیشتر تلاش کردم بهمان اندازه به این نکته رسیدم که این دو شهر مرکزی کمتر از دیگر جدایی داشته و من بدین باور رسیدم که یکی باید ادامه دیگری باشد. اگر فرض کنیم که ارتا کو انادر واقع شهری بوده که از اریامیتر و پولیس اندکی فاصله داشته پس در آن صورت می تواند این ناحیه قصبه تلقی گردد که اهمیت کمتری داشته که در آن شهزادگان آریامه های تابستان را میگذرانند و همین اسر باعث شده تا سورخان فرض کنند که آن منطقه، هم مرکز بوده است. معهذا، این امر عنعنه تکراری شاهان دیگر پارسی را نیز در ذهن تداعی میکند که عبارت بوده است از اینکه آنان از پسر پولیس (تخت جمشید کنونی) جایکه ویرانیهای آن تا کنون نزدیک استخر موجود است به نواحی سرآزیر میشدند تا ماههای گرم تا بستان رادر مناطق هم نام و سردسیر که در وادی مشجر و سرسبز مرغاب موقعیت داشته، سپری نمایند این نواحی در حدود پانزده فرسخ از شمال فاصله داشت. همچنان میتوان تصور نکرد که دو اکبتان - همدان، یکی بنام محل تابستانی و دیگری بنام محل زمستانی وجود نداشته است؟ اگر این مفروض در ارتباط با ارتا کو انا و اریامیتر و پولیس صدق نکند، پس قصبه کهسان که ویرانیهای کهن و آب و هوای دلکش و موقعیت دل انگیز آن در کنار دریای هریر و دگواهی میدهد، که باید نقطه بی باشد که روزگاری شهر باستانی با اهمیت بوده است.

معهذا، باتأکید بر روی این مفروض قدری خویشتن داری میکنم و چنین دلیل می آورم که موقعیت دلخواه مناطقی که هرات در آن افتاده است باید در تمام مدت پیشین توجه پادشاهان ایران را بخود جلب کرده باشد. و منطقه بی وجود ندارد که از نقطه نظر اهمیت استراتژی و تجارتي و حاصل خیزی با هرات همسری کند. و در این منطقه هموار که شهر در مرکز آن قرار گرفته، زاهدانی مهم از سرتاسر کشورهای آسیا با هم تلاقی میشود و نهرهای متعدد پر آب که از کوههای مجاور، سرآزیر میشود، قدرت سودمندی خود را در ریختن به هری رود در صورتی از دست میدهد که نواحی و محلات هرات در جریان آنها داخله نکند و انقطاعی بوجود نیآورد. سودمندی و منفعت حضور این نهرهای پر آب هرات همیشه مورد ستایش باشندگان این ناحیه بوده و این محیط طبیعی مساعد که برای آنان فراهم آمده در جای دیگر کمتر می تواند میسر باشد. بهر حال، بین نظریات من و نظریات دیگر نویسندگان فرقی

وجود دارد. این فرق هم ناشی از شواهدات از محل هایی میشود که در آسیای مرکزی مورد بازدید قرار گرفته است و برداشتهای که از نوشته های سیاحان گرفته میشود، غالباً آنچه در واقع وجود دارد می تواند تفاوت داشته باشد. من به این باور هستم که همه مادر تشخیص موقعیت کهن اماکن، وضع مشابهی داریم، ماهر کدام چون منطقیونی هستیم که که نیروی شناخت فکری خود را بکار می اندازیم و ذهن خود را از مطالبات مبهم و پراکنده مشبوع می کنیم، بدون اینکه به سودمندی نتایج آنها توجه باشیم.

معهدا، و یاد رنظر داشت همه بی این مسایل، باز هم همه ما به این نکته موافق هستیم که رسیدن به نتیجه بی نمی تواند بدون برخورد افکار گوناگون تحقق یابد، از اینجاست که من بعضی از نظریات خود را ولو که خطرناک تر شان بعضی در انوار ایشرازیش برمی انگیزاند، ابراز داشتم.

به چه دلیل، بطور مثال، زیوزاناحیه کوچکی که کوچکترین ویرانی کهن در آن یافت نشده، به عنوان ناحیه باستانی سوسیادارار یا تلقی میشود؟ چنین برمی آید که مشابهی میان نام این شهر باستانی و شهر توس (۱) که فقط از وی شکل ظاهری تشابه نام آن استنباط شده، مارا بدین موضوع کشانده که گویا این شهر اخیر الذکر را همان شهر سوسی بدانیم که اریان آنرا ذکر کرده است. این مورخ شهر مذکور را در ناحیه مرکزی خاگاریایی تثبیت کرده است. تمام تجسسات و برداشتهای من، نتوانست برایم یاری دهد تا حتی بطور تخمین هم که شده، موقعیت شهر خندق را مشخص نمایم.

لیکن، تاجا یکه به نام شهر «اریامیتروپولیس» مربوط می شود، نویسندگان خراسانی الاصل که تألیفات قابل توجهی انجام داده اند، تنها از مرکز آریاذگری به میان آورده و آنرا نیز به همین لفظ «هری» برابر و مطابق دانسته اند. این نظریه بدون شك و شبهه اصالت داشته و به اصفهان و یزد عهدی که نامهای خود را از نام حکام خود گرفته اند، می تواند مثال زده شود. گفته میشود که بقول مؤرخان خراسانی شهر هری را الهراسپ بنیاد نهاد و گشتا سپ

(۱) شهر توس باویر انه هایش در حدود سی میل به سمت شمال غرب مشهد کتوننی موقعیت دارد و نام آن تاکنون زنده باقی مانده است. رک ص ۱۶۶، حاشیه سفرنامه فریه.

آنرا و سعت داد و بهمن بر آبادی و عمران آن افزود. آنان می‌افزایند که اسکندر کبیر به صاحب منصب خود بنام هری و احتمالاً اریوس، دستور داد حصار آنرا اعمار کند.

تا جائیکه به اسکندر کبیر مربوط میشود، به مشکل میتوان به این قول اخیراً لذکر اعتراض کرد، زیرا که این روایت بطور کلی با آنچه مؤرخان یونانی یاد کرده‌اند، مطابقت دارد. و غیر ممکن است که شهری با چنین اهمیت و موقعیت و حاصل خیزی، نبایستی مورد توجه فاتح مقدونی قرار گرفته باشد. او باید این شهر را مرکز تدارکات نظامی خویش قرار داده باشد و سپس عازم مرز هندوستان شده باشد.

معهداً، آنچه کمتر احتمال آن میرود، همانا باور است که هراتیان بدان تخیل میزنند بدین معنی که این شهر از عهد اسکندر تا کنون هیچ تغییری نکرده است آنان می‌گویند و با اعتقاد راسخ نیز تا کید میکنند که حصاریکه اکنون هراتیان را حفاظت میکند، همان حصار بوده است که توسط همان اسکندر پادشاه ساخته شده است. در حالیکه تاریخ خودشان عکس این ادعا را ثابت میکنند و تنها با صفحه زدن اوراق تاریخ این شهر در طی نه قرن، می‌توان به هفت واقعه‌ی دست‌یافت که حاکی از ویرانی کامل هرات میباشد و چنان ویرانی‌ها را بر این شهر تحمیل شد، که اعمار مجدد آنرا الزامی ساخته است نخستین بلیه‌ی که بر هرات نازل شد، در قرن دوازدهم میلادی بود. در عهد سلطان سنجر و مقارن سال ۱۱۵۷ م - ۱۱۴۳ هـ ق این شهر بدست ترکمانان سقوط کرد. اهالی آن قتل عام شدند و حتی یک پارچه سنگ بالای پارچه سنگی دیگر باقی نماند. آزمایش سخت دیگری که این شهر بدان مواجه گشت مطابق به بیان نویسنده‌ی، از اینقرار بود، هر بی‌لوت گوید: این شهر یکی از سه مرکز مهم خراسان (دوی دیگر مرو و نیشاپور) بود که بدست تولی خان (۱) محصور گشت. محمد گورگانی، حاکم این ولایت از شهر دفاع کرد و با تعداد زیاد افرادی که زیر فرمان داشت چنان به مقاومت و پایداری ادامه داد که مغولان دانستند که این شهر همچون شهرهای دیگری که قبلاً بدستشان گشوده شده بود؛ به آسانی مفتوح نخواهد شد. ولی بزودی واقعه ناگوار کشته شدن حاکم شجاع هرات شایع شد. بدین ترتیب که حاکم موصوف، متأسفانه با ضرب تیری به قتل رسید. بدنبال قتل وی، مقاومت متدرجاً فروکش کرد و صحبت از تسلیمی محاصره شوندگان سرزبانها افتاد. تولی خان که از این امر مطلع گشت - البته توسط جاسوسانش با دو صد سوار بیکی از دروازه‌های شهر نزدیک شد تا با آن محصورینی که به ستوه آمده بودند به گفتگو

(۱) تولی در زبان مغولی به معنی «آئینه» است. تولی خان نام خود را از شباهت ز یادگی

که به پدر کلانش چنگیز خان داشت، حایز گشت. رک. حاشیه، ص ۱۶۷، سفرنامه فریه.

پیرداز داو برای آنان فهماند، هرگاه تسلیم شوند، جان و مال شان محفوظ و مصون خواهد اند و حتی پارا از این هم فراتر گذارده چنین وانمود کرد که از پرداخت مالیات زیاد نیز معاف خواهند شد و به پرداخت مناصفه مالیه‌ی که برای سلطان خوارزم مدنظر گرفته شده بود، اکتفاء خواهد گردید. تولی خان با عهد و سوگند به مقدسات مذهبی و عده داد که به گفتار ش و پیمانش وفا خواهد کرد. بدین ترتیب شهر بدست شهزاده مغولی افتاد و آن‌عه سر بازانی که تسلیم نشده بودند، به قتل رسیدند.

و ملک ابو بکر به حکومت این منطقه نصب شده تولی خان با شتاب و توجه پیوستن با پدرش گردید که مصروف تسخیر قلعه طالقان و دستگیری خان طالقانی بود. اما تخریب کامل این شهر پر فیض و بابرکت به قول خواندمیر، هنگامی صورت گرفت که شایعه‌ی شکست مغولان بدست جلال‌الدین منکبرتی نزدیک شهر غزنی، در سرتاسر خراسان پخش گردید. مردم در تمام نواحی خراسان زمین با اجتماع این خبر بپاخاستند و مغولان را به قتل رساندند، که مردم هرات نیز در آن جمله شامل بودند. آنان ملک ابو بکر را به قتل آوردند و قوایش را منهزم ساختند و دفاع شهر را به دست مبارک‌الدین سبزواری سپردند. چنگیز خان با شنیدن این خبر، فرزند خود ولی خان را سرزنش کرد که چرا به دشمن مجال این را داد تا مجدداً قیام کند و چنین حادثه‌ی را بوجود بیاورد؟ بهر حال، چنگیز خان دستور داد هشتاد هزار سوار به سرکردگی تولی خان به هرات هجوم ببرند و انتقام سختی از مردم آن ناحیه بگیرند. محاصره هرات شش ماه بدر ازا کشید که در طی آن مردم آن شهر با تمام قواء ایستاده‌گی کردند و با تلاش فراوان از شهرشان دفاع کردند ولی در آخر اجباراً تسلیم شدند و بدون اندک ترحمی قتل عام گشتند. تعداد کشته‌شدگان به حدود یک سیلیون و ششصد هزار نفر بشمار آمد. (۱)

امیرخواند شاه بیان میکند که شرف‌الدین خطیب طیب با پانزده تن باشندگان که در پناهگاه‌ها

(۱) اگر این رقم درست باشد، بدون شک هرات آنروز گار بمراتب از هرات کنونی بزرگتر بوده است زیرا در حال حاضر (منظور دوران بازدید فریه است) نفوس هرات به حدود صد هزار تن می‌رسد. رک. حاشیه ص ۶۸ سفرنامه فریه.

صاحب طبقات ناصری گوید که لشکر مغول هرات را «بگرفتند و خلق را شهید کردند... که ششصد هزار شهید در ربیع شهر بشمار آمد. برین حساب بیست و چهار لک در چهار طرف شهر، از مسلمانان شهید شدند.» رک. طبقات ناصری، چاپ سال ۱۳۳۳ ش، کابل، ج ۲ ص ۱۲۱.

خود را پنهان کرده بودند سپس به ۲ تن دیگر از بازماندهگان آند یا ریوستند که تنها افرادی بودند که از قتل عام به شکل معجزه آسایی جان سالم بدر برده بودند. این چهل تن ۱۵ سال در این دیار زیستند بدون اینکه کسی دیگر در آن جود داشته باشد، بدین ترتیب تخریب این شهر را می توان حدس زد که چقدر شدید بوده است. این واقعه تاسف آ و در سال ۱۲۳۲-۶۱۹ هجری اتفاق افتاد. (۱)

تیمور لنگ ویرانگر دیگر و تباه کننده نسل انسانی، با خون ریزی و شمشیر زنی همان مثال چنگیز خان را در اکثر حصص خراسان تکرار کرد. (۲) غیاث الدین (۳) شهزاده حاکم هرات، نخستین کسی بود که در برابر فاتح تا تار ایستادگی نمود، اما خطر از بابت طولانی شدن محاصره بروز نمود که در نتیجه او مجبور به تسلیم گردید. تیمور لنگ به منظور تنبیه وی به خاطر کوشش در زندانی کردن نماینده تیمور، حصار هرات را تخریب کرد، و چنان سالیه سنگین بر اهالی شهر هرات وضع نمود که همه آنان راه فقر و تنگدستی عمومی کشاند. او همچنان اراضی و خزینه غیاث الدین را تصرف کرد. حاکم تیموری که بعد از غیاث الدین

(۱) به قول صاحب تاریخنامه هرات در هجوم دوم مغولان به هرات هیچ آبادی باقی نماند و از تمام خلق آن فقط « ۱۶ نفر جان به سلامت بردند که در راس شان مولانا شرف الدین خطیب جغرتان بود. این ۱۶ نفر در قلعه کوهی صعب العبور مخفی شده بودند که بعد از رفتن مغولها از هرات، به شهر آمده و در جوار درب خوش، در حمام شرف الزمان مسکن گزیدند. بالاخره با پیوستن چند تن دیگر به آنها، تعدادشان به ۳۰ نفر رسید و آنگاه گنبد سلطان غیاث الدین غوری را در مسجد جامع مسکن خود ساختند. سرانجام پس از گذشت پانزده سال، مردم زحمتکش هرات فرصت اعمار و ترمیم شهر هرات را بدست آوردند.

رك. مجله هرات باستان، سال اول، ج ۱، ص ۱۳۵، ش ۲، ص ۱۷، به نقل از تا، یخ نامه هرات ص ۸۲. (۲) به قول مؤرخان مستشرق سه میلیون تن انسان در این قتل عامها جان خود را از دست دادند که در میان شان باشندگان شهر بلخ، نیشاپور و سرو هرات شامل بودند. رك. زیر نویس ص ۶۸، سفرنامه (۳) منظور سلطان غیاث الدین پیر علی از ملوک کرات هرات است که بتاریخ دهم ماه ربیع الثانی سال ۷۸۶ هق به دستور امیر تیمور لنگ در بیرون ا رنگ سمرقند به قتل رسید. (م)

به حکومت این ناحیه منصوب گشت در سال ۱۳۹۸م - ۷۸۵هـ ق در گذشت و در نتیجه قیام دیگری بوقوع پیوست و آن هنگامی بود که اهالی شهر به حمایت و پشتیبانی سلف حاکم برخاستند که در نتیجه پایگاه نظامی مغولان ویران گشت. مقارن این قیام، میران شاه، فرزند تیمور لنگ در فاصله سه روزه راه از هرات و در کنار دریای مرغاب قرار داشت که با استماع این حادثه هولناک باقوای بزرگ به شهر هجوم آورد و ریشه آنرا به ویرانی کشیده و با شندگان شهر را به قتل آورد. شهر هرات در زمان الغ بیگ نواده بزرگ تیمور با زبه همان سرنوشت ناگو ارقبلی سردوچار گشت. این شهزاده با بستگانش میرزا با بر (۱) و علا الدوله (۲) داخل نبرد شد و هراتیان که باز فرصت را مساعد یافتند، دست به قیام زدند و یا رعلی که کلانتری از قوم تاتار بود در رأس این قیام قرار گرفت اما الغ بیگ بزودی به هرات هجوم برد و شهر یکبار دیگر به ویرانی دچار گشت و بالاخص که دروازه خود را بر وی مفتوح نگه داشت، از ویرانی نجات یافت.

در سال ۱۳۷۷ م - ۸۶۴ هـ ق و در عهد ابوسعید (۳) از بازماندگان تیموری، جهان شاه (م) شهزاده ترکمنی از سلسله قره قویونلو به هرات تاخت و قحطی بر سر تاتار این ناحیه روی آورد که علت آن تباهی خرمنها و نابود شدن انبارهای غله بود.

(۱) میرزا بابر فرزند بایسنقر بن شاه رخ بهیروز است که در سال ۸۵۳ هـ ق در هرات حکومت داشت
(۲) علا الدوله فرزند بایسنقر است. (م)
(۳) سلطان ابوسعید فرزند محمد میرزا فرزند جلال الدین میرانشاه فرزند امیر تیمور گورگانی است. او در سال ۸۵۵ هـ ق به قدرت رسید و در سال ۸۷۳ هـ ق به دستور امیر حسن اق قویونلو کشته شد. (م)

(۴) جهان شاه فرزند قرا یوسف در سال ۸۶۲ هـ ق به خراسان آمده در هرات تاج گذاری کرد و خود را رسماً پادشاه خواند. تا اینکه در سال ۸۷۲ هـ ق به قتل رسید. این شخص به اسرای قره قویونلو یا «بارانیان» از ترکمانان تعلق دارد که در آذربایجان و غرب ایران به تاسیس سلاله پرداختند و سپس بدست اق قویونلوها سلاله دیگری که در همان نواحی به قدرت دست یافته بودند، در سال ۸۷۳ هـ ق منقرض شدند.

در سال ۱۵۵۳ م - ۹۴۱ هـ ق باز همان سر نوشت نابارک به سراغ هرات آمد و عیب‌دخا زبک تمه چیز را تا نزدیک به بالاحصار این شهر به آتش کشیده و ویران کرد که تنها بالاحصار از این ویرانی برکنار ماند. و با لایحه برای بارهفتم در سال ۱۶۰۷ م - ۹۹۹ هـ ق و در دوران شاه عباس کبیر یکبار دیگر شهر هرات بدست از بکان سقوط کرد که در راس آنان عبدالؤمن خان قرار داشت.

بنابران با وصف این همه خرابیهای که در طبل تاریخ بر این شهر تحمیل گشته، آیا باز هم می‌توان پذیرفت که خاک انداز و حصار موجوده هرات همان خاک انداز و حصار باقیمانده سکندر کبیر باشد؟ از مشاهده دقیق این شهر و حومه آن در طی مدت اقامت خویش، چنین - در یافتیم که محوطه کنونی قلعه فقط تا حصار کهنه و قلعه بی که در حال حاضر بنام قلعه اختیار الدین یاد میشود، گسترش داشته است. خاک اندازی که غیر از بالاحصار در اطراف این شهر درست شده، باید همان حصار بی باشد که در عهد شاه رخ میرزا فرزند تیمور گورگانی اعمار گشته است. این شهزاده در عهد پدرش فرمانروای ولایت هرات مقرر گشت و بعد از وفات پدر، بر این ناحیه به قدرت خود ادامه داد. چون به شهر هرات علاقمندی ویژه بی داشت، این شهر را پایتخت سلطنت خود ساخت و در آبادی و عمران آن مبالغه گزافی بمصرف رساند و همه ویرانیهای آنرا از بین برد. در سال ۱۴۳۱ م - ۸۱۸ هـ ق حصار و خاک ریزی که پدرش ویران کرده بود، مجدد آباد گردید. در اعمار مجدد این حصار بزرگ در حدود هفت هزار تن به کار گماشته شدند.

ساحه کنونی شهر هرات در حدود یک فرسنگ مربع را احتواء میکند که حدود مشرق و مغرب آن با مقایسه بابخش شمال و جنوب آن طویل تر است و نیرومندی بیشتر آن به همین خاک ریز بزرگ اطراف شهر ربط میگیرد. (۱) چنانکه در نزد عوام شایع گشته مصالح و مواد دیوارهای بزرگ و خاک ریز شهر در اثر همان ویرانیهای عهد کهن روزگار مقدونیان

(۱) محیط داخل خاک ریز شهر هرات تقریباً به یک میل مربع میرسد و وسعت اراضی با خاک ریز چنانکه در متن بدان اشاره شده به حدود یک فرسنگ مربع بالغ میشود. نقشه دقیق و صحیح شهر و خاک ریز آنرا کلنل ادوارد ساندرز فقید بر ای هیئت نظامی انگلیس به هندوستان ارسال داشت.

(یونانیان) صورت گرفته که در نظر بوده آبادی های جدیدی بجای آنها اعمار گردد. این خاک ریز بزرگ چنانچه از ظاهر آن پیداست از گل بسیار سخت انباشته شده که ظاهراً بخش زیاد آن از داخل شهر و قسمتی هم از بیرون تدارک گردیده که از داخل باخشت های پخته بر استحکام آن افزایش بعمل آمده و از بیرون بشکل پشته یی که از بالا به پائین دامنه آن وسعت پیدا میکند، ساخته شده است. اطراف خاک ریز را خندق بزرگی فرا گرفته است که در هنگام محاصره با آب پر گردیده و زمانی هم بدون آب میباشد. ارتفاع این خاک ریز یکسان نیست ولی بطور اوسط می توان بلندی آنرا در مجموع به (۹۰) فوت تخمین کرد. بر این خاک ریز تعدادی بر جها تعبیه شده که بفاصله (۵۰) فوت از یکدیگر قرار دارند که بادیواری بهم وصل گردیده و در آن سوراخهای بزرگ تر صد ساخته شده است. قلعه بر جها طوری پهن ساخته شده که در آن بتوان تویی را جای داد. دورا دسر پوشیده که خاک ۱ یزرا قطع کرده است به دفاع مستحکم این شهر بسیار کمک مینماید.

بالاحصار که همان قلعه اختیار الدین باشد، به سمت شمال و در داخل محوطه شهر افتاده که مربع شکل بوده و در گوشه های خود، برجهای بزرگ دارد و از خشت پخته ساخته شده و بالای خاک ریزی ساخته شده که ارتفاع آن از دیوارهای اطراف شهر زیادتر است و اطراف آنرا همچون اطراف خاک ریز بزرگ شهر، خندقی عمیق و بزرگ فرا گرفته است که باطل موقتی و یا شناسی توان بداخل آن راه یافت. از این بالاحصار بر راههای بیرونی حصار شهر میتوان نظارت کرد و حتی راه کاروان و مشهد و هرات را سوراخ دتر صد قرار داد. حمله به بالاحصار هرات کاری بس مشکل است، حتی اگر توپهای قوی بر تل بنگی با ارتفاع نسبتاً زیاد و موقعیت مناسبی که دارد، قرار داده شود، باز هم نمی تواند بالاحصار را بگشاید.

پس از محاصره هرات توسط ایرانیان در سال ۱۸۳۸ م عده یی از انجینران صاحب منصب انگلیسی به سرپرستی میجور تاد، نمایند ه مقیم انگیس بدر بار شاه کاسر ان بخشی از حصار را مجدداً اعمار کردند. (۱) خط دفاعی خندق که بنظر آنان ضعیف می نمود، در چند نقطه پر

(۱) میجور ساندرز از انجینران بنگال، صاحب منصب و رزیده یی بود که همراه با کپتان

نورت از قشون بمبئی، طرح و اجرای دفاع خاک ریز را بعهده گرفت. میجور ساندرز در جنگ

حاشیه ص ۱۷۱، سفرنامه فریه.

مهراجپور به قتل رسید.

گردید و بجای آن مناطق دیگری حفر شد. این امر بر ارتفاع خاک ریز در چند نقطه افزود و استحکام خاک ریز را در برابر شلیک گلوله های بزرگ توپ بیشتر مقاوم ساخت. برجهای گوشه های خاک ریز هم پیش از پیش برجسته تر گشت و دروازه های ورودی

هم تا اندازه تغییراتی رونما شد تا حمله بر آن نسبت به آنچه در طی محاصره سال ۱۸۳۸ م صورت گرفت، دشوار گردد. این تغییرات متأسفانه بدو سمت خاک ریز محدود باقی ماند و دو سمت دیگر آن وضع بدی دارد و در چندین موضع اگر قابل تسخیر نباشد، می تواند مورد حمله قرار داده شود. اگر این کار دفاع حصار به دست همان انجمنیران مذکور به پایه تکمیل می رسید، شهر در برابر هجوم هر نوع قوه بی ایستادگی میداشت. دفاع هرات وقتی تاسین می گردد که بر کاریکه تا کنون صورت گرفته، افزایش بعمل آید. برخورد های قوای قاجاری با قوای داخلی هرات در چند نقطه در خندق خاک ریز موجبات تلفات سنگین قوای انسانی بر ای هر دو جانب گشته است. قوای پادشاه قاجاری خیلی تلاش کرد تا راه خود را از خندق بسوی شهر باز نماید. ولی در بساموار د با مقاومت قوای هراتی مواجه گشت و دشواری زیادی را متحمل گردید.

نفوس هرات قبل از محاصره به حدود هفتاد هزار تن میرسید ولی بعد از آن به حدود شش یا هفت هزار تن کاهش یافت. این کاهش، بیشتر بخاطر مهاجرت انبوسر دم و نماند. و علت آن تلفات زیاد و قحطی مدهشی بود که در طی مدت محاصره، مردم هرات بدان مواجه گشتند مرگ و میر مردم تا مدتی مدید بعد از محاصره نیز ادامه یافت ...

صاحب منصبان وزیر یار پادشاه در شهری گشتند و مردم را علیه یکدیگر و یا بر ضد مقامات رسمی تحریک می کردند تا بدین گونه بهانه و دستاویزی جهت فروش آنان بچیث کنیز و غلام بدست آورند. و تعداد کثیر آنان را برای تر کمانان بفروش برسانند. با شنیدگانی که از این توطئه ها مطلع گشته بودند در منازل شان خاموش باقی میماندند، معهد ایار محمد خان هم از این عمل آنان نهر آسید او تمام دروازه های خروج بازارها را مسدود کرد و در همان ساعاتی که بازار هاز دحم می گردید، مردم را محاصره کرده و افراد سپاه خود را دستور داد تا هر فردی را که می توانستند دستگیر کرده و جهت تاسین پول برای فروش در نظر بگیرند.

از هنگامیکه این حادثه ناگوار اتفاق افتاد، وزیر قدرت اداری و حاکمیت دولتی

را غصب کرده و خزینه خود را باطلای انگلیسی پر بار نمود و تحت شرایط متغیری عوارض گمرکی کمر شکن را بنا بر مقتضیات زمان کاهش داد. از سال ۱۸۳۲ م به بعد او بنکر اسکان مردم هزاره، جمشیدی و تیمنی در داخل هرات افتاد تا بدین طریق بر جمعیت این منطقه افزوده باشد. او این افراد را در طی لشکر کشی به مناطق نشیمن آنان بصورت دسته جمعی دستگیر کرده و بطور اسیر به هرات مسکن داد. در طی دیدار من از این شهر هر فرد احساس مصئونیت می نمود و در طی چند سال اخیر، زراعت و تجارت به پیمانۀ وسیعی رونق خود را باز یافته بود. عفو عمومی برای کسانی که به خاک ایران و یا راضی تحت اشغال انگلیس ها گریخته بودند، اعلام گشت و آنان به تعداد کثیری مجدداً به منازل شان در هرات مراجعت کردند. نفوس ولایت هرات در سال ۱۸۳۵ م به حدود بیست تاییست و دو هزار تن رسیده بود و احتمالاً ده سال بعد از این تاریخ تمام ویرانیهای ناشی از محاصره هرات بدست ایرانیان مرتفع خواهد شد.

فهم و درك شهر هائیکه در شرق کاسلا از خاک و گل ساخته شده و بواسطه قبایل نیمه کوچی مسکونی ساخته میشود و باز به آسانی ویران گردیده و متروک میشود، وقتی بسیار سهل و آسان میگردد که باز انسان می بیند که همین شهرها با همان دلایلی که ساخته شده و ویران گردیده با همان امکانات ساده و بسیط مجدداً آباد میگردد، زیرا همان مواد ابتدایی و مصالح لازم در عین محل ساختمان فراهم بوده و در مجموع همه افراد خانواده، اعم از مرد و زن باستانشان دست بکار شده در عمران منازل و خانه ها همت می گمارند. دروازه و کلکین اتاقها یگانه چیزی است که نیاز به نجار دارد که آنهم به بهایی ناچیز درست میشود خانه ها عموماً گنبدی ساخته میشود و از این اوضاع و احوال می توان حدس زد که برای سکندر مقدونی چقدر سهل و آسان بوده تا چندین شهر و قصبه را در آسیای میانه و مرکزی اعمار کند باقشونی که بهمراه داشت، او می توانست در طی ده تا پانزده روز چندین هزار منزل مسکونی، اعمار نماید و بادر نظر داشت کاه و گل که در ساختمان دیوارهای منازل بکار می رفت، پس جای تعجب باقی نمی ماند که هنگامیکه در اثر حوادث طبیعی و یا جنگ های ویرانگر این ساختمانها منهدم می شد، آثاری از آن ها نیز باقی نمی ماند زیرا که همان کاه و گل دوباره هموار گشته، با خاک یکسان می گشت و علایم آنها نیز بکلی محو و نابود میگشت.

گر چه، نفوس هرات مستمرآ در طی سه سال اخیر رو به افزایش رفته، با آنهم وقت زیادی در کار است تا آثار و عیالیم ویرانی بکلی از بین برده شود، زیرا در حال حاضر صرفاً از هر پنج منزل یکی آن مسکون شده و میشود، ساختمانهایی از قبیل کاروانسراها، بازارها، حمامها و غیره عمارات عمومی تو سط گلوله های توپهای قشون ایرانی بکلی منهدم گشته و ویران شده است و از سوی مالکان آنها کاملاً متروک گردیده و محاصره شوندگان اکثر مواد ساختمانی این عمارات عمومی را بر خاک ریز هرات انباشتند تا بدین ترتیب امکان دفاع شهر را زیاد کرده باشند. آنچه پیش از دیگر توجه انسان را در سال ۱۸۴۵ م در هرات بخود جلب می کرد همانا مخر و به هایی بود که شامل باغهای عمومی و قشنگ و منازل با شکوه مناظر زیبا و دل انگیز حومه شهر می گردید. روستاهای سرسبز و مشجر و حاصل خیز کاملاً با خاک یکسان گشت. قشون قا جاری ایران در طی ده ماه محاصره چنان ویرانی های بزرگی بر این شهر بمیان آوردند که در تاریخ شرق نمی توان نظیری برای آن مشاهده نمود و این ویرانی چنان همه جانبه و کلی بود که هرگاه مردم آن در طی صدسال به جنگ داخلی گرفتاری آمدند، باز هم این قدر ویرانی در آن شهر صورت گرفته نمی توانست. حتی یک نهال سرسبز و درخت تنومندیکه باعث زیبایی و مایه فخر و مباهات باشندگان آند پارشمرده میشد از این ویرانی جان سالم بدر نبرده همه چیز هموار گشت و شهر و روستا به منظره بی از خرابی و ویرانی مبدل گردید. (۱)

(۱) درباره خرابی هرات و اطراف آن، صاحب ناسخ التواریخ چنین می نویسد: «اینک از هرات جز نامی باقی نیست. از بیرون این بلده تاسی فرسنگی آبادی نمانده و از درون، خانه ها تل خاکی شده، اهل صنعت و حرفت آن به بلاد بعیده جلائی وطن کرده قلیل مردمی بی توش و تاب از پس این دیوار خراب بجای مانده که از بیم جان به جان می کوشند.»

رک. ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی سپهر، چاپ سال ۱۳۴۴ ش، تهران، ج دوم، بخش قاجاری، ص ۸۹.

گذشته از ویرانی اراضی و اماکن، سپاهیان قاجاری نسبت به اهالی قرآودها اطراف هرات به فجایع هولناکی دست زدند. سر نوشت رعایائی که در اماکن خود برای حفظ عیال و اموال *

تعداد زیادی از بازارها، در طی مدت اقامت من در آن شهر، هنوز هم بحال و بیرونی افتاده بود و بخشی از چهارسوق، یگانه چیزی بود که نسبتاً به شکل درستی ترمیم شده بود. خانه های چهاربازاریکه از چهارسوق جدا شده بود، بشکل گنبدی از خشت پخته ساخته شده بود که دکانهای آن از یک طرف به طرف دیگر قرار گرفته بود و در انجام هر رشته بازار ساختمان قرار داشت که آنرا بشکل دایره ای گرفته بود که از بالای آن سی شد، منظره زیبای شهر را نگریست (۱) نزدیک به چهارسوق، حوض بسیار قدیمی ساخته شده که در نوع خود شاهکار هنری قرن

* میماندند، مرگ بود و زنها در هر سنی که بودند زجر و شکنجه میشدند و حتی بچه های کوچک از شکنجه و آزار مصئون نبودند. آنان زینت و آلات زنان را طوری بتا راج می بردند و چنان آنها را خراب می کردند که حتی یهو دیها هم حاضر نبودند آنها را با پول سیاه بخرند.

رك. تاريخ قاجار، واتسن، ترجمه عباسقلی آذر، چاپ سال ۱۳۳۰ ش، تهران ص

۰ ۲۰۷۹۲۰۶

(۱) به قول مجد ابراهیم رجایی «شهر قدیم هرات» چار بازار عمومی و چار دروازه بزرگ داشت. تقاطع این چار بازار، شهر را به چار قسمت (ناحیه) تقسیم می نمود، که ناحیه شمال شرقی را قطبیچاق ناحیه شمال غربی را ابر درانی ها، ناحیه جنوب شرقی را خواجه عبدال مصر و ناحیه جنوب غربی را سهندهای نامیدند. در انتهای هر بازار یک درب بزرگ نصب شده بود که از خود ناسی خاص داشت. دروازه شرقی بنام درب خوش، دروازه جنوبی، به نام درب فیروز آباد (قندهار) دروازه غربی بنام درب عراق و دروازه شمالی که در اصل دو دروازه بود از سمت شرق به نام قطبیچاق و از جانب غرب به نام درب ملك نامیده میشد.

چار بازار مسقف از چار سمت در مرکز شهر به هم وصل شده و ساحه تقاطع آن، شکل دایره وسیعی را بخود گرفته بود که چار سوقش می نامیدند. سقف چار سوق با ارتفاعی زیاد، از خشت پخته و چوبه اعمار یافته بود که خیلی هازینده و با عظمت و حشمت خود نمائی می کرد و آیتی از هنر معماری قدیم هرات بود. سقف چار سوق تا ۶۰ سال قبل و از بازارهای هرات تا حوالی ۳۸ سال پیش نیز وجود داشت. «رك. هرات باستان» ش ۲ و ۳. سال دوم، حمل-سنبه ۱۳۶۰ ش،

چشمیدهاص ۸۱ و ۸۲ و ۸۳.

شمرده میشود (۱)

این گنبد حوض، مطابق به روایات عنعنوی به فرمان شاه عباس کبیر صفوی، و بدنبال تکمیل اعمار بخشی از شهر ساخته شد. بدین ترتیب که فرماندار شاه موصوف که شخص جدی و کم حوصله بی بودا سر کرد تا هر چه زودتر این گنبد بزرگ حوض در زمانی کوتاه ساخته شود. معماریکه موصوف ساختمان آن بود بوی اطلاع داد که در آن مدت کوتاه ناممکن است، ساختمان مذکور به اتمام برسد. حاکم مستبد بدون اینکه موضوع را بدقت بررسی کند، بر فرمان خود اصرار کرد و معمار بدبخت هم که از بیم جان به هر اس افتاده بود، فرار را بر قرار ترجیح داده و از هرات گریخت. یکسال گذشت و ساختمان همچنان ناتمام باقی ماند، زیرا که هیچ کس دیگری حاضر نشد که لیاقت تکمیل این بنا را داشته باشد تا اینکه بالاخره همان معمار قبلی ظاهر گشت، و فرماندار شهر هم که خود را در مضیقه یافت و از بیم آنکه مبادا ساختمان ناتمام بماند، مجازات اعدام معمار را تخفیف داده و صرفاً با چوب زدن وی بسنده کرد. اما قبل از آنکه مجازات به فلک کردن معمار عملی شود، فرماندار موصوف معمار را با خود بر سر ساختمان حوض برد. معمار که بسوی دیوارهای بلند بینگریست خطاب به فرماندار هرات گفت: متوجه هستید که تهداب این ساختمان از هنگامی که من هرات را ترک دادم تا حدود یک فوت به زمین نشست کرده است؟ اگر در آن هنگام من از ساختن گنبد حوض خودداری می ورزیدم، سر من را قطع می کردید و با هر گاه این گنبد بعد از اعمار فروسی غلتید باز هم سر نوشت مشابهی در انتظارم می بود. تو از گوش کردن به حرف من خود داری کردید و من هم برای نجات جان خود، پابفرار نهادم تا اینکه فرصت آن رسید تا من کارم را بدرستی به انجام برسانم و اینک برای آن برگشتم و حاضر شدم تا بکار ساختمان گنبد ادامه بدهم. بعد از آنکه کی عذرخواهی بیانات معمار مزبور به انجام رسید

(۱) حوض بزرگ و بی نظیر چارسوق شهر قدیم هرات از ابنیه عالی حسن خان شاملواست که اشعار کتبه و ماده تاریخ (رنگین بنای ملک هری بر که حسن ۱۰۴۵ ه ق) نیز بخط زیبای نستعلیق وی موجود است.

رک. رهنمای هرات. تالیف محمد ابراهیم رجائی. چاپ سال ۱۳۴۷ ش، مطبعه هرات،

و کار ساختمان آغاز گردید. بدین ترتیب که حوض پرازگاه گردیده و تار تفاع لازم این قالب کاهی بالا برده شد و بر روی آن یکی از گنبد های بی نظیر و شکوهمند فن معماری و مهندسی ساخته شد. (۱)

مسجد بزرگ هرات یکی از بنا های دیگر و مهم این دیار است که در داخل شهر موقعیت دارد که متأسفانه، نیاز شدید به ترمیم دارد، که هنوز کسی به فکر ترمیم آن نمی باشد، مقارن قرن پانزدهم میلادی، مسجد جامع مذکور اعمار گشت که در آن عهد سلطان حسین تیموری بر اینکه قدرت قرار داشت و گفته میشود که در این کاری یکی از خویشاوندانش بنام شهزاده شیبالی همکاری داشته است (۲) بدین ترتیب اکثر ساختمان های باشکوه که اکنون به ویرانه ها تبدیل شده، در عهد همین پادشاه تیموری است.

(۱) چنانکه در حاشیه مطلب فوق آمده، اندازه گنبد مستلزم چنین ترتیباتی بوده است، اما این امر بطور کلی بر لیاقت معماران و مهندسان در این کشور ها، همیشه است و ساختمان های قشنگ و ابنیه زیبای در هرات ساخته شده و موجود است که صرفاً بوسیله هر اتیان درست شده است بدون اینکه کمکی از خارج بدانان متصور بوده باشد.

رک. حاشیه، ص ۱۷۳. سفرنامه فریه.

(۲) مسجد جامع هرات از ابنیه سلطان غیاث الدین غوری بنام (۵۵۸-۵۹۹ هـ) است که میگویند وسیله بنای این مسجد امام فخر الدین رازی بوده است. در دوره تیموریان در سالهای ۹۰۳ هـ روی کار جدار پیر و نی این مسجد به کاشی کاری رنگارنگ سزین گشت. در سال ۱۲۸۵ ش به ترمیم مسجد جامع توجه شد. صحن مسجد جامع ۹۷ متر مربع بوده که به خشت های بزرگ مغروش است.

در سال ۱۳۲۲ ش از وجه اعانه های مردم به ترمیم و اعمار الحاقیه های مسجد جامع افزایش بعمل آمد. در این ساختمان باشکوه، مظاهر هنر مختلط معماری، کاشی کاری، حجاری، و خطاطی معاصر و دوره تیموریان به مشاهده می رسد. رواق نفیس سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری از سال ۵۹۷ هـ ق، دیگ بزرگ فلزی دوره ملک غیاث الدین کرت از سال ۷۷۶ هـ ق، مزار سلطان *

قصر چارباغ که در گذشته اقامتگاه زمستانی حکام هرات بوده چندان وسعتی ندارد و باغ آن که یگانه باغی در داخل شهر شمرده میشود، کوچک بوده و یاسنار ل زیادی در اطراف محصور گشته است ما جو ر تود که مدتی در این جا بسر می برده چند ساختمان رها پشی دیگر بر آن افزود و یوار اصلی را نیز ترسیم کرد و چهار سال که از آن زمان میگذرد، اکنون ویرانی های بر این بنا روی آورده است. دیوار هاترك برداشته و با گل ولای انباشته شده، کلکین ها و دروازه ها تقریباً شکسته و فرسوده گشته و قسمتی هم از بین رفته و هیچکس هم جهت مراقبت و نگهداری آن گماشته نشده است.

* مغوری، منار شهدا، توپ چاریاری، دستگاه صنعت کاشی در آن هنوز زیبا بر جای است. رك. رهنمای هرات، چاپ سال ۱۳۴۷ ش، مطبعه هرات، ص ۱۰ - ۱۱ - ۳۶.

و همچنان برای معلومات بیشتر از مسجد جامع هرات و سیرتحوالات عمرانی آن، رك سجده هرات باستان، شماره دوم سوم و چهارم سال سوم و شماره اول سال چهارم (۱۳۶۱)

مراد از شهزاده شیبالی باید شهزاده شیبانی باشد. شیبانیان با خصوصیتی که نسبت به تیموریان و صفویان داشتند چندین بار به هرات حمله آوردند. (م)

برگردان و نگارش
جهانگرد افغانی

البوم سینما توری تاری و مالیات نوایی قوینا پزده هم نوزده بسم پیلر

این البوم که گوشه‌ای از فعالیت های هنری بزرگترین و باشکوهترین عهد رنسانس کشور «مارادو»
مرحله هایی از زبان مینما یاند، توسط دو تن از دانشمندان متبحر از پاکستان شوروی بنام
پروفیسور حمید سلیمان، داکتر علوم فیلالوژی، و فاضله سلیمان نووا، کاندید علوم فیلالوژی
تدوین و تالیف گردیده و زیر نظر ای. یو. یوسف اکادمیسین اکادمی علوم از پاکستان
شوروی در موسسه انتشاراتی «فن» از پاکستان در سال ۱۹۸۲ م در تاشکند چاپ شده است که
اندازه آن ۲۴×۳۳ سانتی متر میباشد.

در این البوم هنری ۲۸۵ پاچه هنری و نقاشی و مینا توری و تصویری در ۲۸ اثر با قیمت

از اسیر علی شیرنواپی که در دوره های گوناگون تاریخی و در طی سالهای متما دی به انجام رسیده، گنجایده شده است که همه از لحاظ زیبایی، نفاست و ظرافت و ریزه کاریهای دل انگیز و الوان گوناگون، ارزش عمیق هنری هنرمندان چیره دست دوران درخشان سرزمین های خراسان بزرگ، ماوراء النهر و هند شمالی را بخوبی مجسم ساخته است.

آنچه در این البوم هنری و پژوهشی میناتور با اهمیت مینماید، چاپ دقیق آثار هنری کهن است که وضاحت و شفافیت آن با چنان زرق و برقی همراه شده است که چشم بیننده را خیره ساخته، ابهت و عظمت آثار هنری را صدچندان آشکارا گردانیده است که این خود دلالت بر دست ندر کاران چاپ آثاری از این دست مینماید که الحق قابل تحسین و تقدیر و ستایش میباشد.

- ۱ -

چنانکه میدانیم در قرن پانزدهم میلادی برابر با قرن نهم هجری قمری، در خراسان زمین اوضاع و احوال طوری سیر کرد که مدنیت بزرگی چون مدنیت تیموری بوجود آمد که عوامل گوناگونی در آن دخالت داشت که از آن جمله بود، عوامل عینی محیطی، نیروی بشری و دگرگونی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی. از عهد «رنسانس شرق» تیموریان هرات به خوبی می توان دریافت که جو و فضای آموزشی و تربیتی و فرهنگی در خراسان بزرگ چنان تشویق کننده و مرغوب بوده است که در آن اوضاع و احوال که نه فن چاپ هنوز معمول شده بود و نه اسکان فن تهیه و تدوین و تکثیر کتابهای قشنگ و زیبا و قطور وجود داشت، انسا نه های دانش دوست و متمدن و فرهنگ پویا و باورشان، قطورترین و زیباورنگین ترین آثار نفیس علمی و ادبی و هنری را آفریده و به دوران ما پیشکش کرده اند.

اینگونه تلاش و کوشش و رنج و زحمت دانش پژوهان، اندیشمندان و هنروران پر تلاش و ظریف کار دوران افتخار آفرین اسیر علی شیرنواپی (۸۴۴-۹۰۶ هـ) و دیگر اعصار شکوفان فرهنگ و هنر کشورها بسته ی تحسین و حتی تقلید کامل و تمام است و باید با یدهم باشد.

- ۲ -

دوران حکمرانی تیموریان، دوران انکشاف مناسبات فیودالی در خراسان زمین و آسیای میانه بود، که مرکزیت فیودالی تحقق پذیرفت، نظام اقتصادی، زراعتی، دگرگون گشت پیشه وری و تجارت رونق یافت و بازارها نهایت درجه وسیع و گسترده گردید و مناسبات

مالی و پولی طبقه‌های وسیع اهالی شهرها و قسماً دهات ابعاد وسیعی یافت. درآمد دولت از دیاد پذیرفت و اندوخته‌های مردم زیاد شد و بدین گونه زمینه هرگونه آبادی و عمران در شهرهای سمرقند، بخارا، هرات و مشهد و غیره میسر گردید. همچنان در همین عهد بود که هنر خطاطی و میناتور، کتابسازی، فن معماری، هنر موسیقی و اسنال آن به اوج پیشرفت و درخشش خود دست یافتند. در اواخر عهد تیمور یان بویژه در روزگار سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (وفات ۱۱ ذی‌حجه سال ۹۱۱ هـ.ق) خراسان زمین مرکز تجمع بزرگان علم و دانش و کانون پرورش ادبیات، صنعت و هنر گردید. سخنوران، نویسندگان و هنروران شایسته عالی مقام از همه نقاط خراسان، ساوراالنهر، فارس و سیستان و هندوستان که شهرتی یافته بودند بمرکز امپراتوری تیموری یعنی هرات شتافتند و به تخلیق آثار بسیار با شکوه علمی ادبی و هنری مشغول گشتند.

- ۳ -

در میان رجال سرشناس که ناسش بارونق ادبی و هنری قرن پانزدهم میلادی در کشور ماهواره یکجا برده میشود، وزیر معارف دوست و هنر پرور سلطان حسین بایقرا، امیر علی شیر نوایی (۸۳۳-۹۰۶ هـ.ق) بود. نظام الدین علی شیر پسر کیجکینه بها دراست که در سال ۸۷۳ هـ.ق که سلطان حسین بایقرا در هرات پادشاهی رسید، او را از طفلی میشناخت ابتدا به وظیفه مهر داری و بعد به مقام وزارت برگزید. امیر علی شیر نه تنها وزیری مدبر و سیاستمداری لایق بود، بلکه دانشمندی شاعر و ادیبی هنرمند نیز بود. خطرا زیبا می نوشت و در فن تذهیب، تجلید و تصویر دسترسی تمام داشت و بیشتر سازها و آلات موسیقی را با کمال استادی و مهارت می نواخت. او یکی از مشوقان کتاب نویسی و کتابداری است که همین امیر موجب شکوفان شدن هنرهای زیادی میگردد که با خطاطی و هنرهای چون نقاشی و میناتوری و مصوری و حتی کاغذسازی سروکار دارد.

از جمله هنرها نیکه در دوره تیموریان هرات به اوج شکوفایی و درخشندگی خود نایل آمد؛ گسترش فن خطاطی و ساختن کتابهای زیبا و نفیس بود که تمام هنرهای آن روزگار چون هنر تذهیب کاری، میناتوری و هنر نقاشی و هنر صحافی و جلدسازی در آنها منعکس بود. هنر خطاطی و کتاب نویسی (نسخه برداری) و کتابسازی مخصوصاً با تالیس کتابخانه شاه رخ میرزا (۷۷۹-۸۵۰ هـ.ق) و بایسنغر میرزا (۷۹۹-۸۳۶ هـ.ق) فرزندان شاه رخ میرزا و کتابخانه

امیر علی شیر نوایی (۱۸۴۴-۹۰ هـ ق) مورد توجه قرار گرفت، چنانچه در کتابخانه با یسنغر میرزای مذکور، چهارصد کاتب و مصور و مذهب و مجلد مشغول کار بودند. در همین دوره بود که اکثر کتب نفیس و آثار گرانمای شعرآنا می که اکنون در دست است نسخه برداری شد و حتی عده‌ای از مؤرخان معتقد هستند که خط نستعلیق در زمان تیموریان هرات کشف و ایجاد گردیده که مبدع آن میر علی بوده است و بتوسط سلطان علی مشهدی ملقب به «سلطان لخطا طین» بعد کمال و زیبایی خود رسیده است و خط دیوانی و دولتی نیز در همین دوره ایجاد و شایع گردید.

-۴-

توجه به خطاطی و خوشنویسی و کتاب سازی موجب گردید تا هنر نقاشی، ریزه کاری یا هنر میناتوری انکشاف زیادی کند و بویژه در حواشی کتابهای نفیس و تجلید کتب مورد استفاده قرار گیرد. فن میناتوری و نقاشی و مصوری در این عهد تکامل نموده و از مرحله تقلید و اقتباس از فنون خارجی به مرحله ابتکار و ابداع و پختگی و صلابت خود دست یافت و سبک مخصوص هنری مکتب هرات عرض وجود کرد. چیز دیگری که در ارتباط با خطاطی و کتاب سازی رونق پذیرفت ساختن کاغذهای نفیس بود که از ابریشم و کتان ساخته شد.

از جمله خطاطان و خوشنویسان عهد تیموری در هرات اینها معروف بودند. شاهزاده بایسنغر میرزا، مولانا معروف، مولانا شمس الدین الهروی، مولانا جعفر تبریزی، مولانا اظہر، مولانا شهاب الدین، عبدالله، مولانا شیخ محمود، مولانا پیر علی هروی، مولانا عبدالله پسر پیر علی هروی. از جمله نقاشان نامی که در فن تذهیب و خطاطی دست توانایی داشتند، بطور مختصر اینها شهرت زیادی داشتند: مولانا حاجی محمد نقاش، مولانا سلطان علی مشهدی، کمال الدین محمود رفیعی، مولانا سلطان محمد نقاش، شاه مظفر و استاد خط و تذهیب کاری و نقاش معروف و نامدار جهانی استاد کمال الدین بهزاد و استاد دوی روح الله میرزا نقاش.

-۵-

همانطوریکه قبلاً اشاره شد آلبوم میناتوری هائی بر آقا ر علی شیر نوایی راد و نفر از دانشمندان جمهوری ازبکستان شوروی تدوین و تألیف کرده اند که در آن مقدمه مبسوطی از چگونگی اوضاع و احوال خراسان زمین و ماوراءالنهر و فارس و هندوستان مقارن ظهور امیر علی شیر نوایی درج کرده اند که چون پڑ و هش عمیق و دقیقی است که ما را به نحوه پڑ و هشهای دانشمندان اتحاد شوروی آشنا میسازد، برگردان آنرا در اینجا با ویریم تا بدین گونه

به اصل تدوین البوم و چگونگی انجام چنین کاری نفیس و ارزنده آشنایی بیشتری میسر گردد. در دیباچه این اثر چنین می‌خوانیم :

نظام الدین میر علی شیر نوایی مفکر پیشرو و انسان گرا، شاعری و الا مقام که آثارش ادبیات زبان ازبکی را به شهرت بی‌سابقه رساند، در جهان ادب سهم ارزنده بی‌بمهره گرفت.

کارل مارکس و اف، انگلس تأکید کرده‌اند که به سرور زمان « ثمرهای فعالیت‌های روشنفکری ملل گوناگون، مال مشترک همه می‌شود. انگیزه های ملی يك جا نبه و تنگ نظری‌ها، پیش از پیش محدود گردیده و از میان ادبیات محلی و ملی و ادبیات عمومی شکل می‌پذیرد. (۱) از اینجاست که ملاحظه می‌کنیم که اشعار نوایی همراه با سایر آثار تحقیقی و علمی وی، که در آنها روح بشریت مترقی جلوه‌گر است، جا یگاهی شا یسته در ادب جهانی احراز کرده است. علی شیر نوایی، شاعر و دانشمند و سیاست مدار و شخصیت برجسته اجتماعی که شاعری مردمی و انسان گرای و الابه معنای واقعی کلمه بود، در میان مردم خود و سایر خلقهای ملل روزگارش مقامی منیع کسب کرد، که چون احساسات ملی و انگیزه های ذوقی و ادبی نژادهای گوناگون و خلقهای متفاوت را بازگویی نمود، از پایه کیفیت انسانی زیادی برخوردار گشت.

او در تمام مدت زندگی ادبی و سیاسی و در طی آثار ادبی و منظوم خویش همواره بدین عبارت تأکید داشته: «انسانی که برای رفاه و آسایش مردم نمی‌کوشد، نباید انسان خوانده شود» و این خود بیانگر نمونه بی‌از خدمت بزرگ انسانی وی پنداشته میشود که نسبت به سرزمین پدری و مردمش ابراز داشته است.

زندگی علی شیر نوایی و کارهای بدیعی و ادبی و خدمات عام المنفعه اش مصداق با نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی است، روزگاری که مقارن بود با زمامداری سلالة تیموری و عصر زرین درخشش فرهنگ در هرات، ما و راء النهر، سمرقند و در مجموع در سر تا سرخراسان زمین. در ارتباط با دولتهای مهم فیودالی که در قرن شانزدهم میلادی در اروپا عرض وجود کرد، کارل مارکس نوشت که «سلطنت‌های مطلقه به عنوان تمرکزدهنده ارزشهای فرهنگی

(۱) ر.ک. مارکس. کارل، انگلس. اف، کلیات، چاپ دوم، جلد ۴، چاپ سال ۱۹۵۵، ص ۲۲۸

به حیث عامل اتحاد جامعه عمل کردند.» (۱) عین این موضوع در روزگار تیموری نیز جامعه عمل به خود پوشید و در اثر ایجاد دولت سطلقه و متمرکز تیموری، رجال معروف فرهنگی و سیاسی چون، الغ بیک، قاضی زاده روسی، علی قوشچی، ابن عرب شاه، شرف‌الدین علی یزدی، خواند، خواند میر، دولت شامسر قندی، لطفی هروی، جاسی، علی شیر نوایی، بهزاد، محمود مذهب، بنایی، واصفی، سلطان علی مشهدی، عبدالجمیل (خطاط) سلطان محمد خندان، عرض وجود کردند در زمان سلطنت شاهرخ (نیمه اول قرن پانزدهم میلادی) هرات به عنوان مرکز فرهنگی خراسان زمین درآمد. در عهد سلطان حسین و نوایی (در نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی) این ناحیه مرکز فرهنگی مشرق زمین گردید (۲) تجارت داخلی و خارجی، شعب مختلف زراعت، رشته های گوناگون دانش و ادب و هنر و ویژگی هنر معماری، به پیمانۀ زیادی پیشرفت کرد. دانشمندان برجسته، صنعتگران ماهر، بنایان لایق، خطاطان و هنرمندان مشهوری در این مرکز گرد آمدند و مشغول بکار شدند.

موقعیت ارزنده و درخشندگی هرات را باید قسماً بر هون وجود شخصیتی چون، علی شیر نوایی دانست. زیرا چنانچه در بایرنامه آمده، به مشکل می توان شخص دیگری را غیر از علی شیر بیک یافت که این قدر حامی و پشتیبان و خواه مرادانش و هنر بوده باشد. از برکت کمک و حمایت همین بیک بود که استاد قل محمد، شیخ نایی و حسین عودی، موسیقی نوازان معروف آن عصر، توانستند از پیروزی سرشاری برخوردار گشته و شهرت بزرگی کمایی کنند. استا دهبزاد و شامسظفر نیز در پر توغمخواری و توجه همین بیک به اوج شهرت دست یافتند. عدقلیلی بودند که به پیمانۀ امیر علی شیر نوایی از خود آثار و بقاع خیر بیادگار گذارده اند.» (۳)

زندگانی و آثار امیر علی شیر با حلقه های فرهنگی در شهر هرات پیوندناگسستی دارد. به مشکل می توان دانشمندی، شاعری، هنرمندی، موسیقی دانی، معماری یا خطاطی در آن‌ها سراغ نمود که

- (۱) مارکس. کارول، انگلس. اف، کلیات، چاپ دوم، جلد دهم، چاپ سال ۱۹۵۸ م، ص ۱۳۱، زبان روسی
 (۲) رک. برتلس، بی. ای، آثار منتخب، نوایی و جاسی، چاپ سال ۱۹۶۵ م، ص ۲۱
 (۳) رک، بایرنامه، چاپ تاشکند، (۱۹۵۸ م)، ص ۱۹۹-۱۹۸. اصل متن عبارت بایرنامه چنین است *

کارش به نحوی از انجا بانوائی پیوندی نیافته باشد. این اسر مورد تأیید ام لکیتسکتی، نخستین پژوهشگر روسی قرار گرفته که پژوهش ژرفی بر آثار و نوایی انجام داده است. (۱) در آن روزگار چنین رسم بود که آثار علمی و بدیعی و کتابهای ادبی را خطاطان در آسیای مرکزی و آسیای وسطی، بازنویسی و کتابت و صحافی و قاپه می کردند. در بخش عربی اسپانیه طریقه دیگر کتابت کتابها و جو داشت، بدین معنی که در اینجا، تا مدتی متنی را ابروی درختی حکاکی می کردند. مع هذا این کار گسترش نیافت و بزودی کنار گذاشته شد. نسخه های خطی قرون وسطی، نه تنها گنجینه های یربهای ثروت معنوی ساخته دست انسان را تشکیل میدهد، که طی هزاران سال بوجود آمده است، بلکه این اسر وسیله کلی آموزش مردم را می رساند. به همین علت برای این کار اهمیت زاید الوصفی قایل بودند.

زیباترین و نفیسترین نسخ خطی در هرات بدست هنرمندانی بوجود آمده است که از حمایت و پشتیبانی علی شیر نوایی برخوردار بودند، و در همین عهد بود که خط زیبایی به میان آمد که به نام خط نستعلیق شهرت یافت که به عنوان خط معمول در کتابت نسخ بعدی بکار گرفته شد.

افزون بر خطاطان، چندتن دیگر از متخصصان در ساختن نسخه خطی همکاری می کردند که عبارت بودند از: کاغذبران (قاطعان) مذهبان، نقاشان، صحافان، و نساخان. جنسیت و اصالت يك نسخه از روی کاغذ، رنگ (جوهر) و در مجموع از روی لیاقت خطاط آن مورد

*... و باهل فضل و اهل هنر مثل علی شیر بيك سر بی و مقوی معلوم نیست که هرگز پیدا شده باشد استاد قل محمد و شیخم نائی و حسین عودی که در هاز سر آمد بودند به تربیت و تقویت علی شیر بيك این مقدار ترقی و شهرت کردند. استاد بهزاد و شاه مظفر در تصویر بسعی و اهتمام علی شیر بيك این مقدار معروف و مشهور شدند. این مقدار که او بنای خیر کرد کم کس این مقدار موفق شده باشد. رک تو زو ک بابری، ترجمه خان خانان چاپ بمبئی ۱۳۰۸ ق، ص ۱۰۹ (۱) رک: نیکیتسکی، ام، امیر نظام الدین علی شیر، سهامتمدار و ادیب، چاپ سنت پترزبرگ، سال ۱۸۵۶ م، ص ۱.

داوری و ارزیابی قراری می‌گرفت طبعاً نسخه‌های که توسط چند تن استاد کار ساخته می‌شد و کتابت می‌گردید یا به فرمایش افراد اثر و تمند انجام می‌یافت و به قیمت گزافی خریداری می‌شد و یا جز ثروت دولت قراری می‌گرفت و در پهلوی گنجینه‌های طلا، در خزینه دولت نگهداری می‌گردید.

در زمره خطاطان معروف هرات عهد علی شبر نوائی می‌توان اینان را نام گرفت: میر عالی نبریزی، سلطان علی مشهدی و شاگردانش محمد بن نور، درویش محمد، سمرقندی و عبدالجمیل. سلطان علی مشهدی لقب «سلطان الخطاطین» یافت، که مورد ستایش زیاد جامی، نوایی و حسین میرزا قرار گرفت و مقام ویژه‌ی احراز کرد. آثار کهن ادبی را که او کتابت نموده در سوزیم‌ها و کلکسیون‌های نسخ خطی (بشمول کلکسیون‌های خصوصی) در سرتاسر جهان نگهداری می‌شود. سلطان علی نه تنها به عنوان کاتب و نسخه بردار نسخ خطی شناخته شده است بلکه او خطاطی‌های بر روی لوحه‌های قبور، سردر درب‌های خانه و منازل، نیز انجام داده است، و به قولی شاعر هم بوده است که درباره هنر خطاطی ابیاتی نگاشته است. اگرچه قرآن کریم در اسلام مانع نقاشی چهره‌های زنده نگر دیده، «معهدا» مسلمانان تا قرن‌ها بر هنر نقاشی و تصویرگری موجودات زنده و انسانی قیودی وضع کرده بودند که به احتمال قوی، این یکی از دلایلی بود که بجای هنر تصویری به هنر خطاطی جهت کتابت آیات قرآنی توجه بعمل می‌آمد. عبدالقادر سرادوف نوشته که «هنر تزئینی که در آن عناصر مقدسه یکجا شده بود با نقاشی، خطاطی، و هنر کاشی‌سازی همراه بود که در مذهب مسیحیت و بودایی ناشناخته بود در کشورهای آسیای مرکزی و شرقی بویژه انکشاف زیادی داشت» (۱) عنصر زرین هنر در هرات در روزگار نوائی، جامی، بهزاد با این حقیقت مشروط گشته بود، که قبلاً به تعداد کثیری از خطاطان، نقاشان، سیناتورستانی که آثار زیادی ابداع کرده بودند، در کتابخانه‌های سلطنتی هرات، سمرقند و شیراز در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی و نیمه اول قرن پانزدهم میلادی مشغول گشته بودند. این اسرار را برای تکامل فنون کتاب‌نویسی بهزاد و سلطان علی هموار نمود.

(۱) رک. سرادوف. ع. «اورته آسیا خطا طلیک صنعتی تاریخیدن تاشکند»، ۱۷۹۱ ص ۲۲.

در اثر نفوذ علی شیر نوایی، پیشرفت زیادی در هنر تصویری در نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی به میان آمد و زمینه برای ابداع مضامین بکر و تازه و انتقال آن نه تنها در وقایع و حماسه ها و اساطیر و داستانها و متون فراهم آمد، بلکه این امر شامل حوادثی چون آثار زنده و معاصر، وقایع تاریخی و باغها و بوستانها و چگونگی اوضاع روزمره نیز گردید که از این نقطه نظر عصر هنری علی شیر نوایی دارای ارزش و اهمیت فراوانی میباشد. گذشته از آن با صداقت تمام سی توان اظهار کرد که تمایل به واقع گرایی در ادبیات و هنر میناتور با و ج عهد طلائی اش در هرات روزگار نوایی دست یافته بود. مردم، طبیعت و حیوانات با ظرافت و به شیوه زنده بی صورتی گردید. علی الرغم شرایطی که در تزئین و ریزه کاریهای میناتور وجود می آمد، رنگها با مهارت و ذوق ویژه ای انتخاب می شد تا انگیزه های دقیق و ظریف هنرمندان را در ابداع تصاویر زنده و واقعی بخوبی بازتاب دهد. سی. ی. برتلس در تبصره ای راجع به شکل ظاهر تصاویر مربوط به زندگی واقعی در حیات نوایی می نویسد: «این یگانه چیزی بود که نظام ادبی کهن در دربار هیچگاه آنرا مجاز نمی شمرد در اینجاستی توان نفوذ شهر و تمایل به سوی مشخصیت و افاده کامل طرز زندگی مردم شهری را در ادب مشاهده کرد.» (۱) این امر در هنر میناتور نیز مشاهده شده سی تواند.

در مجموع، هنرمندان از طبقه کارگر بدنیا آمده بودند و به همین دلیل این هنرمندان در کارهای ابداعی شان، اذهان عمومی و افکار زیبا پسندی مردم و نظریات آنان را در این باره مدنظر گرفته، مشغول آثار خود ساخته بودند. (۲) آنان روند کار جسمانی را همراه با اهل حرفه و پیشه و شیوه زندگانی عامه چون کشاورزی و باغداری صورت ساخته اند. در هنر تصویری همچون شعر، بازتاب انسان همراه با شیوه زندگانی و آرزوها و تمایلاتش مورد توجه ویژه هنرمندان قرار داشت. در هنر ظریف تصویری هرات (نیمه دوم قرن پانزدهم میلادی) و بخارا (قرن پانزدهم میلادی) یک نقطه انتقالی از تصویر نگاری عنعنوی و موضوعات مذهبی بسوی

(۱) برتلس. ی. سی، آثار منتخب، نوایی و جاسی، چاپ سال ۱۹۶۵م، ص ۵۵.

(۲) ر. ک. پوگاچینگو. ک. ک. ۱، ایمپل. ال. سی، تاریخ صنایع از بکستان، چاپ سال ۱۹۶۵م

موضوعات روزمره زندگی بطور عینی و واقعی آن به مشاهده می‌رسد، که این امر با پیشرفت کلی جامعه مشروط ساخته شده بود. طوریکه قبلاً اشاره شد، کمال الدین بهزاد یکی از ظریف ترین نقاشان و میناتورکاران آثار نقاشی و میناتوری عهدنوابی شمرده میشود. او در یک خانواده پیشه ور در هرات بدنیا آمد. در اوایل جوانی از نعمت داشتن پدر محروم گشت و در خانواده یک هنرمند مقتدر و میناتورکار مشهور و خطاط معروف یعنی میرک نقاش آموزش دید و بسن رشد رسید. بهزاد جوان هنوز در عنفوان صباوت قرار داشت که توجه علی شیرنوائی را به استعداد خویش جلب کرد. نقاد معروف آثار هنری در فرانسه بنام ۱. شوکین نوشت: «گرچه بهزاد به عنوان هنرمند بهر هنمایی میرک نقاش به بزرگی رسید، معهذا، او تخت رهبری کاسل میر علی شیر، سیاستمدار و حامی هنر و ادبیات و شاعر تو انا، قرار گرفت و به اوج ارتقای هنری دست یافت، و از برکت پشتیبانی و رهنمایی نوائی، بهزاد و شاه مظفر به عنوان دو هنرمند به شهرتی دست یافتند» (۱) تاسدتی بهزاد در کتابخانه علی شیرنوائی مصروف به کار شد و سپس متصدی امور کتابخانه سلطان حسین گردید که تحت نظر میرک نقاش فعالیت می‌کرد.

بهزاد تلاش ورزید، تصاویر عینی و مناظر ریالستیک را تخلیق کند و شخصیت افراد را تصویر نماید؛ تا از فرصتی که فن ظریف نگاری و نقاشی و میناتوری برایش فراهم ساخته بود، بخوبی بهره‌گرفته باشد استعداد بهزاد در بازتاب مناظر زیبای بوستانی و وقایع روزمره زندگی، بطریق عینی و واقعی و گسترش موضوعاتی از این دست درخشید و روح تازه‌یی در کالبد فن هنرمیناتوری یعنی ریزه کاری و نقاشی دمید و در این زمینه در میان شاگردانش پیروانی پیدا کرد. مستشرق شهو رشوروی بنام ۱. یو. یا کوپو سکی که نخستین بار سوال «چه ویژگی در کار ابتکاری بهزاد مشاهده میشود که تحت نفوذ علی شیرنوائی قرار داشت» را مطرح کرد، نوشت: «نقاشی های بهزاد مورد ستایش قرار گرفت، زیرا که او نه تنها بدین حقیقت توجه داد و رنگ های روشن و زمینه های دل انگیز و بی سابقه بی رادر نقاشیهایش پیاده کرد، بلکه او در رسیدن بدین امر بصورت جدی و بی گیر تلاش می‌ورزید

(1) Stchoukin. I. lespe intures des manuscrites.

Timurides, Paris. 1984, P. 24.

تادرکنار تصاویر زیبای خویش (چون، تصویر سلطان حسین) ، مناظری از اجتماع رعایا را نیز در دربار بزرگان فیودال (چون، بارعام در باغ تیمور در نسخه خطی ظفر ناسه) و صحنه نبرد در پارچه های هنری اش به گنجانده بدین ترتیب به موضوعهای عامه و مردمی نیز توجه داد و پرداخت، معرفت و دوستی زیاد بهزاد با علی شیر نوایی نهمه روشن بود. نوایی از بهزاد پشتیبانی و مراقبت نموده و در کاروی نفوذ کرد و به او یاری رسانید تا در توجیه و پردازش مضامین هنری دقت نموده و در نتیجه به بلندترین جایگاه هنری دست یابد. (۱)

بنابر رسم و سنتی که در شرق زمین وجود داشت، بندرت نقاشان، مصوران، صیقلان و حتی گاهی اوقات خطاطان پای کارشان را سهر و امضای نمودند، که این امر در تشخیص و شناخت این آثار متأسفانه مشکلاتی را میان آورده است. در حال حاضر چند پارچه نقاشی محدود وجود دارد که امضای بهزاد در آن دیده می شود. همچنین سواردی وجود دارد که هنرمندان متوسط الجال در پای کارهای هنری شان امضا های هنرمندان معروف و مشهور و نام آور را سی گذاشتند، تا بدین طریق آن پارچه های هنری را بدانان نسبت داده، بر اهمیت آنها افزوده باشند.

ای. شوکن و ا. ساکسیان، عقیده دارند که میناتورهای سه نسخه خطی که در مجموعه نسخ خطی خارجی و دو مجموعه در کلکسیون شوروی (بوستان سعدی و دو میناتور خمسه نقاشی و دو پارچه نقاشی لیلی و سجنون اسیر خسرو دهلوی لنینگراد) و «سرقع» نسخه خطی گلستان در موزیم پالس در استانبول، بوسیله بهزاد نقاشی شده است.

قرن شانزدهم میلادی با آغاز اغتشاش سیاسی و ظهور شیبانیان و صفویان در منطقه مقارن بود. بعد از وفات سلطان حسین در سال ۱۰۵۰۶ = ۹۱۱ ه.ق. هرات بدست شیبانیان افتاد و سپس صفویان بر این شهر تسلط شدند. در این عهد بود که تضاد مذهبی شدت پذیرفت که موجب تضعیف پیوند هنری میان ماورالنهر، خراسان و ایران گشت. عده ای از دانشمندان، ادبا و خطاطان و هنرمندان بدربار صفوی در تبریز رفتند و عده ای دیگر بدربار شیبانیان در بخارا اشتافتند. از نظر نقادان آثار هنری، مکتب هنری تبریز و بخارا در این زمان فعال گشت و باعث ایجاد

(۱): آ. یو. یا کو بوفسکی، خطوط زندگی اجتماعی و فرهنگی زمان علی شیر نوایی، در مجموعه مقالات به زبان روسی، زیر عنوان علی شیر نوایی، مسکو - لنین گراد، ۶۹۳-۱۹۴ م ص ۲۹-۳۰.

پارچه های بسیار ظریف و زیبای هنر میناتور و ریزه کاری گردید. چنانکه سیدانیم علی شیرنوائی، شخصاً بنیان گذار آنا رادبی بزبان ازبکی و مؤسس ادبیات ازبکی بود، از همینجاست که تعداد کثیر نسخه های خطی منقش ادبیات ازبکی با کارهای شاعر بزرگ، علی شیرنوائی پیوندناگسستی دارد. نخستین مجموعه یا کلکسیون کارهای او که ما بدان عنوان ایلک دیوان (نخستین دیوان) دادیم که به خط سلطان علی مشهدی در سال ۸۷۰ هـ ۱۳۶۵ م کتابت شده در عین زمان نخستین نسخه خطی شناخته شده است که توسط خطاطی کتابت شده است. این نسخه بی نظیر در لیننگراد، در کتابخانه عمومی دولتی سالتیکوف شهردین نگهداری می شود، که در کتلاگ دورن تحت شماره ۵۶۴ (۳۳×۳۴ سانتی متر ۱۳۳ برگ) ثبت گردیده است. در آغاز نسخه این عبارت آمده است: «حور العبد سلطان علی مشهدی فی شهر سنه سبعین وثمانمائیه فی ایام الشیب» (۱). در صفحه نخستین نسخه، غزلی دارد که بدین بیت آغاز یافته است

الاها، پادشاها، کردگارا
سنگا اجوغ نهران و آشکارا

که بانفاست طرح شده و بالوان روشن نقاشی گردیده است. برگ های ۲ و ۳ نیز طرحهای قشنگی دارد. متن آن که در دو ستون به خط ازبکی نستعلیق کتابت شده، حواشی مذهب دارد. حاشیه هر صفحه به یکی از الوان ذیل نقاشی شده: رنگ آبی آسمانی، رنگ سبز پسته بی، رنگ سبز، آبی، کریمی، شنگرف و یازرد. زمینه چمنی، این نقاشی ها را گرفته است. این دیوان از نسخه های خطی ویژه سبک هرات است.

قدیم ترین نسخه آثار علی شیرنوائی که با میناتورهای مصور شده است، دیوان نوادر النهایه است این نسخه را سلطان علی مشهدی برای خزانه سلطان حسین کتابت کرده است این کتاب در انستیتوت شرق شناسی بنام ابوریحان بیرونی آکادمی علوم ازبکستان (به شماره: ۱۹۹۵، ۱۷×۲۵ سانتی متر

(۱) عبارت «فی ایام الشیب» که معنی ایام پیری را می رساند، تاریخ کتابت نسخه را اوتباط کتابت این نسخه را به سلطان علی مشهدی ضعیف میسازد چرا که در این وقت خطاط موصوف فقط (۳۶) سال قمری عمر داشته است.

۲۰۴ برگ، مورخ ۸۸۵-۸۸۰ هـ (۱۳۸۰-۱۳۷۵ م) ثبت شده است و در آنجا نگهداری میشود. در اخیر نسخه چنین آمده است: «کتبه العبد المذنب سلطان علی المشهدی غفر الله بدار السلطنه هرات بر اسم خزانه میرزا سلطان حسین». این نسخه خطی با کاغذ خوقندی در قرن نوزدهم میلادی احیا گردید و بعداً با پوش نسبتاً ضخیمی جلده شد. تاریخ ۹۲۳-۱۵۱۸ م در نخستین صفحه بدون اسم کاتب درج گردید.

الوان نسخه مذکور در مقایسه با سایر نسخی که در هرات در همین عهد کتابت شده، ساده میباشد. در صفحه ۱۸۵ ب که غز لهاختم میشود و مستزادها آغاز می یابد، عنوانی منقش با زمینه بی مذهب وجود دارد.

چند برگ با طرح چمنی مذهب در آن به مشاهده می رسد. شش پارچه میناتور میان غزلهای در برگهای ۲۹ ب-۷۳ آ و ۹۷ آ و ۱۱۳ آ و ۵۷ آ و ۱۷۱ آ وجود دارد. علاوه به میناتورهای برگ ۱۵۷، دیگر میناتورها همه، با موضوع «شاعر و معشوقش» پیوند می یابد. طرح میناتور نوآوری را می رساند که در آن تپه مرتفع چمنی سرسبزی نقاشی شده، که فقط یک یادو درخت در آن گنجانده شده است. رنگ های پسته بی، زرد، بنفش و یاس تیره با پس منظر آسمان طلایی در آن کار شده است. در پیش منظر، قالبینی نقاشی شده که شخصیت های برجسته در حالیکه با غلامان شان در میان گرفته شده اند، روی آن قرار گرفته اند. میناتور برگ ۱۵۷ بیانگر موضوع سنتی «معراج پیا مبر» میباشد. یعنی «معراج و بر اق» را مینمایاند.

تمام میناتورها ساده است و کدام برجستگی در آن دیده نمیشود. منظره طبیعی بسما را محدود و تنگ، رنگ آمیزی ساده، و شخصیت ها با لبها مساده ظاهر شده اند چنان طرح های محدود و تنگ (یک دیوان) که برای خزانه شاه در طی سالهای هشتاد قرن نهم هجری قمری در هرات کتابت شده (ایامیکه میرک تقاش متصدی کتابخانه سلطان حسین بوده) ظاهراً عجب مینماید. میناتورهای نسخه وضع عجیبی دارند. چهره های شخصیت های اصلی صرف در برگهای ۲۹ ب و ۹۷ آ نما یافته میشوند. جوانی سیبلی با گونه بی مدور و چشمانی با دامی تصویر شده است. کهن ترین نسخه مصور «خمسه» علی شیر نوائی در کتابخانه بود لیان، پوهنتون

اکسفورد در انگلستان (رك، اليوت ۲۸۷ و ۳۰۸ و ۳۱۷ و ۳۳۹) محفوظ است که بخشی از آن در کتابخانه پوهنتون جان ریلند مانچستر (مجموعه نسخ خطی ترك، ۳) نگهداری میشود. «خمسه» بودلیان مانچستر در سال ۱۸۹۰-۱۳۸۵ م کتابت شده است. تاریخ گردآوری این نسخه چنین است که يك ديلمات انگلیسی بنام اف. گ. وزیلی که در خدمت فتحعلی شاه در سال ۱۸۱۰ و ۱۸۱۲ م بود، به تعداد زیادی از نسخ خطی را گرد آورد که ۳۹ نسخه آن بعد از درگذشتش در سال ۱۸۱۳ م به کتابخانه «بودایان» فروخته شد. بعد از ب. اليوت از هته به تعداد ۲۲ نسخه (بشمول چهار بخش منظوم خمسه) برای همان کتابخانه خریداری کرد که بخش زیاد این نسخ از اوزیلی اکتیاع شده بود. نسخه خطی لیلی و مجنون را (جان ریلند) برای کتابخانه پوهنتون مانچستر خریداری کرده بود. «حیرت الابرار» دارای چهار میناتور است که یکی آن به «فرها دوشیرین» و دو تای آن به «لیلی و مجنون» و دو تای دیگر به «سبعه سیاره» و چهار تای آن به «سدامسکندری» تعلق دارد. در نظر منتقد هنری انگلیسی بنام ب. دبلیو. روبنسون برگ نخستین هر پارچه منظوم که با میناتورهایی مصور شده بود، و بعداً پاره شده یا افتادگی یافت، توسط کاغذهای جدید تعویض گردیده است. (۱)

میناتورهای خمسه با کیفیت عالی هنری نقاشی شده است که ارزشهایی های که از سوی دانشمندان برجسته اروپایی چون، ار مینیاک، سا کیسیان، ل بنیون، و. ژ. ویلکنسون، و. بازیل. گری و، شو کین و، بازیل. روبنسون در باره لست تصاویر میناتوری خمسه به معنای واقعی کلمه بعمل آمده، آنان را بدین باور راسخ ساخته که این میناتورها باید کار بهزاد، میرك نقاش، و قاسم علی باشد. معهذا، سیزده میناتور این نسخه، صرف نظر از اختلافات جزئی که دارند، در رنگ، ترکیب، و ویژهگی عناصر و تصاویر مندرج و تعرج و تعرج

(۱): رساله در باره (نسخه خطی) لیلی و مجنون ریلند و نسخه خطی اثر امیر علی شیر نوایی مورخ

۱۳۸۵ م متعلق به کتابخانه بودلیان (نسخه خطی سلطنتی تیموری) ص ۲۶۳.

صحنه ها و بازتاب بوستان ها و بناها با هم مشابه میباشند .

در میان نسخ خطی مصور آثار علی شیر نوائی، جای ویژه‌یی برای خمسه در کلکسیون نسخ خطی محفوظ در کتابخانه عامه دولتی بنام سالتیکوف شیدرین ایننگراد (دورن، شماره، ۵۶۰) داده شده است، و دو مجموعه (دیوان) در انستیتوت شرق شناسی بیرونی، آکادمی علوم ازبکستان به شماره ۷۹ و شماره ۳۹۸ نگهداری میشود. این آثار توسط سلطان عالی مشهدی کتابت شده، اگرچه این آثار تصاویر میناتور ندارند، اما رنگ، کاغذ، نحوه کتابت، لوحه، شمسه، تزئینات حواشی صفحه هادر دیوان، و ظرافت کار پهای بی نظیر صفحه های نخستین و دیگر صحنه های سنقش بیانگر این واقعیت است که این نسخه یکی از شاهکارهای هنری دوران زندگی علی شیر نوائی میباشد . خمسه در سال ۸۹۸ هـ - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ م برای کتابخانه سلطان حسین (۱۷/۲۴ سانی متر در ۳۲ برگ) کتابت شده بود. انجام صفحه آخر با این الفاظ پایان یافته است، 'کتبه العبد سلطان علی فی شهور سنه ثمان و تسعین و ثمان مائه' در صفحه ۱ ب عبارت دیگری افزوده شده که نسخه (سلطان الخطاطین) سلطان علی کتابت نموده، و مولانا یاری آنرا تذهیب و سلطان علی بر روی آنرا تجلید کرده است.

هر پارچه شعر خمسه بالوحه (۱) و شمسه (۲) مزین گشته که باطر حهای مشجر و هندسی تزئین و تذهیب شده است. دو پارچه نخستین ظاهر آلو حه نیمه دارد، اما عنوان کتاب در زمینه سفید و در میان تزئینات نگاشته شده است. دو پارچه دومین به عنوان پارچه های تزئینی برای آغاز داستانها ترتیب یافته است. نسخه بالو حه بسیار زیبا و شکوهمندی همراه با رسمهای منظم هندسی، آغاز می یابد، که در آن نام شاعر و عنوان کتاب درج شده، و شامل ۲۲ برگ تزئینی است. با حفظ سبک معمول هم آهنگی، ترکیب و رنگ آمیزی مناسب با طرح، هنرمند و طراح چنان آثار هنری را آفریده اند، که در زیبایی غیر قابل تقلید پنداشته میشود. در هر صفحه بعدی، سلطان علی خطاط ایباتی را کتابت کرده است، که در میان این ایبات هنرمندی

(۱) لوحه یا سر لوحه، سر صفحه اول کتاب که دارای تذهیب و ترصیع است و گل و برگ ریز

و نرم بر آن نقش یافته است .

(۲) شمسه در اصطلاح کتاب شناسی تزئین ترین نج های گرد و بر صعی که از طلا و لاجورد در پشت صفحه اول کتابهای پر کار منقوش می شود و در قرآنها بیشتر دیده میشود. رک، فن کتاب سازی، بکوشش مایل هر وی چاپ بنیاد فرهنگ، تهران سال ۱۳۵۳ ش، ص ۱۳۶ .

تزییناتی را گنجانده است. چنین عناصر تزئینی، در متن و انجام هر شعر به مشا هده می رسد. بنا بر رسم معمول، جلد نسخ کهن بندرت دست نخورده باقی مانده است. معهذاً، چرم سیاه جلد خمرسه با طرح بسیار زیبا و ظریفش که بدست سلطان علی روی محافظت شده، به طور مناسب در وضعیت خوبی سالم مانده است، و چنین تلقی می شود که این نمونه از بهترین نمونه های ظریف و زیبای هنر چید و صحافی در قرن پانزدهم میلادی بوده است. در میان تمام نسخ خطی مصور و منقش معروف هیچ نسخه ای وجود ندارد که بتواند با نسخه خطی «خمرسه» ی لنینگراد مقایسه شود. دو مجموعه دیگر از «خمرسه» وجود دارد که سلطان علی مشهدی آنها را کتابت کرده است؛ یکی از آنها یک سال قبل از نسخه خمرسه لنینگراد کتابت شده است. این نسخه در ملکیت کتابخانه سلطنتی در ویند سور (نسخه شماره ۶۵) قید می باشد. متأسفانه از این نسخه در کدام کتابخانه یا اثری که به نقاشی میناتورهای اختصاص داشته باشد، تذکری نرفته است. در سال ۱۹۶۸ م موقع یافتن (منظور از سفر مرحوم حمید سلیمان به انگلستان و فرانسه است) از ویند سور باز دیدنموده و خود را با نسخ خطی کتابخانه ملکه الیزابت دوم آشنا سازم که در میان آن، خمرسه و دیوان علی شیر نوایی را یافتیم.

نسخه (خمرسه) ویندسور (در ۳۰۸ برگ) در سال ۸۹۷-۱۳۹۱-۱۳۹۲ م به خط

نستعلیق ریز کتابت شده است. متن در چهارستون ترتیب شده و بارنگ آبی، حصه بی بارنگ، روشن تذهیب شده است. جلد ابریشمین آن رنگ جنابی دارد. تمام صفحات آن افشان دارد افشان کمتر در متن و افشان بیشتر در هاشم پیاده شده است، و صورت چرم سیاه کهن جلد همراه با نقاشی حکاکی مذهب آن بخوبی محفوظ باقی مانده است.

«حیرت الابرار» که با صفحات نازک نقاشی آغاز یافته، با چهار دیوان دیگر همراه با عناوینی

(در برگ ۵۵ ب، ۲۴ ب و ۱۶۷ ب و ۲۲۳ ب) شروع میشود. متأسفانه در اکثر موارد، نقاشی های شکوهمند هنرمندان هر اتی که در عهدنوائی حیات بسر می بردند، زدوده گئی و پریده گئی پیدا کرده است، که این پریده گئی ها شامل تصاویر نیم تنه افراد و شخصیت های مندرج در نقاشی ها هم شده است. این نقاشی ها، با نقاشی هایی سبک هندی، چون «قیامت» به مفهوم عیسوی آن (برگ ۶ ب) و بزم و ضیافت (برگ ۷ آ) و جنگ میدان (برگ ۳۱ آ) و «محمد خوار ز شاه

وفخر رازی در حمام « (برگ ۳۶ ب) تعویض شده است. آخرین نقاشی میناتور می باشد اصیل که نقاشی را در وجود خود حفظ کرده است. در انجام نسخه این عبارت درج است: «خدم بکتابتها العبد الفقیر الحقیر سلطان علی المشهدی غفر ذنوبه و ستر عیوبه و قدور دلهرها فی تاریخها» همچنان ابیاتی در وصف سلطان و تاریخ نسخه در آن کتابت یافته. در برگ (آ) که سفید است، تاریخ ۱۰۳۷ هـ = ۱۶۲۷-۱۶۲۸ م و عبارتی درباره قیمت آن درج است. قیمت آن زمانیکه در ملکیت خزانه شاه جان خان در هندوستان بوده، مبلغ یک هزار روپیه بوده است.

نسخه‌ی نظیر دیگر «خمسه» علی شیر نوائی (۲۷۵ برگ) که توسط سلطان علی مشهدی کتابت شده و با نقاشی ها و میناتور یها یی سزین و بصور گشته در بخش کوشک روان کتابخانه توپقاپوسرای استانبول در ترکیه به شماره (۸۱۰ ر) قرار دارد که در سال ۹۰۰ هـ م ۱۳۹۱-۱۳۹۵ استنساخ شده و دارای شش میناتور است که یکی آن در آغاز و دیگری در انجام «فرهاد و شیرین» و دو تای آن در نخستین بخش «لیلی و مجنون» «و سبعة سیاره» قرار دارد. در آغاز هر صفحه و پارچه شعر، لوحه رنگین گنجانیده شده است.

همچنان مجموعه‌ی از «خمسه» که در شاهرخیه (۱) در سال ۹۲۸ هـ = ۱۵۲۱-۱۵۲۲ م کتابت

(۱) شاهرخیه: به قول اسفزاری شاهرخیه همان حصار «تا شکند» بوده از حصانت و متانت زیادی برخوردار بوده است. قلعه شاهرخیه به قول مؤرخ مذکور حصار است که آب سیحون (که در آن محل آب «خجند» میگویند) بر سه طرف آن قطعه محیط است و از یک طرف آن که آب نیست کمرها و آبکندهای بزرگ است. «رکروضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات» اسفزاری، چاپ تهران، ۱۳۳۹ ش، ج دوم، ص ۲۵۱.

به روایت دیگر «... و از اعظم مضافاتش (شاش) قلعه شاهرخیه است که به میرزا شاهرخ بن امیر تیمور گورگان منسوب است و در قدیم آنرا فناکت خواندندی و آن قلعه ایست در غایت احکام و استحکام بر کنار نهر سیحون و آن نهر را ابو اسطر ب جوار شاهرخیه نیز گویند.»

رک، بحر الاسرار محمود بن امیر ولی

شده موجود است که شامل «حیرت الابرار» و «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سبعه سیاره» می‌گردد. این مجموعه در اختیار کتابخانه عامه دولتی سالتیکوف شیدرین در لنینگراد (دورن ۵۵۹) میباشد، که شامل ۲۳ پارچه میناتوری است. (۱)

کتابخانه ویندسور دارای یک نسخه بایک مجموعه بز رگاز «دیوان» علی شیر نوایی به اندازه ۳۰×۲۲ سانتی متر در ۸۱۹ برگ میباشد که توسط سلطان علی مشهدی به خط درشت نستعلیق کتابت شده است. متن آن در دستون تنظیم شده و بدون ذکر تاریخ است. انجام آن چنین عبارتی دارد: «کتابه سلطان علی مشهدی بدار السلطنه هر اتحماها الله عن الافات». این دیوان از همه خصایص سبک شعری ابداعی نوایی برخوردار است. صفحات دیوان که نخستین غزل «خزاین المعانی» را در خود گنجانده، به طرز شکوهمندی مصور و نقاشی شده که دارای لوحه رنگین میباشد. این نسخه در اصل دارای هفت میناتور بوده که در هر ات نقاشی شده بود. اما از مجموعه ویندسور (نسخه ۶۵) چنین برمیآید که این میناتورها، با نقاشی‌های سبک هندی تعویض گردیده باشد. این نسخه در ابتداء کتابخانه امارت بخارا نگهداری می‌شد. زیرا که در سال ۱۸۷۲ م اسیر بخارا از طریق گورنر جنرال هند این نسخه را برای ملکه ویکتوریا بخشید (مکتوبی هم از گورنر در این کتاب ضمیمه است) ظاهر آ بنا بر همین دلیل شماره‌ی بر این نسخه در نظر گرفته نشده و صرفاً نسخه بنام (نسخه بخارا) مسمی گشته است.

در میان مجموعه‌های «کلیت» علی شیر نوایی، نسخه‌ی که در ملکیت کتابخانه ملی پاریس

(Bibliothèque Nationale) در پاریس (به شماره: ۳۱۶ و ۳۱۷، Suppl. Turc)

میباشد، بخاطر کامل بودن و وضعیت خوب و نقاشی‌های ثابت آن، قابل ملاحظه و مورد توجه است، و از بهترین و ظریف‌ترین و نایب‌ترین نسخی است که در هر ات نقاشی و تریین و

(۱) برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به

تجلید شده است. این نسخه در کتابخانه سلطنتی بابر یان تیموریان هند نگهداری شده بود. (۱) که ارمان آنرا در طی مسافرتش به هندوستان اکتساب کرد. بعد از گذشتش در سال ۱۷۵۷ م این کتاب در ملکیت کتابخانه ملی پاریس قرار گرفت. این مجموعه به وسیله بلن (۲) و ای. بلوشه (۳) معرفی شده است. چند پارچه میناتور از این نسخه در البوم های نقادی های هنری اروپائیان عکاسی و منتشر شده است.

فرقی که مجموعه پاریس از سایر نسخ خطی دارد اینست که این مجموعه در دو جلد تدوین یافته. نخستین بخش جلد اول دارای ۲۶ برگ بوده به خط درشت ثلث چنین روی آن نوشته شده: «الجلد الاول من کلیات نوائی» و در جلد دوم که دارای ۶ برگ است عبارت «الجلد الثانی کلیات نوایی» تحریر یافته است. برخلاف نسخ دیگر در ۱۲ برگ نسخه یا دستخط طبعه سه زبان ازبکی، فارسی، عربی آغاز نسخه را کتابت کرده است. بایادآوری بربرگهای ۲۹۸ ب جلد اول) و ۶۰ ب (جلد دوم) می توان پی برد که این نسخه را الهجرائی، شاگرد سلطان علی در هرات در سال ۹۳۰-۹۳۳ ه (۱۵۲۳-۱۵۲۷ م) کتابت کرده است. متن به خط نستعلیق کلامیک زیبا و نازکی کتابت یافته که دارای چهار جلد بوده و هر جلد با پوش چرمی به رنگ کریمی حریری تجلید شده بود. افزون بر خطاط، مصور، طراح، و مذهب کار و مصحف برجسته بی در ساختن نسخه (کلیات) پاریس دست اندر کار بوده است. نسخه (کلیات) که توسط ماهرترین هنرمندان و کتابسازان انجمن نوایی در هرات به وجود آمده، نوعی از سپاس و تقدیر نسبت به حامی این هنر مندان یعنی علی شیر نوائی به حساب می آید.

پیدا تعداد زیادی از نسخه های مصور آثار علی شیر در قرن شانزدهم میلادی در شیراز تبریز و بخارا عرض وجود کرد، که در انجمله آثار مورد علاقه خاص و

(۱) با فرصت این را در یافتیم که هنگام بازدید علمی از فرانسه در سال ۱۹۶۸ م از این نسخه یادقت تمام دیدن نمائیم. (نویسنده دکان دیباچه)

2- Beilin Notice bio graphique et litteraire sur Mir Alichir Nev ai-suivid, extraits tries des oeuvres ud meme auteure Gournal As aiatic T. XVII. 1861, p. 175--256, 281-367

3- Blochet E. Catalogue de manuscrits. Turcs. I.I; Paris, MDCCC XXXII, 1932.

استثنایی عبارتست از سه مجموعه؛ یکی «دیوان» نوایی موجود در کتابخانه عامه دولتی (بنام سالتیکوف-شیدرین در لنینگراد) مجموعه شماره (سلسله جدید ترکی ۵۶) و دیگری در کتابخانه ملی در پاریس به شماره ۹۹۱ Suppl. Ture و سهمی در انستیتوت شرق شناسی، اکادمی علوم از بکستان، شماره ۷۳۶۳).

در اکثر موارد موضوع تصاویر این نسخ غالباً معمولی و متعارف میباشد، چون صحنه‌هایی از گنجه‌های دوستانه، یا مجالس بزم و ضیافت در کنار مناظر طبیعی یادریزیر سقف در یک باغ تا جاییکه به ترکیب تصاویر مربوط می‌شود، نقاشیها غالباً بی‌پیرایه بوده، اکثراً در طرز و ادا و رفتار باهم شباهت دارد و به رنگ‌های افشان‌مزه است که در آن افراد کمی جای داده شده است.

این افراد در اطراف شخص اصلی گرد آمده‌اند که بالفطره حالت رکود داشته و از تشخیص و فردیت بی‌بهره نشان داده شده‌اند. میناتورهای مصور که وقف آثاری چون «ظفر نامه» و «جامع التواریخ» و آثار نظامی و امیر خسرو دهلوی و جاسی گشته‌اند، به طرز جالب توجهی ارائه شده‌اند. توجه اصلی هنرمند به اصل منش و شخصیت تصویر معطوف نشده، (چون میناتورهای مصور در هرات) بلکه پیرامون باغستانها و محیط اطراف و دیگر مضامین، عطف توجه بعمل آمده است.

در قرن شانزدهم میلادی، بخارا مرکز هنر مصوری در ماوراءالنهر گردید که در آن اشکال متعارف فرهنگ بدوی و خانه بدوشی با محتوای جدید و ظریف انسانی در آمیخت که مخصوص مکتب بهزاد بود و تحت نفوذ و تاثیر آثار هنرمندان برجسته استادان هرات قرار داشت. بدین طریق، نقاشی میناتوری در بخارا با عناصر ویژه سمرقند و مکتب بخارا در عهد تیموریان و مکتب بهزاد در عهد حیات نوائی و نیز با کلتور بدوی و خانه بدوشی در هم آمیخته بود. در موارد زیاد، ترکیب و زمینه ساختمانی میناتور به سبک و روش هرات صورت می‌گرفت ولی محیط و افاده مردم و لباس از روی سبک محلی و بر اساس شیوه زندگی منطوقی پرداخته می‌گشت و مناظر و صحنه‌هایی از زندگی روزمره و تصویر ویژه عامه نیز در آن گنجانده شد و توجه زیاد به موضوعات حماسی داده شد، بدون اینکه باروش سنتی مصوری که در

هرات انکشاف یافته بود، لطمه‌ی وارد آید. میناتورهاییکه بر «خمس» نوایی مصور شده و در شاه‌رخیه نزدیک (تاشکند) کاپی و نقل گردیده، همچنان شایسته تذکر و یاد اوری میباشد. در زمان زعامه عیدالله‌خان و شیبانیان (۱ و ایل قرن شانزدهم میلادی) کارپردهنر تصویری ابداعی در نسخ خطی در بخارا رونق پذیرفت. معهذا، بنا بر ضدیت‌های ولایات، نسخ خطی زیر نظر مشخص‌شاه کتابت میشد، خطاطان معروف، چون سلطان میرک منشی، و مولانا میر علی از عنعنه خطاطی سلطان علی مشهدی در طرح نسخی چون «نسخه نظامی سعدی جامی و نوایی پیشی گرفتند. در این میناتورها، بویژه آنهایکه بتوسط محمود مذهب نقاشی شده، می‌توان به وضاحت رد پای نقاشی هنر مصوری هرات راه‌شاهه کرد. زندگی شکوهمند در بار «بوستانها و چمن‌زارهای بسیار دل‌انگیز و جذاب برعلاوه حیات روزمره کارگران و مردم معمولی در این نقاشی‌ها بازتاب یافته است. این مناظر را در میناتورهای محمود مذهب از سلطان سنجر و کمپیر» و «مخزن الاسرار» نظامی (در کتابخانه ملی پاریس ۱۵۳۵ به شماره جدید ۹۸۶) و در میناتورهای از نقاشی گمنام در گلستان سعدی (۱۵۳۷، جینوا مجموعه‌م. بودسیر، جلد ششم، ۵) می‌توان یافت ..

در اکثر موارد، هنرمندان برجسته بخارا این کار دقیق و مشابه را به مفهوم ادبی آن‌چون (تجفة الاحرار) جامی، او اسطقرن شانزدهم میلادی، کتابخانه عامه دولتی لنین‌گراد، دورن ۳۲۵ تشریح و توجیه کرده اند. این روش در میناتورهای نسخه شعر نوائی یعنی «لسان الطیر» که در سالن ۹۶-۱۵۵۳ م در بخارا کتابت و استنساخ شده و در ملکیت کتابخانه ملی در پاریس ۹۹۶، Suppl. Turc. میباشد، نیز به مشاهده می‌رسد. بدون اینکه به اجزا و عناصر سمبولیک اثر بپردازیم. بدین نکته اشاره می‌کنیم که هنرمند نه شیخ صنعان که در نتیجه عشق به فنای مطلق افتاد و آواره گشت، عطف توجه کرده است. (۱)

در میان نسخه‌های مصور در بخارا، نسخه اشعار علی شیر نوایی «سبعه سیاره» و «سد سکندری» که در ملکیت کتابخانه بودلیان پوهنتون اکسفورد (ایوت ۳۱۸، ۳۳۰) میباشد بسیار مهم پنداشته میشود. این دو اثر از مثنوهای چهارم و پنجم «خمس» ترکیب یافته و در

(۱) پوگاچنکوا، گ. ۱، و. گالر کیتا. او. ای، میناتورهای آسیای میانه، ص. ۳.

پنج کتاب جداگانه تنظیم شده. اساسه جلد دیگر تا کنون دستیاب نشده است. هر دو کتاب نمونه های بسیار ظریف نسخه مصور در بخارا شمرده می شود. متن به خط نستعلیق ریزو ظریف در چهارستون کتابت شده که حواشی آن افشان طلا دارد که زمینه آن نقاشی چمنی و هندسی فرا گرفته است. کتابها یکده سال ۱۵۹۶-۱۵۵۳ م کتابت شده، حالت خوبی دارد و همان صحافت کهن همراه با چرم براق خود را حفظ کرده است. انجام آن به چنین عبارتی اتمام پذیرفته است «... کتبه العبد المذنب الراجی تالی و رحمه الله الملك الغنی العظیم محمد علی الکاتب السلطانی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه سنین و تسعمائیه بلده بخارا حمیت الافات و البلمات تبحر یریاقت.» نخستین صفحه های نسخه با عنوانهای زیبا و رنگین نقاشی شده و در داخل آنها عنوان کتاب «سبعه ساره» و «سدسکندری» کتابت یافته است. ده میناتور در آن نقاشی شده، که مضامین آن به جلد اول و پنجم، موضوع آن به جلد دوم کلیات نوایی تعقی دارد. در اکثر موارد، نقاشی های میناتور تمام صفحه را دربر گرفته و پوشانده است. شکوه و خلوص رنگها، نفاست نقاشی و جذابیت تصاویر بسیار دلکش مینماید. قیافه های زنان بسیار زیبا و دل انگیز تصویر شده اند. پارچه های مصور به حوادث و واقعاتی که در متن ابیات بدانها اشاره شده، بسیار بدرستی مطابقت داده شده است.

طرح کتابها و نقاشی میناتورها که در قرن شانزدهم میلادی به اوج پختگی و رونق خود دست یافت، در قرن هفدهم میلادی رو به اضمحلال نهاد. در میان نسخی که در این عهد مصور شده هیچکدام به آثار نوایی تعلق ندارد. این نسخ شامل آثاری از این قبیل میشود. شاهنامه فردوسی تاریخ کتابت ۱۶۰۳-۱۶۰۲ م و «سبحه الا برار» جاسی، تاریخ کتابت، آغاز قرن هفدهم میلادی یوسف وزلیخا، تاریخ کتابت، ۱۶۱۵ م بوستان سعدی، تاریخ کتابت ۱۶۱۶ م و خمسۀ نظامی تاریخ کتابت، ۱۶۳۸ و شاهنامه فردوسی، تاریخ کتابت، ۱۶۶۳ م و خمسۀ نظامی تاریخ کتابت ۱۶۷۱-۱۶۶۸ م، «مجالس العشاق» تاریخ کتابت قرن هفدهم-هیجدهم میلادی. در نتیجه انضمام دولت های سهم فیودالی، چون خان نشین های خوارزم، بخارا و خوقنددر اواسط قرن هیجدهم میلادی، اقتصاد و فرهنگ رونق یافت و به ادبیات کلاسیک توجهی روز افزون سبذول گشت و از آثار علی شیر نوائی نسخه برداری شده، دست به دست گشت. عبارت جالبیکه در انجام نسخه علی شیر نوائی یعنی «خزاین المعانی» که در خوقند کتابت شده و در

ملکیت انستیتوت شرق شناسی اکادمی علوم از پاکستان به شماره: ۱۷۰۹ قرار دارد، ادعای بالا راثابت می سازد. این عبارت چنین است: ... محمد علی غازی بهادر خان ... مینگه ایکی بوز (و) ایلک تورت تاریخیندا... محمد صدیق تونقاتر ساریقه خطاب ایتیب، اسر عالی صدورتا پتی کیم نوایی دیه انینی مکتوب یماک کابویورغیل. فرمان عالی تأثیر بدین بیری شول کیم بدت آلتی آی ایچره اوچ یوز عدد * دیوان مجلد و مشرز بولدی اول مشرز (بولگان) دیوانلار نلاردین بیری بونسخه ایرور کیم سنه مذکور ایچره همت اهتمام و شرف اتمامه موسوم (؟) بولدی .»

ترجمه: محمد علی غازی بهادر خان (اسیر خوقند) بنا ریخ ۱۲۵۳ هـ به محمد صدیق تونقاتر خطاب نمود و اسر عالی صدور یافت که به کتابت دیوان نوایی دستور دهد. از تاثیرات فرمان عالی یکی اینست که در مدت شش ماه سه صد عدد * دیوان مجلد و مشرز گشت، یکی از آن دو اوین مشرز (شده) همین نسخه است که در سنه مذکور اتمام یافت. (۱) نتیجه این شد که «دیوانی» کتابت شد و در طی شش ماه سه صد جلد از نسخ آن مجلد گردید در عین زمان یعنی در سال ۱۲۴۳ هـ - ۱۸۲۴ م پنج مجموعه از اشعار علی شیر نوایی آماده گشت که بوسیله سلا روزی در خوقند کتابت یافت که اندازه آن ۱۸×۳ سانتی متر در ۲۹ برگ بود. (۲) خصوصیت مجموعه ها چنین است: «لسان الطیر»، «فرهاد و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «سبعه سیاره» و «سدسکندری» صفحات افشان طلا دار دو باز مینه چمنی و رنگین تزئین یافته، و جلد آن از چرم سیاه میباشد، ایاتی به عنوان انجام کتاب در آن درج شده است. باور داریم که میناتورهای آن را محمد کاسانی نقاشی و بصور کرده است. محتوای آنها متفاوت است. مضامین بعضی از این میناتورها با مضامین «سروج سستی و

(۱) رلك. نسخه خطی، برگ ۷۷ الف. باید یادآور شد که عبارت از یکی را دوست گرانقدرم استاد کتور محمد یعقوب و احدی عضو شعبه از یکی اکادمی علوم افغانستان از مقدمه دیوانهای اسیر علی شیر (خزاین المانی) استنساخ کرده همراه با ترجمه آن در اختیار من قرار داده اند که من از این لطفشان سپاسگزارم * جناب واحدی ضمن تبصره بر رقم سیصد عدد نگاشته اند که این عدد صحیح نیست، شاید «اوچ تورت» یعنی «سه چهار» عدد باشد.

(۲) رلك انستیتوت نسخ خطی، اکادمی علوم از پاکستان شماره جدید ۲۳.

معمول مطابقت دارد و مضامین بعضی دیگر جدید و ابداعی است. مضامین میناتورهای اول و دوم معمولی است. در سینه توری های نخستین، هنرمند «عراج پیامبر با براق (۳۴ آ)» را نقاشی کرده است. که در آن چهره پیامبر پوشانده شده است. میناتور دوم واقعه «شیخ صنعان» را در برابر زیبای رومی ۳۳۵ آ تصور شده است. مضمون های شش میناتور دیگر را مفاهیم «لسان الطیر» احتوا کرده است، که نسبت به میناتورهای قبلی تفاوت دارد. در میناتور «حکایت شیخ ابو سعید ابو الخیر» (۳۰ ب) در حالیکه شیخ را با تسبیح در دست همراه با چهار مردش مینمایاند، نقل شده است. در سمت راست میناتور، موجود بالدار اساطیری نمایانده شده است، و در بخش فوقانی تصویر در آسمان آبی پس منظر تصهیر درخت بزرگی قرار گرفته است. میناتور «پرواز سلیمان پیامبر بسوی هندوستان» (برگ ۳۶ آ) سلیمان را بر تخت سلطنتی مینمایاند که توسط چهار دیو به آسمان برده میشود و از عقب «پری» پکه بدستی او را پکه می کند. علاوه بر این میناتورهای دیگری نیز وجود دارد، چون سینه تورهایی که در آن «شیخ پارسا به سوالیکه از سوی یکی از پارسایان مطرح شده پاسخ میدهد» (برگ ۳۹ آ) «شاه بلخ و پسرش» (برگ ۴۲ آ) و «صوفیان در حالت سماع و پرواز» (برگ ۴۸ ب) و «شیخ ابو العباس در وادی فنا» (برگ ۵۲ آ) بعید نیست که این میناتورها بر ای نسخه دیگری تصور شده باشد و بعداً به این نسخه گنجانده شده است. انگیزه های عرفانی و مذهبی در میناتورهای «لسان الطیر» بازتاب یافته است.

«فرهاد و شیرین» با میناتورهای تصور گشته که در آن، ورود شیرین نزد فرهاد را در حالیکه اخیر الذکر مشغول کندن کوه است، نشان میدهد. (برگ ۱۱۱ ب) و یا «فرهاد، شیرین را همراه با اسبش از زمین بلند میکند» (برگ ۱۱۹ ب)، «خسرو و بزرگ امید» (برگ ۱۲۵ ب) «جداشدن فرهاد» (برگ ۱۵۰ آ)، «شیرین در منزلش» (برگ ۵۲ آ)، «فرهاد و شیرین در حجره شان» (برگ ۱۵۳ آ)، موضوعات غالباً معمولی و عنعنوی است. اما میناتور «شیرین در منزلش» از این امر سینی است. واقعه

واقعه «حمام گرفتن شیرین» و «شیرین در حالت نظارت بر تصویر خسرو» در این اثر منظوم نوایی گنجانده نشده است. نسخه مذکور در برگ ۱۵۸ آ ختم میشود. بدنبال آن دو برگ سفیدی آید و در برگ ۱۵۹ ب میناتور و وجود دارد که در آن کشتن شیرو به بدست خسرو نمایانده

شده است. در این پارچه دست به یخن شدن خسرو و باشیر و یه ارائه شده که این منه ضوع در متین ایبات باز تاب نیافته است.

نسخه «لیلی و مجنون» با سیناتور هایی مصور شده است که در آنها «لیلی و مجنون در مدرسه» (برگ ۱۷۸ ب) و «مجنون با پدرش در سکه» (۱۸۳ ب) در بخشی گنجانیده شده که در آن حکایت زندگی مجنون در میان حیوانات وحشی در دشت بیان شده است. «نوفل در حضور پدر مجنون» (برگ ۲۰۰ آ) «مجنون در برابر خیمه مجنون» (برگ ۲۱۶ ب) «لیلی و مجنون در دشت» (برگ ۲۱۸ آ) که در مضمون تکرار است و «گور مشترک لیلی و مجنون» نمایانده شده است. سیناتور ها یکه (سبعه سیاره) را فرا گرفته است با رسم معمول و عنعنوی مطابقت ندارد. بطور نمونه دلارام در نقاشی «مانی در حضور بهرام» (برگ ۲۳۱ آ) تصویر نشده است. بهرام در یکی از دو سیناتور یکه صحنه شکار را نشان میدهد (برگ ۲۳۳ ب) باز تاب یافته است. در سیناتور دیگری، دلارام تصویر یافته بدون اینکه آله موسیقی در دست داشته باشد. (برگ ۲۳۷ ب) رنگهای هفت قصر با نام های آنها مطابقت ندارد. بطور مثال صندل قصر به رنگ آجری نقاشی شده است این سیناتور ها از سیناتور های قبلی در باز تاب زمینه های چمنی و ساختمانها و باسیدانها یکه در آن شخصیت هایی حضور داشته باشند، تفاوت زیادی دارد.

دوازده سیناتور در منظومه «سدا سکندری» گنجانده شده است. بخش زیادی از اینها در انحراف از مضامین عنعنوی و سنتی و یابی نظمی که دارد، قابل توجه می باشد. بعضی از آنها یا محتوای متن مطابقت ندارد. سیناتور «حاکم کشمیر و خواهرش مهر ناز» (برگ ۳۷ ب) و «سکندر و روشنک» (برگ ۳۹ ب، ۱۱۱ آ) «جنگ بار دیلان» (برگ ۳۰ ب) «سکندر دیو در بند کشیده را راهنمایی میکند» (برگ ۴۰ آ) در سایر نسخ دیده نشده است.

مقایسه سیناتور های خوقند «خمسه» نوای بانسخ مصور قرن نوزدهم (مجموعه نسخ اتحاد شوروی) ما را به نتیجه حیرت آوری می رساند و آن اینست که عناصر هنری در سیناتور های آسیای سیانه قرن نوزدهم ظاهری گردد. و طور یکه شهرت دارد، پیوندهای فرهنگی میان هندوستان و آسیای سیانه در قرن های هفدهم و هیجدهم میلادی نیز و مندتر می گردد، و رفت و آمد هنرمندان و خطاطان صورت می گیرد، که در نتیجه تشابهات نزدیک دز شیوه تصویر سیناتور های که در قرن هیجدهم و نوزدهم در هند و ستان (بویره در کشمیر) و بخارا بصورت

می‌شوند؛ بوجودی می‌آید: این تشابهات را به پیمانۀ زیاد در میان سینا تورهای نسخه (یوسف و زلیخا) ی‌جلمی مصور کشمیر در سال ۱۲۲۸ هـ - ۱۸۱۳ م (مخفوظ در انستیتوت شرق شناسی آکادمی علوم از پاکستان، شماره ۷۹۱) و (دیوان) عاشق، کتابت در بخارا در سال ۱۲۲۱ هـ - ۱۸۰۶ م (مخفوظ در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم از پاکستان شماره ۲۳۵۳) می‌توان به وضاحت مشاهده کرد.

تشابهات کاملی در ترکیب و رنگ آمیزی در تصاویر انسانی، لباسها، واقعۀ پرواز - سلیمان پیغمبر در حالت استقرار بر تخت شاهی، و (معراج) در سیناتور هایکه مضامین (یوسف و زلیخا) ی‌جاسی را بازتاب داده است و در هندوستان در قرن هیجدهم مصور شده است و در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم از پاکستان به شماره ۷۹۱ قید است، و (دیوان) حافظ شیرازی که در سال (۱۱۹۳ هـ - ۱۷۸۰ م) در هندوستان کتابت شده و در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم از پاکستان به شماره ۱۰۰۴۲ قید است و (خمسه) (شماره جدید ۲۳) به چشم می‌خورد. دو دواثر اخیر الذکر سیناتورهای زیادی در هندوستان گنجانده شده است. در هر دو نوع سیناتور؛ تخت سلیمان پیاسبر با احتیاط توسط دیوهای سپید، سیاه و نصواری در حالیکه دو پری پکه بدست، پیاسبر را پکه می‌کنند، حمل می‌گردند. در متن ابیات صرفاً به «پری» اشاره شده است. در معراج چنانکه در سیناتورهای هر دو نسخه دیده میشود، تصویری از پیاسبر اسلام سوار بر «براق» افسانوی گنجانده نشده است. ترکیب و تصویر فرشته‌های شعل بدست در سیناتورها از کیفیت عالی برخوردار است.

موجود بالدا و افسانوی باسر انسان در برگ ۳۰ در میان فرشته‌های پرواز در آمده است. هملندی این نسخ چنان زیاد است که انسان فکری کند هر دو نسخه مصور را یک هنرمند کار کرده باشد. همچنان زمینه‌هایی موجود است که انسان فرض کند که سیناتورهای (لسان الطیر) خمسه را که در ملکیت انستیتوت نسخ خطی است - در سالهای بعدی به این نسخه وصل کرده هیچک از نسخ مصو بر آثار علی شیر نوای، نظامی اسیر خسرو دهلوی، و جاسی کتابت در قرنهای پانزدهم و شانزدهم میلادی نمی‌تواند؛ از نظر داشتن پارچه‌های سیناتوری با نسخه خوقند همسری کند. (خمسه) نظامی که در بخارا در سال ۱۶۴۸ م استنساخ شده دارای ۶۱ سیناتور میباشد که در کتابخانه عامه دولتی لنین گراد مجموعه شماره جدید پاریسی (۶۶) محفوظ است.

سعهذا، کیفیت هنری میناتورهای نسخه خود قند نسبت به میناتورهای که در سمرقند، هرات، تبریز، قزوین و مشهد و شاهرخیه و بخارا در قرنهای پانزدهم تا هفدهم میلادی درست شده، در سطح نازلتری قرار دارد. میناتورهای نسخه اول الذکر در رنگ آمیزی و تصویر ابعاد چمن زارها، نظم و ترتیب و ترسیم قیافه های انسانی و خیالی ضعیف تر و نازل تر مینماید. با همه این میناتورها به خاطر ارزشمند پنداشته میشود که آثار نویسندگان و انسان گریان بزرگی را در زمانی مصور ساخته است که بمقارن بوده است با کنش شدید نیروهای ارتجاعی و عصریکه تعبد و آتش دمد مذهب قانون سرتاسری بوده است میناتورها و نقاشیها یکباره آثار علی شیر نوائی کشیده شده، نمونه های ظریف و زیبای هنر کتاب سازی در قرون وسطایی شرق و در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی را نشان میدهد که بوسیله هنرمندان بسیار لایق و زبردست هرات، بخارا، اشاهرخیه و تبریز خلق شده است. واقع گرایی و ریالیسم که مبنای اصول و شیوه ابداعی نوائی را تشکیل میداد در میناتور هائیکه برای آثار او اختصاص یافته، نیز بازتاب یافته است. هماهنگی و صداقت در بازتاب اکثر وقایع و مناظر و شخصیت های که حاصل پیا سهای انسانی و اندیشه های والای آزادی و رهبری بوده اند، بیان گر این واقعیت است که همکاری نزدیک میان خطاطان و هنرمندان و مصوران وجود داشته است. هماهنگی دقیق محتوای متن با آنچه مصور شده پیوند میناتورها را با متن کامل نسخه مینمایاند، و مشخص می سازد. با این هم، در قرون بعدی این نظم مقبول بصورت کامل دنبال نشده است. برای تشبیت این مدعا به مجموعه اشعار در انستیتوت نسخ خطی، اکادمی علوم از بکستان شماره های جدید ۲۳ و ۲۴ مراجعه شود.

چنانچه واضح است اشعار (خمسه) نوائی بر شیوه ادبی معمول نظا می و اسیر خسرو دهلوی سروده شده است و مضامینیکه میان این آثار مشترک بوده، در آثار هنری آنها نیز بازتاب یافته است. همچنان تقرب مضامین آثار منظوم این سه شاعر بزرگ شرق به ایجاد میناتورهایی انجامید که در مضمون و ترکیب با هم شباهت داشت. چون پارچه مینا توری «فرهاد در حال کندن جوی در کوه» و «حمام کردن شیرین»، «اسکند ر در حل جان دادن در دریا»، «شاه و دانشمند در حمام» عناصر مرکبه این صحنه های مصور، چون، شکار، بازی گوی، تیر اندازی باتیر و کمان، ضیافت و بزم، تفریح، مناظره شعرا که به عنوان رسم و عنعنه معمول در آمده بود انتشاری قابل ملاحظه یافت.

تا اینجابرگردان مطالبی بود که در دیباچه یا مقدمه انگلیسی آلبوم میناتورهایی بر آثار امیر علی شیر نوایی توسط حمید سلیمان و فاضله سلیمان نووا، دوتن از دانش پژوهان از پاکستان شوروی نگارش یافته بود. اینک نسخه‌هایی که در این آلبوم گنجانده شده و نمونه‌هایی را که از این نسخه‌ها آورده شده، بطور مختصر معرفی می‌کنیم.

در این آلبوم در مجموع ۲۸ اثر نوایی در هیجده بخش جداگانه معرفی شده که در آنها ۲۸۵ پارچه تزئینی و مصور و میناتوری وجود داشته است. در بخش نخست «ایلد دیوان» (نخستین دیوان) درج است که ظاهر آدرهات در سال ۱۳۶۵-۱۳۶۶ م به دست سلطان علی شهدی، کتابت یافته و اندازه آن ۳۳×۲۳ سانتی متر است که در کتابخانه عامه لنینگراد، دورن: ۶۴ قید است. از این اثر ۱۳ نمونه بدین ترتیب آورده شده، یک مقوا، دو لوح، دو صفحه مصور، هشت صفحه تزئینی از ستن.

اثر دیگر نوادر النهایه است که در سال‌های ۸۸۰ و ۸۸۵ هـ برابر با ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ در هرات به دست سلطان علی شهدی کتابت شده و نسخه آن در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم ازبکستان، شماره: ۱۹۹۵، تاشکند موجود است که اندازه آن ۲۵×۱۷ سانتی متر است. از این اثر ۹ نمونه آورده شده که شامل یک مقوا، و مقوای صفحه سابقل آخر جلد ضخیم، دو لوح یک پارچه مصور که شاعر را در حال قرائت اشعارش نشان میدهد، پارچه مصور دیگری که شاعر را در حال قرائت اشعار بر ای سجد به اش نشان میدهد، پارچه مصور قرائت کتاب، پارچه مصور صرف غذا در هوای آزاد در چمن زار، پارچه مصور انجمن داوران اشعار می‌گردد. به همین ترتیب از نسخه (خمسه) که در هرات در سال ۸۹۰ هـ ۱۳۸۵ م کتابت شده و در کتابخانه بودلیان، ایوت، شماره، ۳۳۹ و ۳۱۷، ۲۸۷ و ۳۰۸، بخش نسخ خطی ترک، اندازه ۲۷×۱۹ سانتی متر، موجود است شش نمونه آورده شده است و نسخه دیگر خمسه که باز هم در هرات در سال ۸۸۹ ق- ۱۳۸۳ م بدست عبد الجمیل کاتب، کتابت شده و در تاشکند، در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم ازبکستان، به شماره ۵۰۱۸، قید است و اندازه آن ۲۷/۵×۱۹ سانتی متر میباشد، معرفی شده است. نسخه دیگر به عنوان دیوان در آلبوم یاد شده در هرات در سال ۸۹۸-۱۳۹۲-۱۳۹۳ م بدست سلطان علی شهدی کتابت شده که در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم ازبکستان شماره، ۷۹۰، اندازه ۲۲/۵×۳۳ سانتی متر، قید است

از این دیوان نسخه دیگری هم موجود است که شماره آن ۳۹۸۳ و اندازه آن $۲۸/۵ \times ۱۹/۵$ متر میباشد. از این دو نسخه ۱۸ نمونه تزئینی آورده شده است.

نسخه دیگر (خمسه) که از آن در البوم نمونه هایی درج شده است، نسخه بی است که در هرات در سال ۸۹۸ ق - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ م بدست سلطان علی شهدی کتابت شده و مصور آن مولانا یاری و مجلد آن سلطان علی بروی بوده است. این اثر در لنینگراد، کتابخانه عامه دولتی، دورن ۵۶۰، اندازه: $۱۷ \times ۲۳/۵$ سانتی متر قید است. از این اثر ۱۰ نمونه فواید انگیز در البوم گنجانده شده است. از نسخه خمسه شاهر خیه سال ۹۲۸ - ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ م لنینگراد، کتابخانه عامه دولتی، دورن ۵۵۹، اندازه: ۲۲×۳۲ سانتی متر هیجده نمونه آورده شده است. و از نسخه (خمسه) هرات به سال ۸۹۷ ق - ۱۳۹۲ - ۱۳۹۱ م به خط سلطان علی شهدی محفوظ و در ویندسور کتابخانه سلطنتی، نسخ خطی، ۶۵، اندازه: $۲۳ \times ۳۵/۵$ سانتی متر ۴ نمونه درج البوم. مانحن فیه گردیده است.

نسخه خطی دیگری باز هم بنام (دیوان) نامیده شده که در هرات، مقارن قرن پانزدهم میلادی بدست سلطان علی شهدی کتابت شده و در ویندسور، کتابخانه سلطنتی، بخش نسخ خطی بخارا، با اندازه ۲۲ × ۳۰ سانتی متر قید است. همچنین از همین (دیوان) هرات، مقارن قرن پانزدهم میلادی به خط سلطان علی شهدی نسخه دیگری در کتابخانه بودلیان، التوت، ۹، اندازه: $۱۸/۵ \times ۲۶$ سانتی متر موجود است که از این دو نسخه ده نمونه در البوم گنجانده شده است. در بخش نهم البوم، مورد نظر، از دو «دیوان» شانزده نمونه آورده شده است. یکی نسخه «دیوان» به گمان اغلب بر بوطبه هرات که مقارن قرن پانزدهم میلادی کتابت شده است و در تاشکند، انستیتوت نسخ خطی، آکادمی علوم از بکمتان، شماره: ۲۶، اندازه: ۱۶×۲۳ سانتی متر موجود است و دیگری نسخه «دیوان» هرات، قرن شانزدهم میلادی است که خطاط آن سلطان محمد نور میباشد. این نسخه در لنینگراد، کتابخانه عامه دولتی، دورن ۶۳۳، اندازه: ۱۸×۲۷ سانتی متر محفوظ است. در بخش دهم از نسخه خطی «دیوان» که در تبریز در قرن شانزدهم میلادی کتابت شده ده نمونه آورده شد است این نسخه در کتابخانه ملی، پاریس، بخش ۹۹۱، *Suppl. Turc.* اندازه: $۱۷ \times ۲۶/۵$ سانتی متر محفوظ است.

از نسخه خطی (کلیات) قرن شانزدهم میلادی، محفوظ در انجمن سلطنتی مستشرقان انگلیس

(۳۷-۵۲) اندازه: ۶×۳۳ سانتی متر و نسخه خطی «دیوان» که احتمالاً به تبریز در نیمه اول قرن شانزدهم میلادی تعلق داشته و در انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم ازبکستان، شماره ۷۳۶۳ اندازه ۶/۵×۲۷/۵ سانتی متر محفوظ است، هفده نمونه آورده شده است.

نسخه خطی «دیوان» متعلق به تبریز را در سال ۱۹۳۳ ق ۱۵۲۷-۱۵۲۸ م شخصی بنام چلبی کتابت کرده است که در لیننگراد، کتابخانه عامه دولتی، شماره جدیدتر کی، ۵۶، اندازه ۲۷×۱۵/۵ سانتی متر، محفوظ است. و نسخه خطی «دیوان» احتمالاً متعلق به هرات در سال ۱۹۳۵ ق- ۱۵۲۸-۱۵۲۹ م بدست سلطان محمد خندان کتابت شده، که آنهم در لیننگراد، کتابخانه عامه دولتی، شماره جدیدتر کی، ۵۷، اندازه ۲۵×۱۶ سانتی متر نگهداری میشود. از این دو نسخه ۲۲ نمونه در البوم گنجانده شده است.

در بخش سیزدهم سه نسخه از (لسان الطیر) بدین ترتیب معرفی شده است لسان الطیر متعلق به شیراز با تاریخ ۹۰۷ هـ ق- ۱۵۳۰-۱۵۳۱ م، خطاط آن حاجی محمد علی تبریزی، محفوظ در کتابخانه بودلیان، ۱۹۵: ۵۷، اندازه: ۱۸×۱۳ سانتی متر.

لسان الطیر، متعلق به بخارا با تاریخ ۹۶۰ ق- ۱۵۵۳ م محفوظ در بلیوتیک فاسیتونال پاریس ۹۹۶ 'Suppl. Ture' اندازه: ۲۹×۲۱ سانتی متر لسان الطیر دیگری که احتمالاً مسکن اصله آن قزوین بوده است که در قرن شانزدهم میلادی کتابت شده و در کتابخانه ملی، پاریس ۹۷۸ 'Suppl. Ture' اندازه: ۲۹×۲۱ سانتی متر محفوظ است. از این سه نسخه، نوزده نمونه در البوم درج شده است.

در بخش چهاردهم نسخه «دیوان» که احتمالاً متعلق به تبریز بوده که در قرن شانزدهم میلادی کتابت شده در موزیم بریتانیا به شماره ۱۳۷۴، اندازه: ۲۳×۱۸ سانتی متر قید است. از این نسخه هفت نمونه تزئینی و نقاشی آورده شده است. از نسخه خطی «دیوان» که احتمالاً به مشهد تعلق داشته و در سال ۹۷۲ ق- ۱۵۶۵ م کتابت شده که در بلیوتیک ناسیونال پاریس، ۷۶۲ 'Suppl. Ture' اندازه: ۲۵×۱۸ سانتی متر قید است. از این نسخه هفده نمونه در البوم درج شده است.

در بخش شانزدهم نسخه خطی (کلیات) و (حیرت‌الابرار) چنین معرفی شده است. نسخه کلیات به قزل‌آغاج (آذربایجان) تعلق داشته که در سال ۱۰۰۳-۱۰۰۱ هـ ق برابر با سال

۱۵۹۶-۱۵۹۲ و بدست ناظر علی فیضی کتابت شده است. این نسخه در لنینگراد، کتابخانه عامه دولتی، دورن ۵۵۸، اندازه ۳۹×۳۳ سانتی متر، محفوظ است، و نسخه (حیرت‌الابرار) در آسیای میانه بسال ۱۰۰۷ ق = ۱۵۹۹-۱۵۹۸ م کتابت شده که در سوزیم بریانیا، شماره ۷۹۰۹، اندازه: ۱۸×۱۳ سانتی متر قید است. از دو نسخه مذکور چهارده نمونه در البوم - گنجانده شده است. در بخش دیگر البوم سه دیوان خطی به ترتیب زیر معرفی گردیده است. نسخه خطی «دیوان» تبریز، قرن شانزدهم میلادی، محفوظ در لنینگراد، کتابخانه دولتی، شماره جدید ترکی، ۵۸، اندازه: ۲۵×۱۷ سانتی متر.

نسخه خطی «دیوان» خوقند، نیمه اول قرن شانزدهم میلادی، محفوظ در تاشکند انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم ازبکستان، شماره ۲۲۲۳، اندازه: ۲۸×۲۷ سانتی متر و نسخه «دیوان» کتابت مقارن قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی محفوظ در تاشکند انستیتوت شرق شناسی، آکادمی علوم ازبکستان، شماره ۱۹۷۳، اندازه: ۵/۲۳×۱۵ سانتی متر.

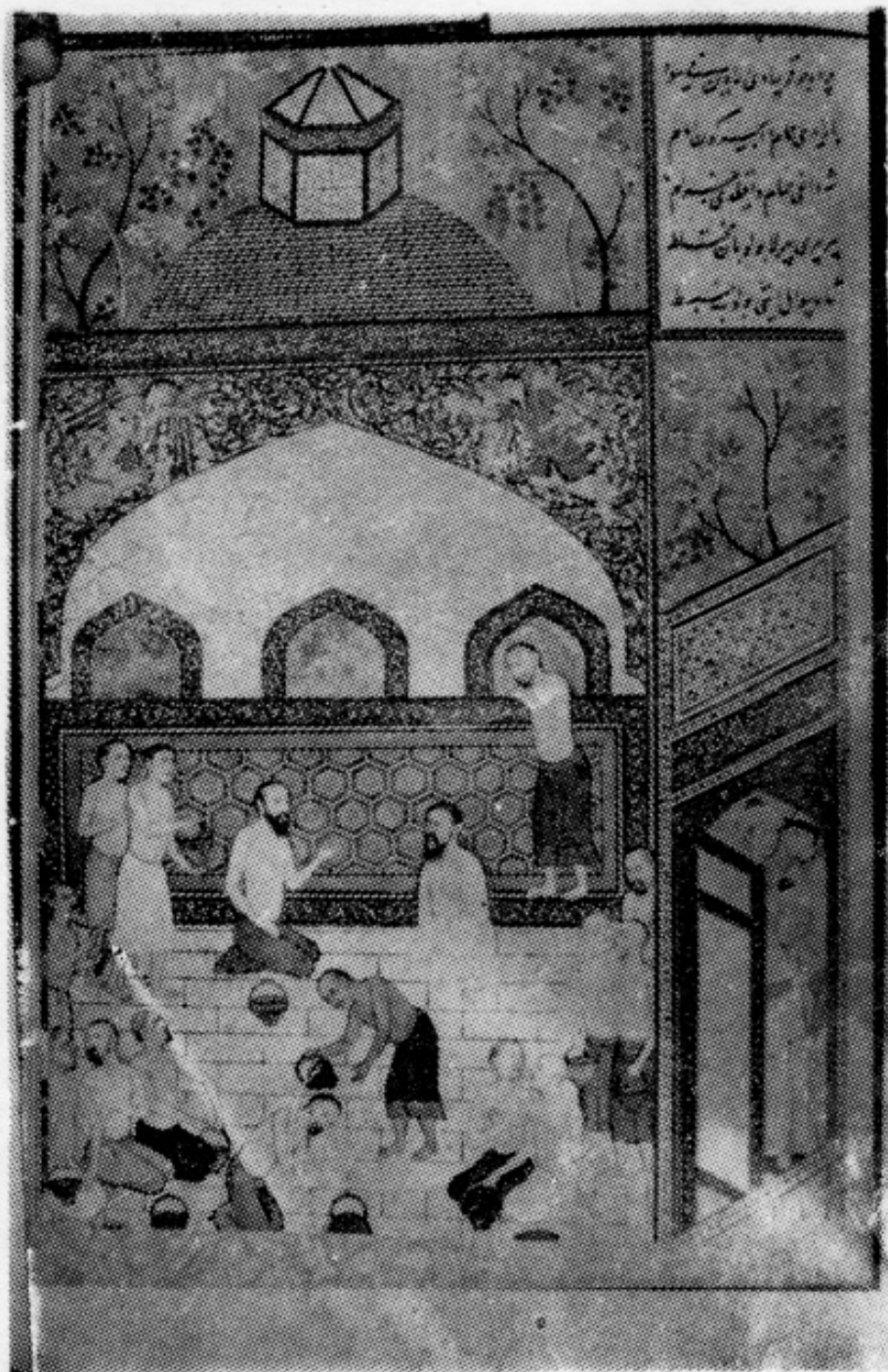
از نسخه‌های مذکور، شانزده نمونه در البوم درج شده است.

در بخش هیجدهم بخش و آخرین البوم مانحن‌فیه، نسخه خطی (خمسه) متعلق به خوقند، ۱۲۴۰ ق = ۱۸۲۳ م به خط بلاروزی کاتب و به نقاشی محمد پسانی میباشد که در تاشکند، انستیتوت نسخ خطی، آکادمی علوم ازبکستان، ۲۳، اندازه: ۵/۳۰×۱۸ سانتی متر، محفوظ است از این نسخه ۲۰ نمونه زیبا و دل انگیز در البوم گنجانده شده است.

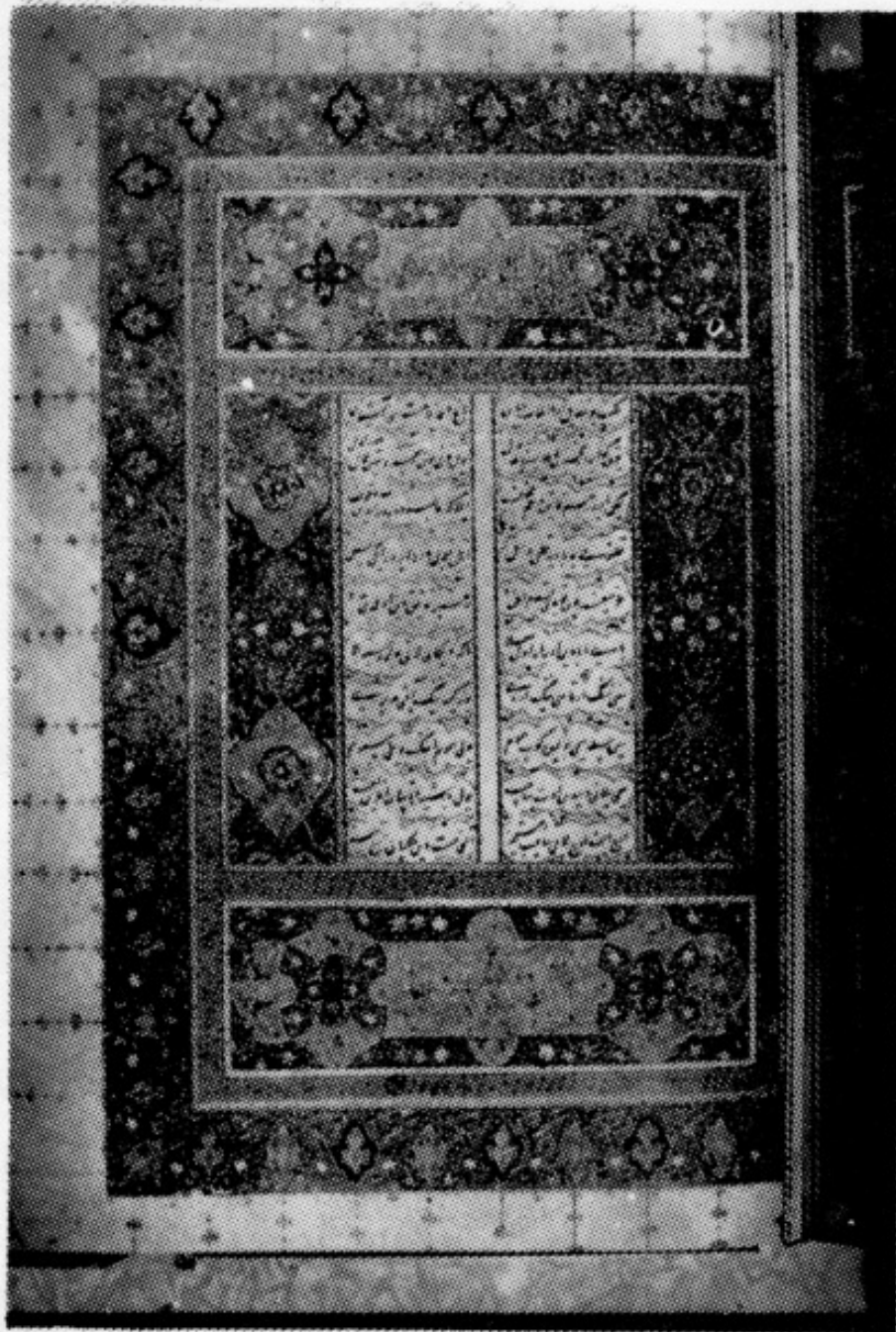
(ختم)



۱- نمونه کامل از مقوایا جلد کتاب «خمس» هرات ، ۸۸۹ هـ ق - ۱۴۸۴ م خطاط ،
عبدالجمیل کاتب، تاشکند ، انستیتوت شرق شناسی ، اکادمی علوم از بکستان شوروی ،
شماره : ۵۰۶۸ .



۲- تابلوی میناتوروی ((خوادم شاه و فخردازی در حمام)) از حیرت‌الاسرار خمسه ، هرات ۸۹۷ ق مساوی ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ م ، خطاط سلطان علی مشهدی ، ویندسور کتابخانه سلطنتی نسخ خطی (۶۵) این تابلو به عنوان صحبت شاه با امام در حمام کار بهزاد، هرات ۸۹۷ق-۱۴۹۲ م - نیز معرفی شده است . رك . مکتب بهزاد ، بنوال پوهنتون ۱۳۵۱.



۳- لوحه یا صفحه اول مصور که به اصطلاح امروزی بنام قطعه هم یاد میشود، از حیرة الابراہ
خمسہ ، ہرات ، ۸۹۸ ق مساوی ۱۴۹۲ - ۱۴۹۳ م ، خطاط سلطان علی مشہدی، مصور،
مولانا یاری ، صحاف و مجلد، سلطان علی مروی، لینگراد ، کتابخانہ عامہ دولتی ، دورن ۵۶ .



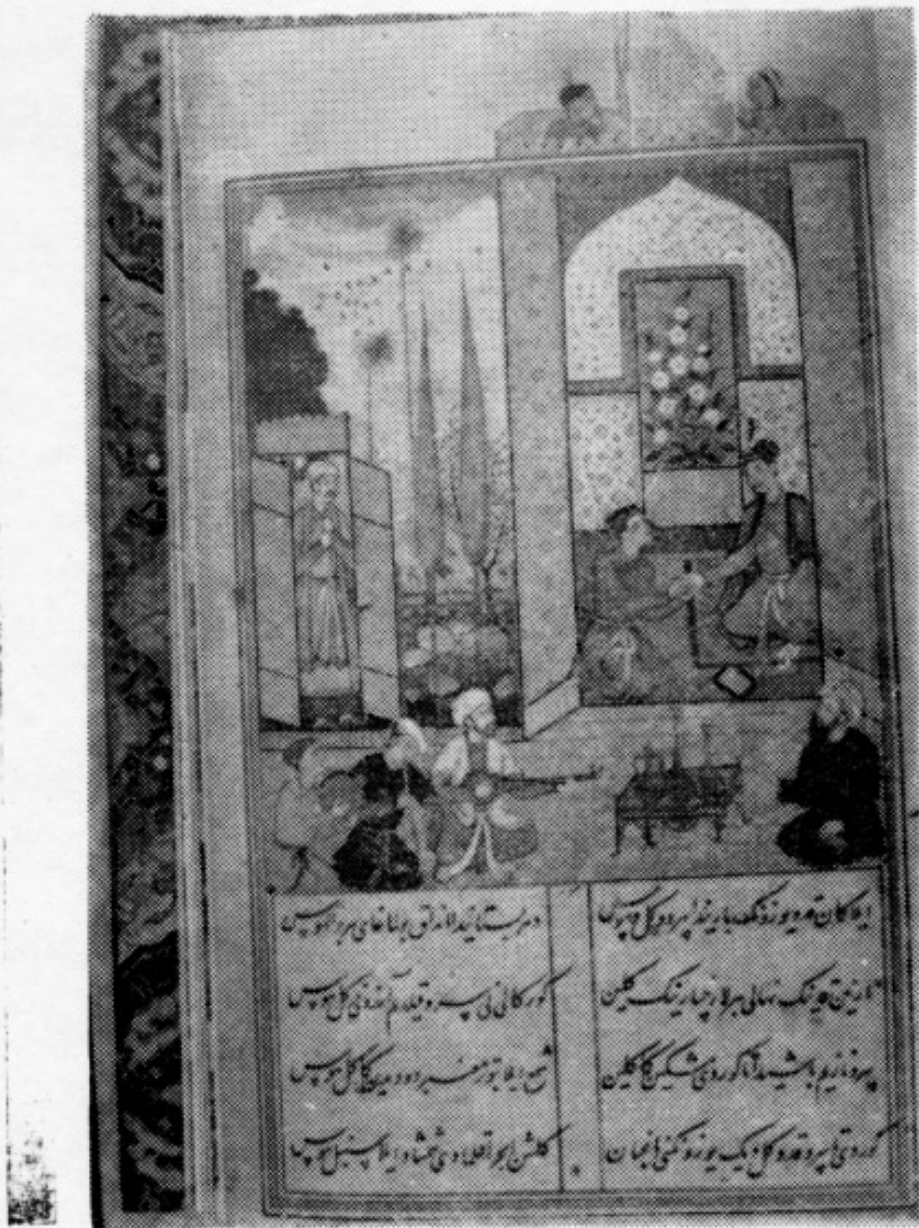
۴- تابلو میناتورى از بزم سلطان حسين (حيرةالابرار) خمسه ، هرات ۸۹۷ ق مساوى
 ۱۴۹۱-۱۴۹۲ م ، خطاط سلطان على مشهدى ويندسور ، كتابخانه سلطنتى بخش فسخ خطى



۵- تابلوی میناتور از مجلس مهمانان در اطراف حوض درباغ ، حیرةالابرار خمسه هرات ،
 ۸۹۷ ق مساوی ۱۴۹۱-۱۴۹۲ م ، خطاط سلطان علی مشهدی ، ویند سور ، کتابخانه سلطنتی ،
 بخش نسخ خطی ، (۶۵) .



۶- تابلوی میناتوروی از تعقیب حیوانات وحشی، از ((دیوان)) هرات مقارن قرن پانزدهم میلادی، خطاط، سلطان علی مشهدی، ویندسور، کتابخانه سلطنتی نسخ خطی بخارا.



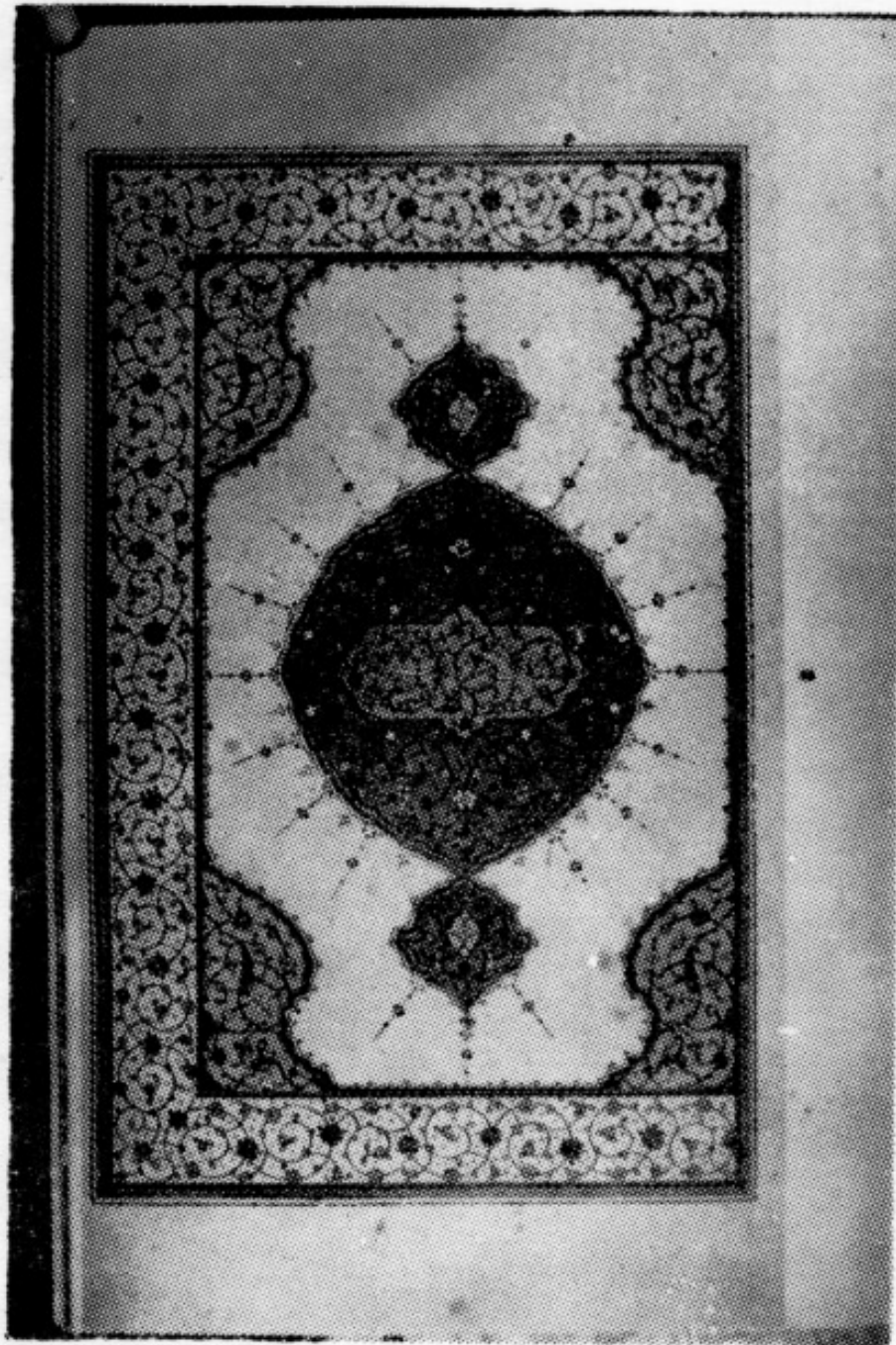
۷- تابلوی میناتوروی از ((سازندها در بزم ضیافت)) دیوان، هرات، مقارن قرن پانزدهم میلادی، خطاط، سلطان علی مشهدی، ویندسور، کتابخانه سلطنتی نسخ خطی بخارا .



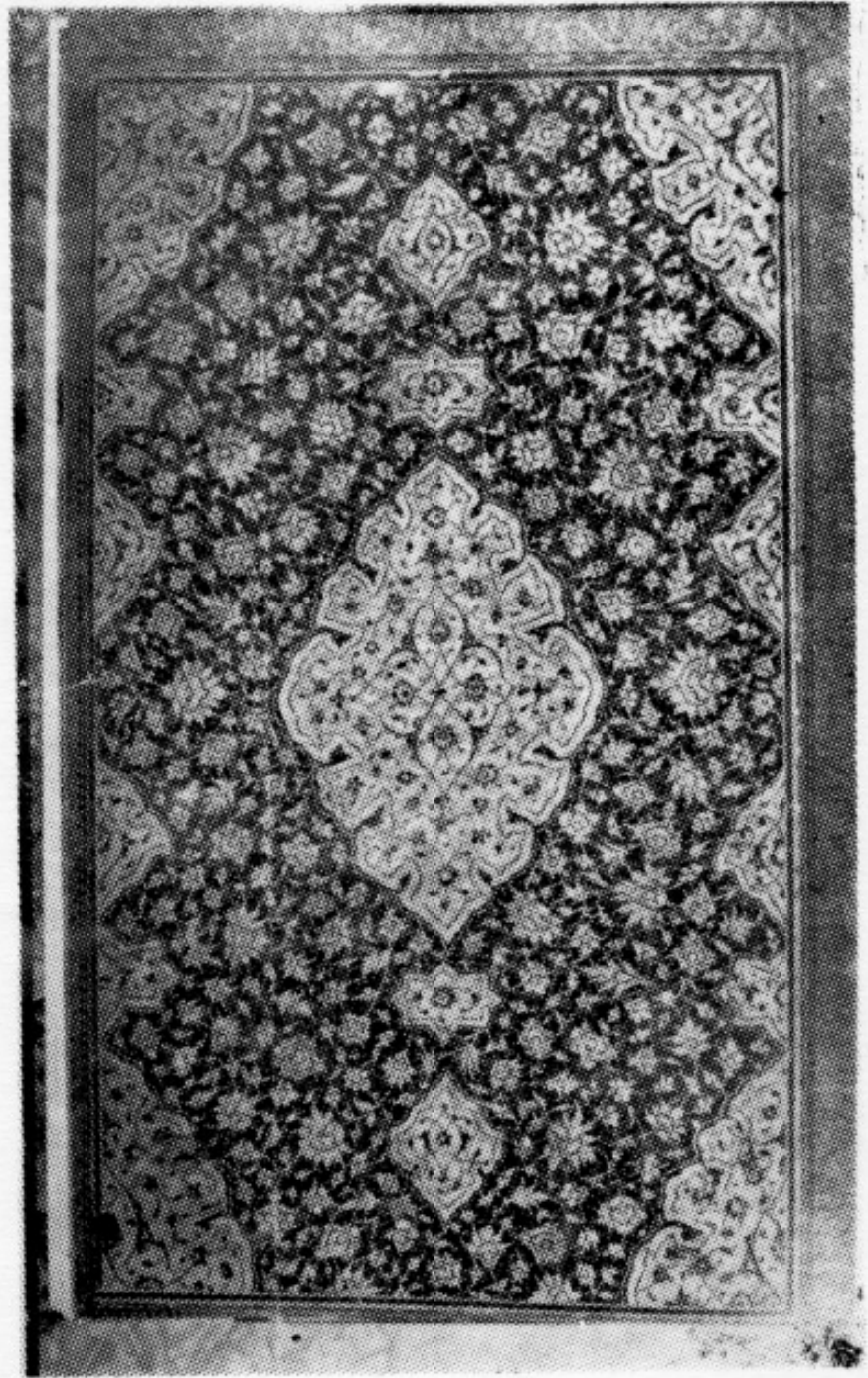
۸- تابلوی میناتوری از ((پشت کردن فرهاد شیرین را)) از ((دیوان)) هرات ، مقارن
 قرن پانزدهم میلادی ، خطاط ، سلطان علی مشهدی ، ویندسور ، کتابخانه سلطنتی نسخ
 خطی بخارا .



۹- تابلوی میناتوری از ((سازنده‌ها در بزم ضیافت)) دیوان ، هرات ، مقارن قرن پانزدهم میلادی ، خطاط ، سلطان علی مشهدی ، ویندسور ، کتابخانه سلطنتی نسخ خطی بخارا.



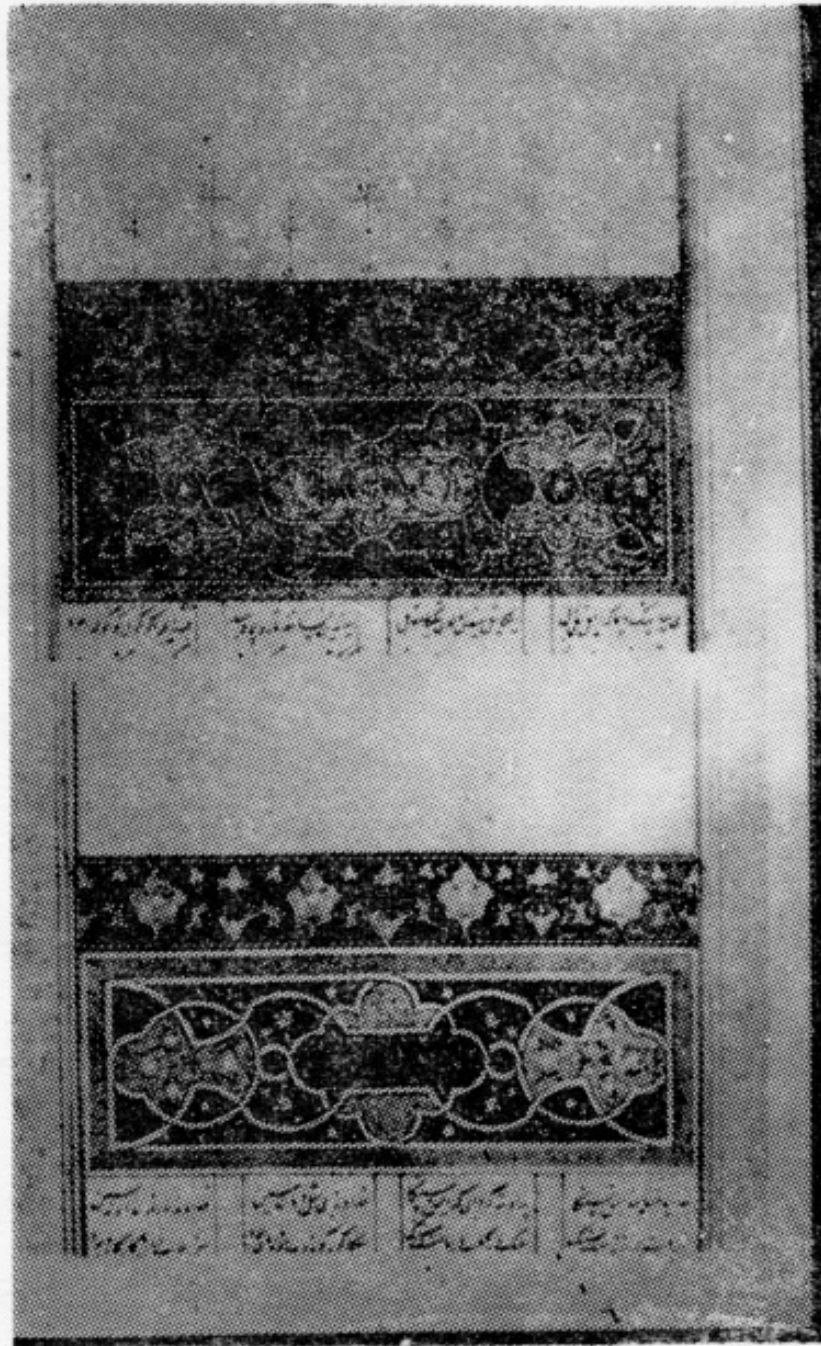
۱۰- شمسه از کتاب ((خسرو و شیرین))خمسه ، هرات ، ۸۹۸ق مساوی ۱۴۹۲ -
۱۴۹۳م، خطاط ، سلطان علی مشهدی ، مصور،مولانایاری ، صحاف و مجلد ، سلطان علی
مروی لیننگراد ، کتابخانه عامه دولتی، دورن، ۵۶۰ .



۱۱- (مقوله) یاپشتی جلد ، از کتاب ((خمسه)) هرات ، ۸۹۰ ق مساوی ۱۴۸۵ م ،
کتابخانه بودلیان ، السیوت ، ۲۸۷ ، ۴۰۸ ، ۳۱۷ ، ۳۳۹ ، بخش نسخ خطی ترك، ۳ ،
اندازه ۲۷ × ۱۹ سانتی متر .



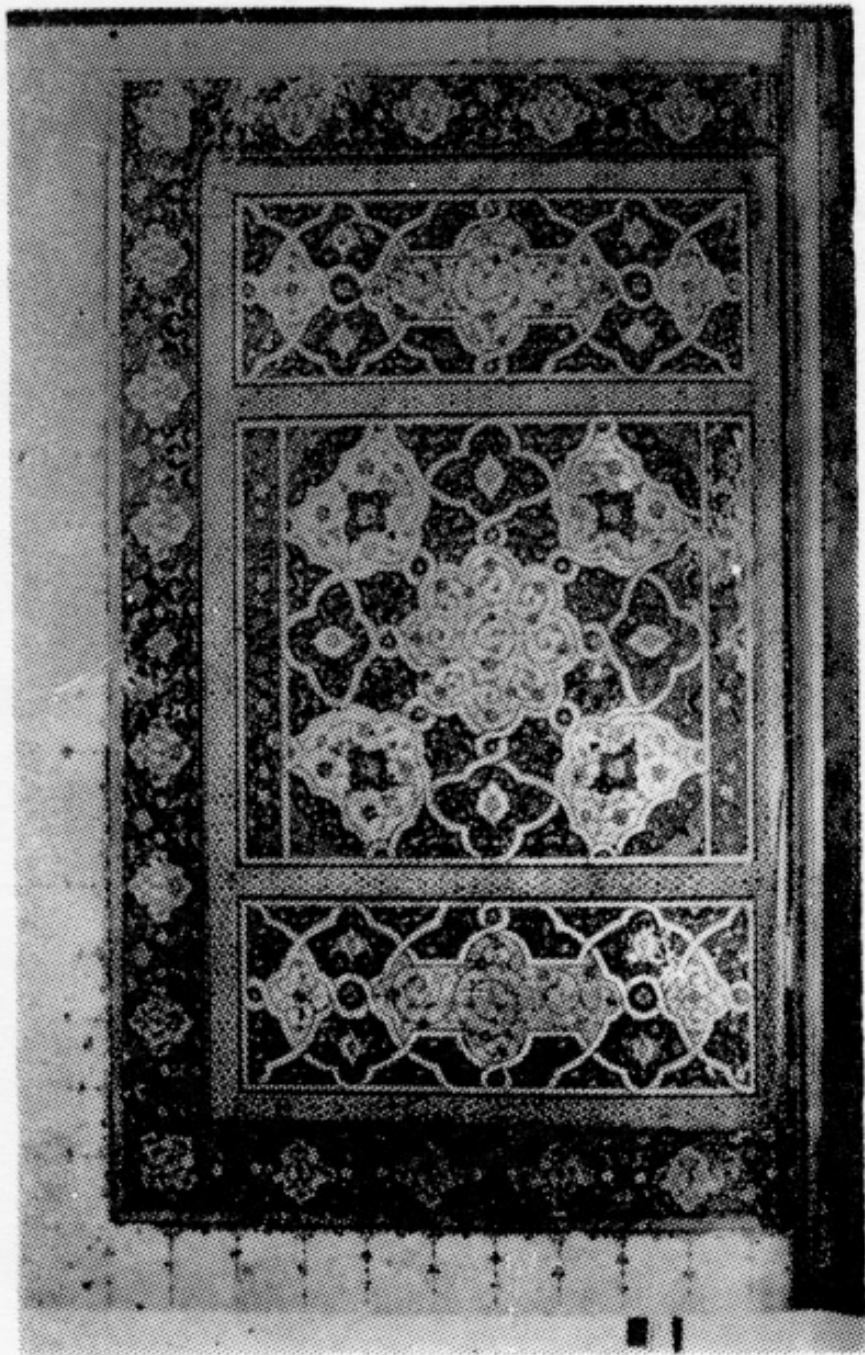
۱۲- تابلوی میناتور (شاعر در حال قرائت اشعار برای محبوبه اش) ((نوادرنشایه)) هرات ۸۸۵-۸۸۰ ق مساوی ۱۴۸۰-۱۴۷۵ ، خطاط ، سلطان علی مشهدی
 تاشکند ، انستیتوت شرق شناسی ، اکادمی علوم ازبکستان شماره :
 ۱۹۹۵ ، اندازه : ۱۷×۲۵ سانتی متر .



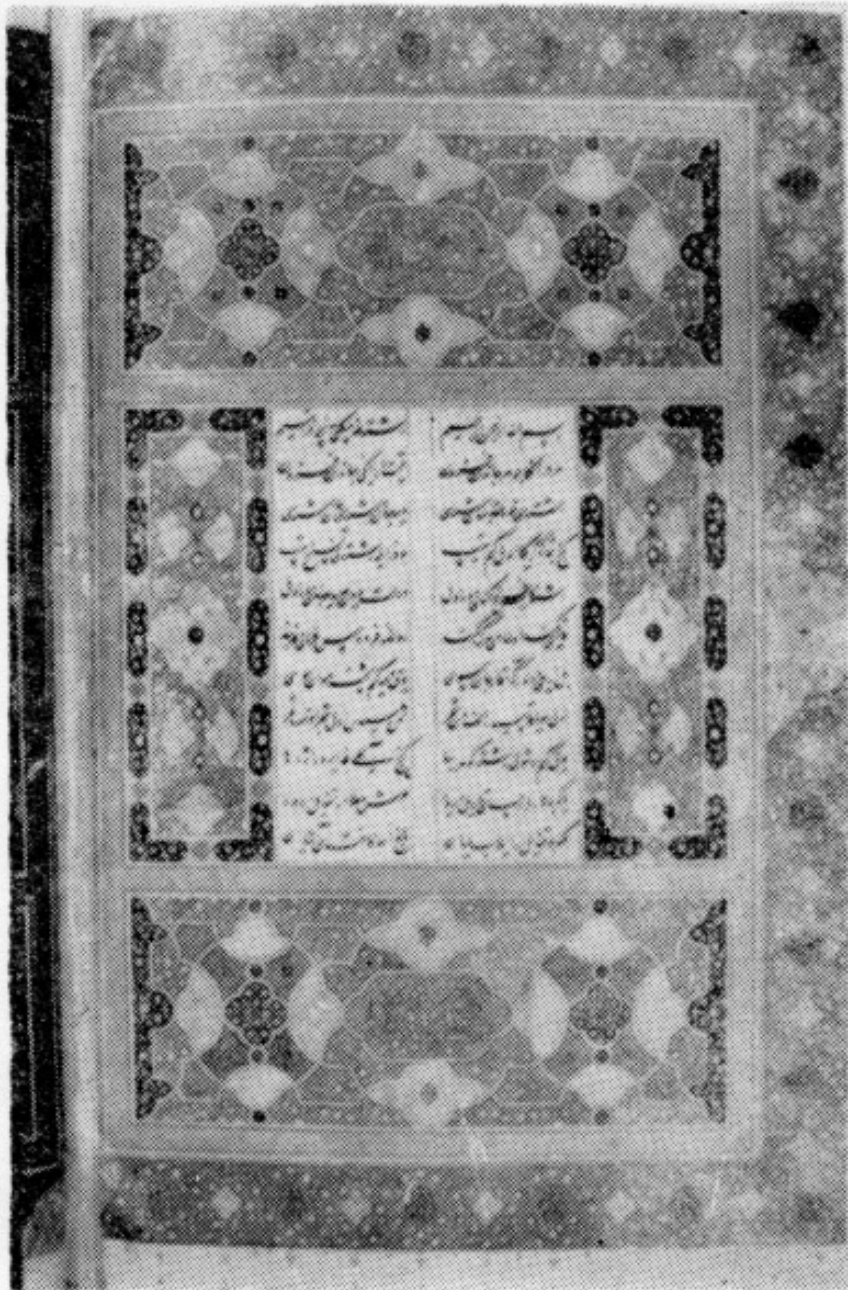
۱۳- دونه از عنوان یاسرلوحه . عنوان بالایی از ((سبعه سیاره)) و عنوان پائینی از ((سد اسکندری)) خمسه، هرات، ۸۹۰ق مساوی ۱۴۸۵م کتابخانه بودلیان ، ایوت ۳۱۷،۲۸۷، ۳۳۹، بخش نسخ خطی ترک، ۳ .



۱۴- تابلوی میناتور (مقوای صفحه مقابل آخر جلد ضخیم) ((نوادراکسپایه)) ، هرات ،
۸۸۰-۸۸۵ ه ق مساوی ۱۴۷۵-۱۴۸۰ م ، خطاط ، سلطان علی مشهدی ، تاشکند انستیتوت
شرق شناسی ، اکادمی علوم از بکستان ، شماره : ۱۹۹۵ ، اندازه : ۱۷٫۳۵ سانتی متر.



۱۵- صحیفه مصور مرکب از شمسه و لوحه، از خمسه، هرات ۸۹۸ ق مساوی ۱۴۹۲-۱۴۹۳ م
خطاط سلطان علی مشهدی، مصور، مولانایاری، صحاف و مجلد، سلطان علی مروی،
لیننگراد، کتابخانه عامه دولتی، دورن، ۵۶۰.



۱۶- لوحه یابه اصطلاح امروزی (قطعه) خمسه، هرات ، ۸۹۷ ق مساوی ۱۴۹۱-۱۴۹۲ م خطاط ، سلطان علی مشهدی ، ویندسور، کتابخانه سلطنتی ، بخش نسخ خطی شماره (۶۵) .

مسجد خواجہ نور مسجد کشید

قرنہا قبل از اسلام - کشور کوشمال ما افغانستان - به آریانا موسوم و معروف بود آریائیا
مردمی بودند بادیانت، پرستنده، معتقد، نجیب، شریف، باسروت، جوانمرد، مهمانواز،
وطندوست، رشید، دلیر و جنگجو که تمام این صفات نیکو از نجابت آنها منبع گرفته است.
بقول بطلموس (۱) جغرافیہ دان شہر یونانی - در داخل آریانا ہفت ولایت بزرگ

(۱) بطلموس : منجم و جغرافیادان مشہور یونانی در قرن دوم میلادی .

وی در بطولموس واقع قسمت علیای مصر تولد یافته و در اسکندر یہ رشد و نمو و تحصیل
کرده و زندگی داشته است کہ بالاخرہ در کانوپ نزدیک اسکندریہ چشم از جہان پوشیدہ
در حالیکہ در ستارہ شناسی و جغرافیاتالیفات مهمی از خود بجا گذاشته است .
بطلموس در فرہنگ و تمدن اسلام - نیز مقام رفیع و مرتبت عظیم دارد
زیرا کہ ستارہ شناسان اسلام ہمہ درین فن از وی پیروی کردند . از تالیفات او در نجوم کتاب
المجسطی است و دیگر کتاب الجغرافیای المعمورۃ من الارض وسہ دیگر کتاب الاربعہ در
احکام نجوم و نیز کتاب الموالید کتاب المرض و شرب الدواء

موقعیت داشته که عبارت بوده است :

(۱) آریا (ولایت هرات و مرکز خراسان)

(۲) مارجیانا (حوزه مرغاب)

(۳) بکتر یانا (بلخ و بدخشان)

(۴) پارو یامیزوس (هزارجات و کابل تلسواحل اندوس بانورستان و دارستان)

(۵) ارا کوزیا (غزنی و سلسله کوه سلیمان تا اندوس)

(۶) درانجیانا (سیستان و قندهار)

(۷) جدورزیا (کج و تکران یا پلوچستن)

آریانام باستانی درات از ولایت مهم سرزمین آریانا بوده . بتدریج و در سیر قرنهای هری و بالآخر در آن نزدیکی بهایه هرات تبدیل نام یافته است .

آریائی های ساکن شهر هرات این مرکز ولایت دینی و مدنی و تاریخ آریانای کبیر - معابدی داشتند که در آنها جمع شده مراسم دینی و عقیدتی و یکتا پرستی را انجام میدادند از آنجمله مسجد جامع هرات و مسجد گنبد (خواجه نور) است که در قلب شهر هرات و مرکز تجمع نفوس آنزمان قرار داشته است.

تحولات مسجد جامع هرات که در قرن اول هجری و صدر اسلام از معبد به مسجد تبدیل یافته و سیر معماری و هنری و نقش و نگار آن در شماره های گذشته مجله هرات باستان شرح داده شده در اینجا یکی دیگر از این عبادتگاههای باستانی مرکز ولایت آریا شناسانده میشود .

مسجد گنبد اکنون بنام مسجد خواجه نور معروف است . این مسجد در محله قیچاق «قطیچاق جالیه» در ناحیه اول شهر قدیم هرات واقع است . در شرق مسجد مزاری است مشهور بنام خواجه نور که بنا با اعتقاد اهالی - صاحب این قبر از شخصیت های صالح اسم پیغمبران قبل از اسلام بوده و بعضی او را از حواریون حضرت عیسی علیه السلام می پندارند .

از شهرت آن بجزار خواجه نور نیز بر می آید که از موبدین صالحان خواهد بود . در قرون گذشته این مزار در قسمت شرقی مسجد و متصل به صحن آن قرار داشته که ظاهراً در قرن اخیر با طرح واحداث کوچه و راهگذری در شمال و شرق صحن مسجد

مزار مذکور به شرق کوچه جدا افتاده است. صورت قبر بزرگ است از قطعات سنگ مرمر پوشیده شده امالوح و کتیبه‌ای ندارد و تنها یک درخت شاه توت کهنسال بر بالای قبر - سایه افکنده است.

در کتاب مقصد الاقبال تالیف امیر سید عبدالله حسینی معروف به اصیل الدین و اعظ هر وی متوفی در سال ۸۹۳ هجری قمری در باره این مسجد چنین نگاشته شده است .

«در نواحی خای (چشمه و چاه و یا ضبط دیگری از چاه) مسجدی است که او را مسجد گنبد میخوانند و پهلوی آن مسجد سزای است که به خواجه نورشهرت گرفته و شبهای جمعه شمع و نذر به آنجا میبرند .

در روز چهارشنبه دور کعت نماز حاجات در آن مسجد گزاردن مراد طلبیدن و به مقصود رسیدن از مجریات است.

میگویند از اول بنای آن مسجد الی یومنا هذا (قرن نهم هجری) چهار هزار سال گذشته است و پیوسته در هر قرنی از قرون ماضیه معبد اهل هرات میبود .

شیخ الاسلام و المسلمین شیخ زین الملة والدین محمد خوافی قدس الله تعالی سره العزیز (۲) (متوفی در سال ۸۳۸ هق) بسیار به مسجد مذکور میرفتند و می فرمودند که (ساکنان هرات) درین موضع به شرایع المختلفة و ادیان متنوعه طاعات و عبادات به تقدیم رسانیده اند . در آنجا فیض

(۲) شیخ الاسلام زین الملة و الشرقيه و الدین ابو بکر محمد الخوافی از اکابر اهل ارشاد و دارای تصانیف مهم عرفانی است. اکثر اوقات در روستای بزرگ زیارتگاه هرات و نواحی آن و گاهی هم در شهر بسر میبرد وی علاوه بر خراسان و هرات در بلاد مصر و شام و روم و فارس و توران سر یدان و مخلصان بسیار داشته است.

شیخ در سال ۸۳۸ هق وفات کرده و در خیابان دفن شده و خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی نیز شاهرخ میرزا ایوان و گنبدی بزرگ و عالی در غرب صفت مزار شیخ بنا کرده و باغی شجره و استخری در شمال مزارش احداث نموده و لوحی بلند سرسزمین بر تریتش نصب نموده، که تا حال موجود است از تالیفات شیخ کتابی بنام اسرار التوحید که در سال ۸۳۴ هق بپلم خود شیخ نوشته شده چند سال قبل در یک کتابخانه شخصی در هرات دیده شده بود که مطالب مهم عقیدتی و عرفانی داشت

تمام و حضور عام بخواص و عوام و اصل میگردد و در بعضی اساس گنبد مذکور و خلوتها ساخته اند. آن خلوت که بر یسار محراب واقع شده منزلی پس تبرک و سهیب است و تنها بودن در آن موضع - کار هر کس نیست و فی الواقع بسیاری از حاجتمندان درین منزل بسر برده اند و بمقصود و مراد رسیده.

مشهور است که هر مستمندی که سه چهارشنبه چاشتگاه در آن مسجد دو رکعت نماز حاجت بگزارد البته کامروا گردد. «
این بود نظریات و معلومات مولف مقصد الاقبال.

مولانا میل الدین واعظ هروی قسمت بیشتر عصر سلطنت تیموریان هرات: شاه رخ بن امیر تیمور کورگان (۸۰۷-۸۵۰ هـ ق) ابولقاسم باهرین با یسقر بن شاه رخ (۸۵۲-۸۶۱) سلطان ابوسعید کورگان بن سلطان محمد بن میرانشاه بن تیمور (۸۵۳-۸۷۲) و قسمتی ازدوران فرمانروایی سلطان حسین میرزا بن امیر غیاث الدین منصور بن بایقر این عمر شیخ بن تیمور (۸۷۰-۹۱۲) را در بریافته است. و از اینکه در زمان حیات سولف این مسجد بنام مسجد گنبد معروف بوده پیدا است که بنای موجود مسجد قبل از روزگار سلطنت ابوسعید که مولف کتاب خود را بنام او در عصر او نگاشته معمور بوده و گنبد های پخته و استوار آن خیلی پیش از آن عصر - وجود داشته که در عصر سلطان ابوسعید ترمیمات و تزئیناتی در آن صورت گرفته و تا عصر مانیز این شبستانها و گنبد ها محفوظ مانده است. این مسجد دو صحن دارد. باب مسجد در شرق آن در تقاطع سه راهی مقابل مزار خواجه نور واقع است در صحن کوچک اول که از طریق یک تاق شمالی به صحن دوم و ساحه اصلی مسجد می پیوندد چاهی تاریخی وجود دارد که آب آن فراوان و خوشگوار است و بنا بعقیده عوام و فولکلور ملی - حضرت خضر علیه السلام آنرا گشوده است.

و آن حکایتی است که هنگامیکه اسکندر میخواست شهر هرات را بنیان نهد حضرت خضر دستور داد درین محل چاهی بکنند و خاک آنرا دوباره بچاه ریزند اگر خاک کم آمد اینجا شهر نسازند و هرگاه خاک کنده شده چاه را پر کرد و زیاد شد شهر را درین موضع عمارت کنند پس بدستور اسکندر این چاه را حفر کردند و وقتی به آب رسید خاک آنرا دوباره بچاه ریختند چاه پر شد و مقدار خاک هم اضافه ماند. پس خضر گفت اینجا را شهر سازند که ساکنان

آن نیز چشم و مهمان نواز بار آیند و هیچگاه امتعه و مواد غذایی در اینجا کمی نکند مگر بندرت و آنهم بخواست الهی.

همچنین بعضی عوام عقیده دارند که در آخر الزمان ازین چاه چندان آب بجوشد که ابرات را ویران کند.

صحن دوم که صحن اصلی مسجد است از غرب بشرق بشکل مربع مستطیل قرار گرفته که در قسمت غربی آب منعه محل اداى نماز و محراب تابستانی واقع است و در شرق آن باغچه گلهاى رنگین بتونى و اطاقهاى مخصوص امام و خدام مسجد و مدرسه و در شمال آن ساختمان وضوخانه مجهزى قرار دارد که به کمک و اهتمام اهل محل طرح و آباد گردیده است. در سمت جنوب این صحن شبستانی است عالی و مسجد اصلی بخت پخته دارای سه گنبد بزرگ بر فراز کمانها که در هر جناح نیز سه رواق کمانی دارد و ذریعه سه گنبد به سبک قدیم پوشانیده و گچ کاری شده. طول این مسجد دو ازمه متر و عرض آن باتاقها دهمتر و ارتفاع گنبدها پنج متر میباشد در طرف قبله و غرب محرابی شکوهمند و منقش و رنگین دارای مقرنس و کتیبه های به خطوط رنگین اثر طرح و خامه توانای عبدالعلی نقاش معر و غیره هر ات در صد سال قبل قرار گرفته است.

در فراز نقوش محراب کلمه لا الا لله محمد رسول الله بخط ثلث جلی و آیه مبارکه فتادته الملائكة و هو قائم یصلی فی المعراب بشکل ترنج بخط ثلث طغرابی نگاشته است و در دو جناح طاق محراب این بیت:

چراغ مسجد و محراب و منبر ابو بکر و عمر، عثمان و حیدر

بخط نستعلیق سفید در زمینه لاجوردی منقوش است.

از رواق وسطی و یسار محراب بسمت جنوب بایی گشوده است که به گنبد های خلوت «چله خانه ها» می پیوندد و ظاهراً از شبستان مسجد قدامت بیشتری دارد و از جنوب آن باب کوچکی به خلوت گنبدی دیگری گشوده است که در آن صورت دو قبر گچ اندود هم بنظر میرسد ظاهراً عارفان روزگاران قدیم در آن مدفونند.

در گوشه جنوب شرقی شبستان مسجد چله خانه گنبد دیگری نیز قرار دارد که توسط درب يك پله ای کوچکی به مسجد می پیوندد و مختفان و چله نشینان در آن به عبادت

و ریاضت بسر میبرند. هر سه چله خانه پاک و نظیف و بعضاً مثل شبستان مسجد مفروش است.

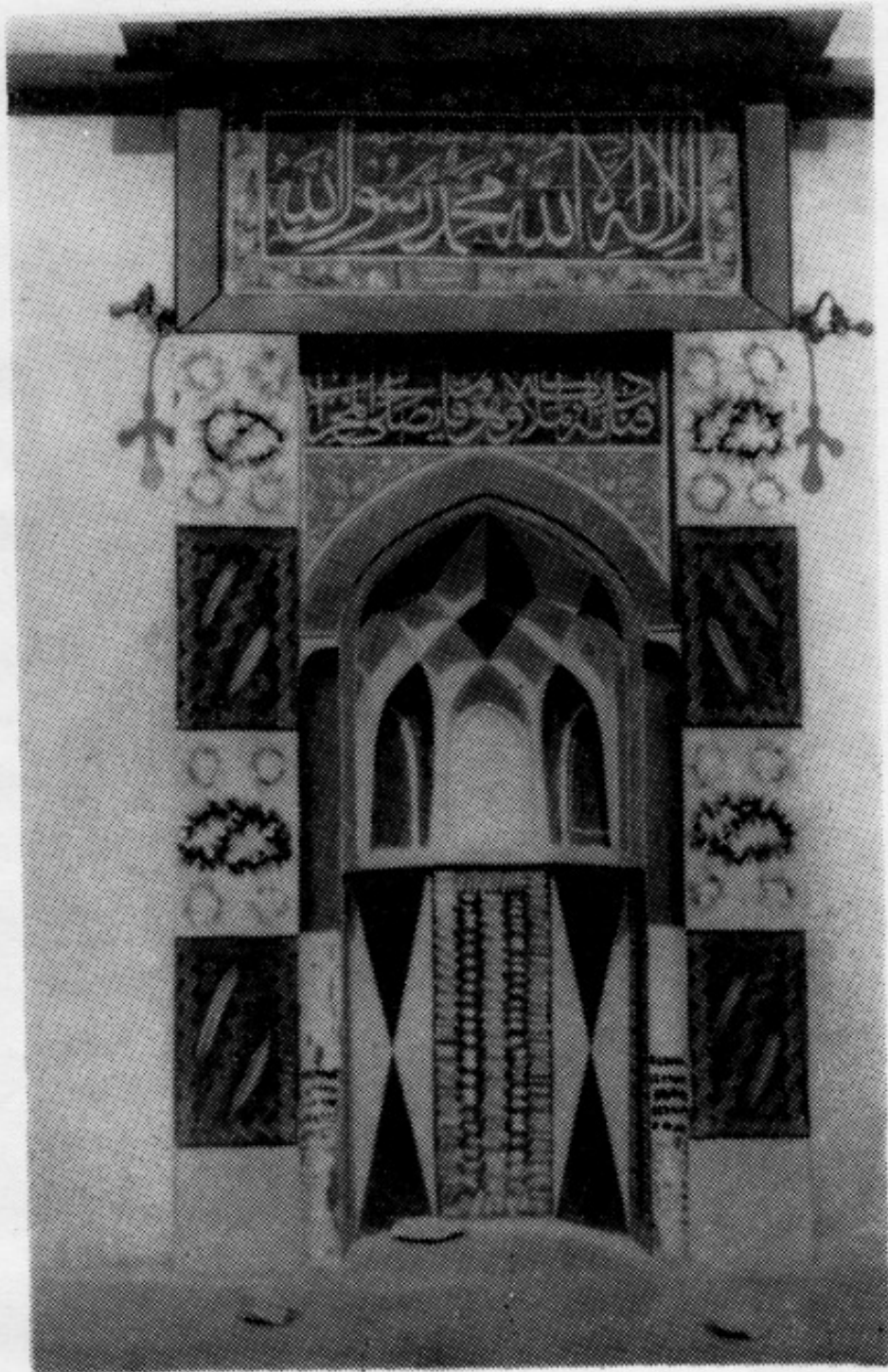
مسجد باصحن ها و تعمیرات باستانی آن در حال موجود ساحه بیش از چار صد متر مربع زمین را فرا گرفته که مجموعاً بصورت بیست متر عرض و بیست متر طول واقع شده است. در اخیر سال ۱۳۶۰ ش صفتاً تا باستانی مسجد توسعه یافته و محراب آن توسط پروژه بین المللی آبدات تار یخی هرات بسبک هنری قدیم با کتیبه های خطوط ثلث عالی - کاشی کاری شده و دو جناح فراز محراب هم بانقوش گلبرگهای ظریف و رنگین کاشی معرق تزئین یافته است که نه تنها بر نفاست و زیبایی تعمیر این مسجد باستانی افزوده بلکه برای گنجایش تعداد بیشتر نماز گزاران آماده گردیده است. دروازه عمومی مسجد هم با ستونهای مدور و رواق دارای کتیبه خطوط عالی ثلث کاشی - زینت یافته است.

ماخذ:

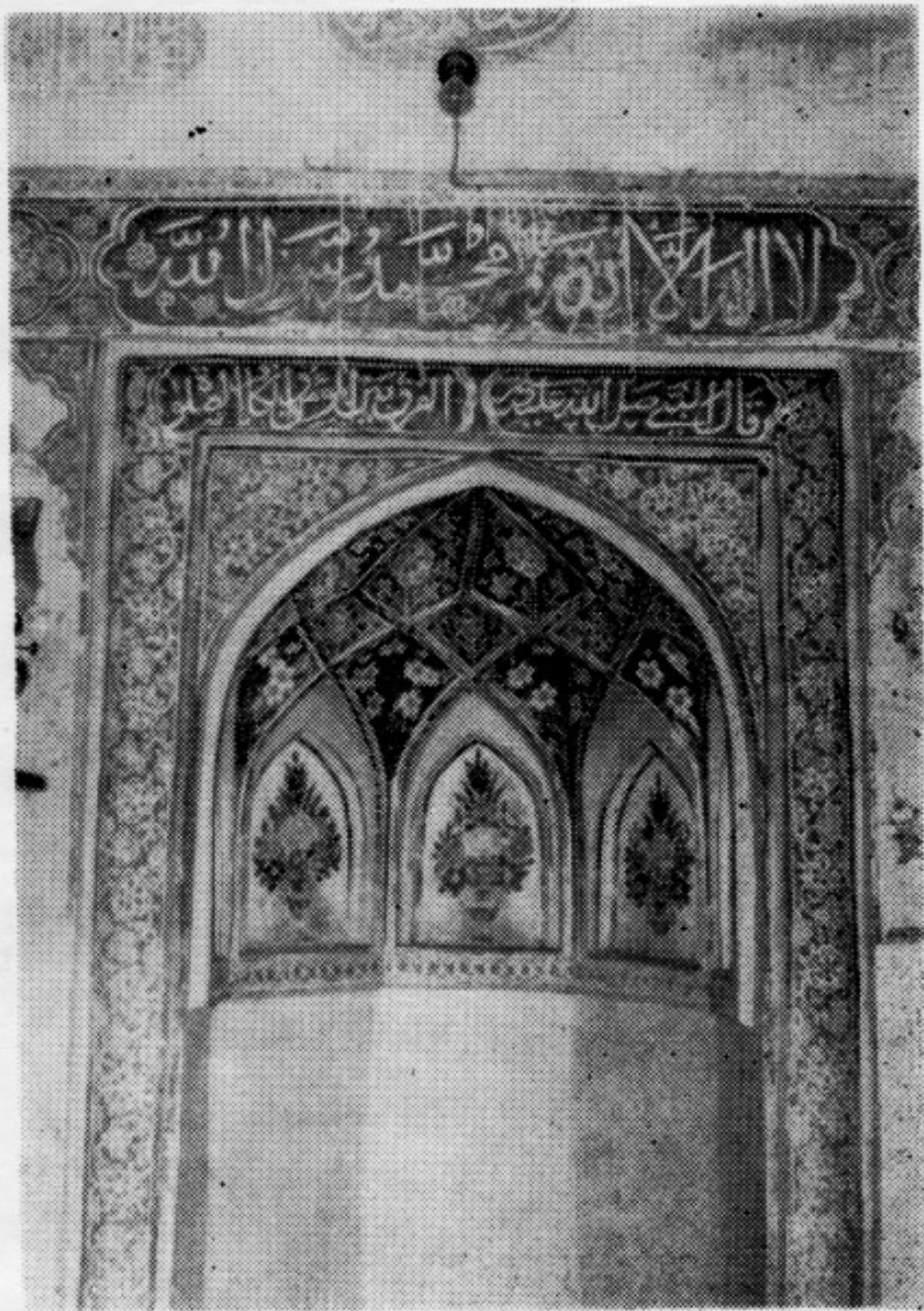
- (۱) آریانا دایرة المعارف جلد اول طبع سال ۱۳۲۸ ش و جلد چهارم طبع سال ۱۳۴۱ ش مطبعه دولتی کابل.
- (۲) تاریخ مختصر افغانستان از پوهاند حبیبی طبع سال ۱۳۴۹ ش مطبعه دولتی کابل.
- (۳) مقصد الاقبال تالیف مولانا اصیل الدین واعظ. مطبعه دانش هرات.
- (۴) تعلیقات فکری سلجوقی بر رساله مزارات هرات طبع سال ۱۳۴۰ ش مطبعه دولتی کابل.



دروازه عمومی ومدخل مسجد خواجه نور
که فراز رواق آن اخیراً توسط پروژۀ بین المللی
هرات بخلوط نلسن عالی، کاشی کاری و تزئین
گردیده است .



محراب صفة تابستانی مسجد خواجه نور که
اخيراً باکتیبه های ثلث عالی و کاشی معرق
تزیین یافته است .



محراب شبستان مسجد خواجه نور که
نقوش و کتیبه های رنگین و عالی آن قدامت
تاریخی دارد .

نگارنده: ن. نارقلوف

مزارنده: نامق

زندگرو آثار

استاد کمال الدین بنبر

استاد کمال الدین بهزاد یکی از چهره های درخشان هنر نقاشی و میناتور است. که در غرب اورا، و افایل شرق و در شرق مانی ثانی لقب داد. اشد. این لقب از جانب سلطان حسین میرزا بایقرا به وی داده شده است. چنانچه ذین الدین محمود و اصفی هر وی یکی از شخصیت های ادبی معاصرش در بدایع الوقایع در این مورد چنین مینگارد: «پادشاهی..... (سلطان حسین میرزا بایقرا) از میان هنرمندان این صنعت (نقاشی) و سحر آفرینان این حرفت استاد بهزاد نقاش را که مصوران هفت اقلیم سر تسلیم پیش او فرود آورده بودند و صورت دعوی سلمی را علی العموم بدو سپرده بودند، اختیار

فرموده بود، اورامانی ثانی لقب نموده» .

همچنان به قول آی بیگ یکی از نویسندگان معروف معاصر او زیگ آثار وی از غنایم پراج کتابخانه های معتبر آسیا، اروپا و امریکا به شمار میرود. در حقیقت به زاد از همان چهره های نادر و تابناک تاریخ هنر است که نظام الدین امیرعلیشیرنواپی فانی، وزیر دانشمند و شاعر سلطان حسین میرزا بایقرا در پرورش و کشف استعداد خلاق وی نقش ارزنده و به سزایی را ایفاء نموده است.

استاد کمال الدین به زاد در سال (۱۳۰۰ م مطابق ۸۷۰ هـ ق) در یک خانواده زحمتکش هرات پایه جهان هستی گذاشت به زاد از کودکی به هنر نقاشی و میناتور ذوق و اشتیاق بی حد و حصر داشت. امیرعلیشیرنواپی فانی، این وزیر هنر دوست و انسان پرور که زنده گی خویش را در راه پرورش فقرا، مساکین و ایتام و عمران و آبادی مملکت وقف نموده است ابتدا به زاد را در پناه خویش جای داد و سپس در نزد مولانا میرک نقاش (امیرروح الله معروف به کتابدار سلطان حسین میرزا بایقرا) و به قول دیگر نزد پیرسید احمد تبریزی به شاگردی گذاشت. بهر صورت به زاد در دوره امیرعلیشیرنواپی فانی به کمال رسید و به زودی به صفت یک نقاش ماهر و چیره دست شهرت فراوان به دست آورد.

«گرچه استاد هم باشد در اصل شاگرد است»

این گفته قا موس نویسنده و مؤرخ مشهور محمود بن ولی کتابدار در «بحر الاسرار» در باره مولانا میرک نقاش، این مفهوم را مرسا ند که به زاد در هنر نقاشی از استادش هم پیشقدمتر بوده است و استادش در اصل از جمله شاگردان، او باید باشد.

شعرا و فضیلائی که تحت رهنمایی امیرعلیشیرنواپی فانی به کارهای علمی و هنری میسر داشتند دو انتخاب موضوع و طرز ایجاد از نزدیک به استاد به زاد همکاری می نمودند و آثار را که او به وجود می آورد مورد نقد و بررسی قرار داده فکر خویش را برای وی اظهار میداشتند.

استاد کمال الدین به زاد ابتدا در کتابخانه امیرعلیشیرنواپی فانی کار میکرد. به زاد در اینجا به تزئین و نقاشی کتابهای استنساخ شده مصروف بود. آثاریکه استاد به زاد در مرحله جوانی آفریده است، از نظر ساختار هنری - پرشور، مرکب و دلچسپ میباشند.

در این آثار گرانبها عشق و علاقه فراوان و سرشار او به زنده‌گی، به طبیعت، به محیط زیست و به تغییر دلخواه آن، کاملاً زنده و زیبا انعکاس یافته است. بهزاد طبیعت را به شکل زنده، جاندار، منظم و دلچسپ و دلکش ترسیم میدارد.

آثار ابتکاریرا که استاد بهزاد در کتابخانه نظام السدین امیر علی شیرنوا یسی فانی به اکمال رسانیده عبارت از تصویرهایی است که در دستنویسهای کتاب «بوستان» و «گلستان» سعدی، «خمس» نظامی و آثاری مانند «ظفرنامه» شرف الدین علی یزدی رسم کرده است. (۱)

دانشمندانیکه در قسمت هنر عصر تیموری هرات آشنائی کامل دارند و کسانیکه در این باره صاحب نظر صائب اند، زیبایی و هنر مندانه بودن نقاشیهای مانند «بهار درویشان» و «سعدی و جوان قشقر» او را تأکید کرده اند.

میناتورهای که استاد کمال الدین بهزاد در داستانهای امیر علی شیرنوا یسی فانی کشیده است نماینده‌گی از فکر عمیق و پیشآهنگ او مینماید، زیرا؛ همه اینها با روح انساندوستی خلق شده است هنرمندی و تبارز استعداد خلاق استاد کمال الدین بهزاد در هنر نقاشی، سلطان حسین میرزا بایقرا را به آن و داشت که او را به حیث آبر کتابخانه خویش تعیین نماید. میرخواند متن این فرمانرا در «نامه نامی» خویش نیز آورده است (۲)

بهزاد آثار ابتکاری و مشهور خویشرا در کتابخانه سلطان حسین میرزا بایقرا به وجود آورده است. در مورد هنر مندی و چهره دستی استاد کمال الدین بهزاد حامسی واقعی و دلسوزی امیر علی شیرنوا یسی فانی هم در آثار خویش مانند «فراتنامه» و داستان

(۱) نظربه شهرتی که استاد بهزاد داشت طی اضافه ترازی پنج قرن اشخاص بسیاری از کارهای وی تقلید کرده و نام او را بر تصاویر بشمار می گذاشته اند. از این جهت سره کردن کارهای اصلی او از کار دیگران مشکل به نظر میرسد با آنهم صاحب نظران، تصویرهایی را که در نسخه «بوستان» سعدی با مضای اصلی او نقش شده است از جمله کارهای اصیل او به شمار می آورند.

(۲) متن این فرمان در «نامه نامی» میرخواند درج است این اثر گرانبها تا هنوز در مطبوعات کشور به زیور طبع آراسته نگردیده و نسخه قلمی آن در آرشیف ملی موجود میباشد. متأسفانه موفق به دریافت آن نگردیدم. «گزارنده»

«لیلی و مجنون» به افتخار تام تأکید ورزیده است

فمارتین یکی از هنرشنا سان سویدی، استاد کمال الدین بهزاد را در-
اتاق کارش یعنی جاییکه در چارباغ سلطان حسین میرزا بایقرا برایش ساخته بودند، چنین
ترسیم میکند:

«آفتاب شرق حجره نشیمن بهزاد را غرق در نور کرده است، در اینجا بهزاد
روی لوحه پستی نقاشیش خم شده در حال ایجاد تصویر میباشد، قطیچه سامان کارش با تمام
وسایل ضروری برای ایجاد شهکار هایش حاضر و آماده است. آثار را که بهزاد در آن عصر
با وجود محدودیت‌های که در ساحه کارش وجود داشت، آفریده است، اگر در کارگاه‌های
نقاشی همان عصر اروپا «قرن پانزدهم» و به ویژه نقاشان ایتالیا و نیدرلند می‌آفریدند دور از
امکان نبود. زیرا آن شرایط و امکانات مساعدیکه در همان عصر برای نقاشان اروپا در ساحه
کارشان از هر نگاه میسر گردیده بود، برای بهزاد مهیا نبود حجره کاروی بسیار ساده
دیوارهای اطراف حجره نشیمن آن با سرمر سفید پوش شده و با خطاطی‌های خطاطان چیره‌دست
و ماهر مشرق‌زمین مزین گردیده بود. صحن اتاق کارش بوریا فرش شده و روی گلیمی
که در یک گوشه اتاقش هموار گردیده بود چند بالشت و لحافچه برای مهمانان و عزیزانش
گذاشته شده بود. در اطراف اتاقش باغی بوده و در بین آن حوض پر از آب زلال. و دورتر
از آن درختها و گلها و شفتالوهای پخته شده و بته‌های تاک باخوشه‌های آویزان سروارید
رنگ انگور در بین برگهای سبز دیده میشد. در گرداگرد حجره، گلهای عطر آگین و رنگارنگی
جابه جاشده بود که به هزاران نوع به نظر میرسید بهزاد در چنین یک محیطی نشسته
قلم مو به دست گرفته نقاشی میکرد. قلم موی نازک را نه سابق و نه هم بعدها هیچ یکی از
نقاشان به هنرمندی و چیره دستی بهزاد، نتوانسته است به کار بیندازد و به کار هم انداخته
نمی‌تواند.»

بزرگترین شهکار استاد کمال الدین بهزاد عبارت است از نقاشی‌های که در نسخه «بوستان»
سعدی رسم کرده است. این نسخه در حال حاضر در موزیم اسلامی «قاهره» مخزون میباشد.
اثر مزبور برای سلطان حسین میرزا بایقرا از طرف سلطان علی کاتب «مشهدی» در سال
(۱۳۸۸ م مطابق ۹۰۸ هـ ق) استنساخ شده است.

در سال (۱۹۵۵ م مطابق ۱۳۷۹ هـ ق)، «کتاب تصاویر مکتب بهزاد» تألیف دکتر محمود مصطفی «مدیر موزیم هنر اسلا می مصر» در باره نسخه دستنویس «بوستان» سعدی به نشر رسید. در این کتاب نمونه های از نسخه های رنگین تصاویر نیز علاوه گردیده است. از جمله شش تصویری که به قلم استاد بهزاد منسوب شده، دو قطعه آن با مضمون «بوستان سعدی» هماهنگ نبوده مربوط است به حیات شخصی سلطان حسین میرزا با یقرا، یعنی اولی آن با ضیافتی که در باغ سلطان حسین میرزا با یقرا ترتیب شده و دومی با بزم موسیقی که در حضور وی دایر گردیده است ارتباط پیدا میکنند. از این موضوع معلوم میگردد که بهزاد پورتریت علیحده سلطان حسین میرزا با یقرا را هم ترسیم کرده است. در تصویری که در دستنویس کتاب «بوستان» سعدی جاداده شده است، صورت وی با پورتریت مشابهت تام بهم میرساند.

استاد کمال الدین بهزاد پورتریت های امیر علیشیر نوایی فانی، شیبانی خان، مولانا عبدالرحمن جامی و عبد الله هاتفی و شاه اسمعیل صفوی را هم رسم کرده است. قرار معلوم بهزاد در میناتورها و نقاشیها و خلاصه در هر یک از آثار گرانبهایش سیمای معاصرانش را انعکاس میداده است. این موضوع از طرف بسیاری از هنرشناسان و به ویژه مورخان هم عصرش نیز ضبط گردیده است.

تصاویر دیگر دستنویس «بوستان» سعدی منظره های «دارا و گله بانان»، «مسجد و در سخانه فقه ها» و قصه «عشق یوسف و زلیخا» را بازگو میکنند. تصویفات «دارا با گله بانان» در تاریخ هنر نقاشی شرف یگانه تصویر زنده بی است که از حیات زحمتکشانش شرق در آن عصر به دست ما رسیده است. در این تصویر، دارا به شکار می برآید، در اثنای شکار راه را گم میکند، در این موقع یکی از گله بانان را می بیند که به طرف او می آید دارا می خواهد او را با سلاح دست داشته خویش هدف قرار داده از بین بردارد. بهزاد این صحنه را با گریز استادانه و هنر مندانه رسم کرده است. در مرکز این تصویر سیمای گله بان تجربه کار و ورزیده قامت رسا و موزون نسبت به شکوه و جلال پادشاه جوان با هیبت و صلابت به شکل معنی دار رسم شده است. ترسیم مناظر به شیوه شاعرانه، انتخاب سوژه و مضمون و شرح مناسب هر تصویر از شیوه های به خصوص استادان و هنرمندان بهزاد است و در آثار هنری

ماقبل او دیده نمی‌شود. بهزاد در این اثر خویش انسان یعنی این موجود گرا نبهای طبیعت را با تیغه‌های کوه‌ها، ارچه زارها، سرغزا رهای سرسبز، جویا رهای دارای آب زلال، اسپان سره و خوش نسل بصورت زنده و برجسته و زیبا و دلکش رسم کرده است. تصویر طبیعت با مناظر زیبای آن از نظر منظره نگاری که بی کم و کاست به شیوه عالی بدیعی به قلم استاد بهزاد ترسیم شده است، دلیل روشنیست بر هنر مندی بهزاد در سبک ریالیزم.

در منظره «مسجد و درسخانه فقه‌ها» بهزا دجوانب هنر معماری عصر خویش را به صورت ماهرانه، استادانه و هنرمندانه نشان داده است. پیشتاقتها ی جدا کننده مسجد و صحن آن بانقشهای بس عجیب و زیبا تزئین شده است، اطراف پیشتاقتها بد و ن اینکه قطع شود در بین حاشیه‌های دراز بانقاشیهای کتاب برگشتانده، مزین شده است. خطاطی این کتاب با امضای هنرمند به پایان میرسد! (بعد عمل بهزاد فی سنته ثمانیه اربعه و تسعمائنه ۸۹۴ هق مطابق ۱۳۷۸ م).

از این تاریخ معلوم میشود که تصاویر دستنویس مزبور پس از گذشت یکسال از استنساخ آن به وجود آمده است، صفحاتی را که در این دستنویس خطاطان به صورت سفید باقی گذاشته بودند رسام پسانها به رسمهای مناسب و زیبا پر کرده است.

در این تصاویر انسان با هنرهای زیبای آن به صورت زنده و برجسته نشان داده شده است که به کار بهزاد اعتباری خاص میبخشد. در بین مسجد دو عالم در حال مذاکره دیده میشوند، مقابل ایشان کتابهای آنان گذاشته شده است. در بین تصویر، درخت پرشگوفه و باغیکه با انواع گلها مزین شده است به ملاحظه میرسد. در صحن باغ، شیخ پیری قرار گرفته در پهلوی آن کتابهایش دیده میشود. در تصویر مذکور، اسلوب معماری به طرز عالی، بادیوارها و پیشتاقتها کاشی کاری شده و نقشها و گلهای زیبا به صورت جذاب و جاندار انعکاس یافته است.

از جمله شاهکارهای دیگر استاد کمال الدین بهزاد میتوان از نسخه‌های دستنویس «خمسه» نظامی که در بین سنوات (۱۳۴۲ م مطابق ۸۶۲ هق) و (۱۳۹۴ م مطابق ۹۱۴ هق) استنساخ شده است و در حال حاضر در موزیم لندن مخزون میباشد، نام برد. تصاویر ملاقات «خسرو و شیرین»، «بهرام گور و اژدها»، «سکندر و هفت دزد»

مربوط به دستنویسهای مزبور، سزاوار دقت خاصی میباشد. این تصاویر از استعداد خلاق و سرشار بهزاد و فکر رسا و موشگاف و کشف آن حکایت میکند. دانشمندان و هنرشناسان اروپا تصاویری را که استاد کمال‌الدین بهزاد در ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی (وفات ۱۳۵۳ م مطابق ۸۷۳ هـ) رسم کرده حاوی ارزش هنری زیادی میدانند. دستنویس مذکور را در سال (۱۳۶۷ م مطابق ۸۸۷ هـ) شیرعلی خطاط معروف هرات استنساخ کرده است. استاد بهزاد و شاگردانش برای خزانة سلطان حسین میرزا بایقراء دوازده تصویر زیبا آفریده‌اند. و در صفحه (۶۹) این دستنویس دستخط یا امضای نورالدین محمد جهانگیر امپراطور مغول هندوستان دیده میشود. جهانگیر در آن یادگار زیر را نگاشته است:

«مانند این هشت تصویر به قلم استاد بهزاد رسم شده است، کتاب از بابایم همایون بهمن میراث مانده است. روزیکه به تخت نشستم این را تحریر نمودم جهانگیر بن اکبر» این نسخه «ظفرنامه» در حال حاضر در کتابخانه دانشگاه خاپکین بلیتمار مخزون است. دانشمند امریکایی رایتس گراو زین در مقاله‌یی که در کتاب «قاموس اسلام» خویش نگاشته است، از به وجود آمدن تمام تصاویر نسخه مذکور به قلم بهزاد و ایجاد آن در مراحل اول زنده‌گی هنرمند یادآور میشود.

در سال (۱۹۳۰ م مطابق ۱۳۵۰ هـ) توماس آرنولد عالم هنرشناس انگلیسی تصاویری را که در دستنویس «ظفرنامه» جاداده شده بود، به صورت کتاب علیحده به زیور طبع پوشانید. در این کتاب عالم مزبور در مورد تصاویری که به قلم بهزاد در کتاب مذکور کار شده است داد سخن داده بر استادی و هنرمندی استاد بهزاد در ترسیم مناظر طبیعی به صورت زنده و جاندار و بر توی و چیره دستی آن نسبت به سایر نقاشان معاصرش، اعتراف میکند. خواهرزاده نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معاصر استاد بهزاد و دوستش عبدالله هاتفی که از جمله شعرای معروف آن عصر به شمار میرود (وفات ۱۵۲۱ م مطابق ۹۴۱ هـ) نیز وقتی که «ظفرنامه» را به نظم میکشیده است از تصاویری که به قلم استاد بهزاد کار شده بود به شور و هیجان آمده باغرور تام چنین میگوید:

نگارنده نقاش بهزاد است.

سریرسخن را چنین نقش بست

تصاویر این دستنویس به وقایع مختلف تاریخی، صحنه های جنگ، مراسم عروسی و عروج هنر و صنعت معماری در سمرقند اختصاص یافته است. در این تصاویر اقشار مختلف اجتماع، معماران، جنگجویان، باغبانان، اربابان هنر و صنعت با عشق و علاقه و محبت بیشتر ترسیم گردیده اند. اگر آفریده های هنری اوایل قرن شانزدهم میلادی مطابق قرن دهم هجری قمری استا دیهزاد را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم در این عصر، ما یوسی روحی درون گرایی عمیق و غلبه فلسفه گرایی را در آثار بهزاد می توانیم به صورت آشکار مشاهده نماییم.

جنگ وجدلهای خانواده تیموریان هرات در میان خویش، بر وضع خرابان تأثیر سوء نموده وضع زندگی مردم روز به روز به وخامت گرایید. پس از وفات امیر علیشیر نوایی فانی رونق بازار مملکت سلطان حسین میرزا بایقراخت برست و اعتبار اهل هنر و فرهنگ از بین رفت.

ظهیر الدین محمد بابر که در سالهای (۱۵۰۵ م - ۱۵۰۶ م مطابق ۹۲۵ هق - ۹۲۶ هق) اوضاع هرات را از نزدیک مشاهده کرده است، در این باره در «تذک» بآبری خویش چنین یاد آور میشود:

«پسران و جمیع سپاه و شهری او (سلطان حسین میرزا بایقرا) را این حال بود، افراط عیش و فسق میگرداند....»

این حوادث و وقایع بر زنده گی زحمتکشان و هنر، هنرمند هممنس با حوادث زمان تأثیر زیاد گذاشت در آثار بهزاد کاربرد رنگ زعفران نسبت به دیگر رنگها بیشتر شد. در تصویر چمنزارهای سرسبز و خرم و گلها دوتته های رنگارنگ و زیبا و مناظر دلکش طبیعت، جای خویش را به تصویر درختهای خزان زده بابرگهای زرد و متمایل به سرخ داده و ترسیم سیماهای مایوس و غمگین جاگزین چهره های شاد و خندان گردید. این کار رفته رفته در کارش اساس قرار گرفت، به ویژه تصویر «لیلی و مجنون در خانه» که از جمله میناتورهای کار شده در نسخه داستان «لیلی و مجنون» امیر خسرو دهلوی و در حال حاضر در کتابخانه دولتی لنین گراد مخزون میباشد، گواه روشنیست بر این ادعا.

در سال (۱۵۰۷م مطابق ۹۲۷ هـ ق) که خراسان زمین بدست خاندان سیستانی می‌افتد بهزاد هم به بخارا سفر میکند. پس از آنکه در سال (۱۵۱۰م مطابق ۹۳۰ هـ ق) هرات از دست خاندان شیبانی توسط شاه اسمعیل اول صفوی شاه ایران آزاد میگردد بهزاد به تبریز برده میشود. بسیاری از علمای هنرشناس روی عقبه فوق پافشاری مینمودند لیکن هیچ تحقیقات علمی سالهای پسان ک. کریموف دانشمند آذربایجانی و ارنست گروبی دانشمند انگلیسی عقیده مزبور را تا اندازه روشن ساخت. از جمله از نست‌گروپی در یک اثر خویش که به نام «اسلوب کلاسیک در هنر اسلامی» یاد میشود، نمونه‌های از هنر نقاشی (اوایل قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی مطابق قرن نهم و دهم هجری قمری) بخارا، سمرقند و هرات را از نظر علمی تحلیل نموده است و قضیه بودن بهزاد را تا سال (۱۵۲۲م مطابق ۹۴۲ هـ ق) در بخارا تایید میدارد.

از جمله کارهای هنری که بهزاد در بخارا انجام داده است صرف پورتريت شیبانی خان که در بین سالهای (۱۵۱۵-۱۵۲۰م مطابق ۹۳۵ هـ ق و ۹۴۰ هـ ق) کار شده و تصاویری که در «بوستان» سعدی رسم کرده است به دسترس مآقرار دارد.

در سال (۱۵۲۲م مطابق ۹۴۲ هـ ق) بهزاد به ریاست کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل اول صفوی منصوب میگردد البته یگانه چیزی که در بردن بهزاد به تبریز گواهی میدهد پورتريت عبدالله هاتفی هروی دوست وی است که در لباس صفوی رسم شده است. قرار معلوم بهزاد در تبریز مصون و آرام نبوده است. در سال (۱۵۲۵ میلادی) بهزاد منظره «دو شتر در حال جنگ» را در فصل بهار با کار برد رنگهای مرکب (گرم) و تصویر «مرد مسن و جوان» را به وجود می‌آورد. این دو اثر بهزاد با فلسفه نهایت عمیق و مضمون عالی و بکر به صورت ماهرانه ترسیم شده است. از قرار معلوم بهزاد بعضی اوقات رسمهای مضحک هجوی، طنزی و کار یکا تور هم میکشیده است. در این قسمت زین الدین محمود و اصفی در بدایع الوقایع خویش چنین می‌آورد: «...هر گاه که این پادشاه عالیجاه (سلطان حسین میرزا باقرا) را غمی یا المی پیرامون خاطر گرددیدی و غبار قبض بر سرآت ضمیر منیر رسیدی، استاد مشارالیه صورتی براقلمی پرا نگیختی و پیکر برآمیختی که بمجرد نگاه کردن حضرت پادشاه دروی، آینه طبعش از زنگ کدورت و صفحه خاطرش از نقوش کلفت فی الحال متجلی گشتی و جناب استاد ما هر الاصناف، همواره

صورت مختلفه و نقوش متنوعه باخود همراه داشتنی که بوقت حاجت به کار بردی ... در حال حاضر، هنرشناسان نزدیک به صد اثر دستنویس و البوم و سایر انواع آثار را که استاد بهزاد به طرزهایی دیگر به قلم توانا و سحر آمیزش آفریده است واضح و روشن کرده اند.

نظر به معلومات معاصرینش استاد بهزاد (۹۴۲ هـ ق مطابق ۱۵۳۶ م) در هرات دعوت اجل را لبیک گفته است. در این باب مصرع «نظر افکن به خاک قبر بهزاد» که شاعری به نام دوست هاشمی سروده است، نیز موجود می باشد. آفریده های هنری بهزاد و آثار نایاب آن دارای اهمیت بزرگ علمی و اسیتیک است شاگردان مکتب بهزاد میراث گرانبهای او را در مالک مختلفه آسیای میانه و هندوستان و به ویژه در میهن گرامیش دنبال نموده مکاتب مستقل هنر نقاشی و میناتور کاری را به وجود آورده اند.

چنانچه شعل های دیرپا و جاوید این هنرنفیس و انسانی را تا امروز استعد مسعل هر وی در هرات باستان فروزان نگهداشته و شاگردان زیادیرا در این فن تربیه نموده و به خدمت جامعه گماشته است.

مآخذ:

- بابر، ظهرالدین مجد. بابر نامه، ترجمه بیرم خان خانخان، چاپ بمبئی بکوشش میرزا محمدشیرازی، ۱۳۰۸ ص ۱۰۳، ۱۰۹ و ۱۱۵
- دهخدا، علی اکبر «لغت نامه» جلد ۹ زیر نظر داکتر محمد معین و داکتر سید جعفر شهیدی، دیماه، ۱۳۵۰ هـ، چاپخانه سازمان چاپ دانشگاه تهران ص ۴۲۳ و ۴۲۴.
- فن و توریوش (مجله دانش و زنده گی) نشریه ماهانه آکادمی علوم اوزبکستان شوروی شماره هشت سال ۱۹۸۱ ص ۸ و ۹ و ۳۳. مصاحب، غلام محسن. دایرة المعارف فارسی ص ۴۷۸، ۴۷۹ / میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود. تاریخ حبیب السیر، جلد چهارم، زیر نظر داکتر محمد دبیرسیاقی از انتشارات کتابفروشی خیام ص ۳۶۲.
- واصفی، زین الدین محمود. بدایع لوقایع، جلد دوم، تصحیح الکساندر بلدروف، بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۵۴ و ۱۴۹ و ۱۳۵۰.

لیکونکی: ارنست گروپ

ژباړونکی: عتیق زوی

په مرکزی آسیا کې د تیموریانو د عصر

ژوندنې (بڼکلی) هنر

-۳-

د ږیم پلار زبڼته فلزات او قیمتي شني د ږی :

د تیموریانو د عصر جواهرات او گانې دنورو دورو با ارزښته اصلی او حقیقی جواهراتی
په ډلی څخه شمیرل شویدی مگر په دی عصر کې یو شمیر زیات طلايي، نقره یی قیمتی او نیمه قیمتی
ډبرو څخه ډیر بڼکلی با ارزښته اوراز، راز آثار هم جوړ شویدی چه تر اوسه ددی آثارو ساری
نه دی لیدل شوی دالمکه چه د تیموریانو د عصر هنر د پخوانی او وروستی دورو د هنر په
پرتله خورا ډیر بڼکلی او پرمخ تللی هنر بلل شویدی په حقیقت کې هغه آثار لکه پطرسونه
پیالی، صراحی د شرابو او داو بو بوتلو، رسونه یا انځورگری چه د تیموریانو د عصر
د هنر په څیر اوس بک رنگ کړی شوی باید وویل شی چه دغه رنگه آمیزی دنوموړی آثارو
پرمخ په طلايي رنگ بڼکلی کړی شوی. ځینی دغه آثار له قیمتی فلزاتو لکه طلا او نقره څخه

جوړ شويدي او هم اسكان لري چه ددغو آثارو و تخني نموني او ډولونه د تيمور يانو په عصر كښي جوړ شوي وي چه دا حقيقت دهغو تاريخي ليكنو له مخي ثابت او تايد شو پدي چه د تيمور يانو د دربار يا نو له خوا ليكل شوي اولاس ته راغلي دي. مگر يوازي يو مټي آثار چه تراوسه زموږ لاس ته راغلي او هغه ښه پيژندل شوي او څيرل شويدي چه دهغو په مرسته به موږ وكړاي شويدي دوري د هنر په هكله ستر معلومات تر لاسه كړ او. او يوازي په اوسني وخت كښي ددي اسكان شته چه نور آثار هم ښه وپيژنو چه هغه آثار مه تراشل شوي قيمتي ډبرو و څخه جوړ شويدي دغه د قيمتي ډبرو و آثار هم د تيمور يانو د عصر د هنر نموني او خورا ښكلي جوړوني دي (د پندر و پلسن ايكنه).

همدارنگه د تيمور يانو دوخت دوه كوچني نقره اي ياد سپينو زرو بنگري (چوري) لاس ته راغلي دي چه نوموړي ښكلي باار زښته بنگري دنيويار كك د تيرو بوليتن د آرت او هنر په موزيم كښي موجود دي، دغه ښكلي بنگري چه د تيمور يانو د عصر يوه ښكلي او باار زښته هنري اثر دي خوله بده سرغه دغه اثر زموږ په لاس كښي نشته چه د سيمه ايزه خلكو له خوا خورا په ډير تپته بيه خرڅ شويدي اوله بلي خوا دغه دوه نقره اي بنگري دومره ښكلي جوړ شوي چه د تيمور يانو د عصر دنورو آثارو په پرتله دمقايسي وړ نه دي او د جوړوني د سبك له پلوه ساري نه لري دغه بنگري بيضوي شكل لري او د بنگر و سر و نه نه دي نښلول شوي او دهغو د سرو پای د ښامارانو په غير جوړ شوي دي.

په همدې شان ددي بنگر و په بهرني خوا كښي يو مستطيل چوكاټ ليدل كيري چه ددي چوكاټ په مينځ كښي يوه كتبه كيندل شوي او په همدې ډول دنوموړي بنگر و په يوه اړخ كښي د خرماياد سرو دوني شكل ليدل كيري.

دكتبي، ښامارانو او د سرو و شكومينځ يوه كوچني بيضوي نښان ياد ال ته لځاي وركړ شوي چه دغه مدال د خرماياد سرو په دوه و نو با ندي ښكلي كړي شوي او د خرماوني د چلپا په څير يو ډبل په سر ښودل شويدي. په دې بنگر و كښي د ښامارانو سر و نه دومره ښكلي په مهارت او خورا ښه سبك جوړ شوي چه د ښامارانو غه لونكي غوچي يا ژوري سترگي، بر جسته غاښونه په خلاصه خوله كښي، لوړ پر يكړي شوي وړ (يال) سره چه د جوړونكي ذوق او د

هنر خاص سبک بڼې شودل شويدي چه دا ډول آثار يې ساري بلل شويدي. د ښامار د سر څخه د تيموريانو د عصر په ځينو بار زېږته آثارو کېنې زياته استفاده ور څخه شويده. همدارنگه د طلا په يوه گوته چه اوس نوموړې گوته د نيو يارک د هنر په موزيم کېنې موجوده د (گ و ب ليکنه ۹۶ مخ ۶۱ شکل) په ځينې قيمتي ډبر ولکه جک، پيالو او څو کوچني ډبرونزي صراحي گانو چه ددې مقالې په دوهمه برخه کېنې يادونه شويده، په دې آثارو کېنې د ښامارانو او نوروشيانو څخه د لاپټکلا لپاره ور څخه استفاده شويده. په ځينې دغو تراشل شوي قيمتي ډبرين آثارو کېنې داغ بيگ نوم او دهغه لقب گورگاني ايکل شويدي چه نوموړې شهزاده په ۱۷۳۱ کال کېنې په پورتنی نوم اولقب ياد شويدي او هغه دانوم مخانته تا کلي وه چه په همدې وخت کېنې مو پر دهغه د قدرت تاريخ ټاکلي شو چه دا لغ بيگ په ۱۳۳۹ کال کېنې سر مشر. د قيمتي ډبرو د آثارو له ډلې څخه د پير ښکلي او با ارزښته اثر د سپينې ډبرې يو صراحي دي چه هغه د گل بنگيان په کلکسيون کېنې د (گرو ب ليکنه ۱۳۰ مخ ۷۵ شکل) ايښودل شوي. په همدې شان يوشمير نور کوچني ډبرين آثار لکه د قيمتي ډبرو څخه بيضوي شکله کاسې، جامونه او ځينې داو بو جگونه لاس ته راغلي دي چه د دغو لوبو لاسټي د ښامارانو په څير و ښکلي شوي چه هغه داغ بيگ له جک سره ورته والي اري کوم چه هغه جک اوس د پر تگال د لزين په موزيم کېنې ايښودل شويدي، همدا رنگه داو بو يو کوچني شين رنگه صراحي چه دهغه خاوند ماته نه پيژندونکي دي د (برلنگتن مجله دريمه گڼه ۱۹۲۸ کال ۱۹ مخ) داو يو نوموړي صراحي د شکل د جوړونې له کبله او همدارنگه د صراحي د لاسټي پای د ښامار د شکل په څير جوړ شويدي. د لزين داغ بيگ او فلزي کوچيني صراحي چه د سلطان حسين بايقراه عصر کېنې جوړ شوي وي پوره ورته والي او شباهت لري. نوموړي شين ډبرين صراحي کتيبه او تزئين نه لري. همدارنگه دوه تياره شني قيمتي ډبريني پيالي چه يوه يې په لندن کېنې او بله يې په تهران کېنې موجود دي نوموړي د واره پيالي د صراحي په شان کتيبه او تزئين نه لري مگر ددې پيالو لاسټي يوازي د ښامارانو په سر و ښکلي شويدي ددې پيالو د جوړونې د سبک څخه داسې معلومېږي چه دا پيالي هم ددې دورې جوړونې دي.

يو بل کوچنی شی ياپه بل عبارت په کوچني خنجر لاس ته راغلی وي چه نوموړي خنجر په يوه شنه قيمتي ډبره باندې تراشل شوي چه دا خنجر د پير ښکلي جوړ شويدي چه ددې خنجر

لاستی هم دېنمار په سرسزین اوسینگار شویدی دااښه موژته هغه آثار را په یا دوی کوم چه هغه آثار اوس زموږ په لاس کښی نشته او هغه دنیو یارک په مرکزی موزیم کښی دښودنی لپاره ایښودل شویدی دنیو یارک د نوموړی آثار ودلاستی پای دېنمارانو په سر و باندي ښکلی کړی شویدی چه دغه آثار دجوړونی دسبک اوسینگار له پلوه دخنجر سره نژدی ورته والی اوشباهت لری. یوازی دحینی اړخونوله پلوه یوبل سره توپیر نه لری چه هغه اړخونه ډیر دبحث اویادونی وړنه ده.

همدا رنگه څو کتبت آثار چه دنور و آثار وله ډلی څخه مشخص او خاص شکل لری چه دهغو په هکله پخوا یادونه هم شویده اوداثر خورا ډیر ښکلی اواناب اثر بلل شوی چه هغه تقریبی ښکلی دی چه په دی ښکلی دسبک اوسینگار دسبک کښی دنیو یارک دموزیم دهمدی دوری دطلایی کوی تی سره یوشان دی. که څه هم دغه ډول ټول آثار دجوړونی طرز اودهنر سبک له پلوه جوتته شوه چه دا ډول آثار دتیموریانو دعصر آتاردی، داته داسی سوال پیدا کیږی چه آیا نوموړی ښکلی آتارد تیموریانو دعصر داغ بیگ دوری خاص آتاردی او که دتیموریانو دعصر دکوم بل پاچا دوری آتاردی؟ چه له بده مرغه دی سوال ته تر اوسه ځواب نه دی ورکړ شوی مگر یوازی دومره باید اضافه شی چه دغه ډول جوړونی داغ بیگ دپلچا هی دهنر په څیر دی ځکه د تیموریانو دعصر هنر داغ بیگ دپاچایی په وخت کښی خورا ښه پرمختک اوده کړی وه. هغه سلیقه، ذوق اوشکلا چه د شنی قیمتی ډبري په ترا شلو اونور ډول قیمتی ډبرو کښی په کار ورل شوی وی دتیموریانو دوروستنی عصر دهنر نمونی دی یعنی دقیمتی ډبرو څخه راز، راز استناده په تیموریانو دوروستنی عصر کښی کار ورڅخه اخیستل شوی چه ددغه ډبرو دجوړونی، ډول ډول یوشمیر نمونی چه هغه دشنی ډبري اونیمه قیمتی ډبرو څخه د لاس ته راغلی او په حینی دغه آثار و کښی د بهبود کلمه لیکل شوی دی، یوله دغو توتو څخه دعقیق یو کوچنی جام دی چه په دی جام کښی دسلطان حسین باقرا نوم لیکل شوی اود جوړونی کال یی ۸۷۶ هجری کال چه دعیسوی کال له ۱۴۷۱-۱۴۷۲ سره سمون خوری، نوموړی جام نیمه کروی شکل لری او همدا رنگه دهغه لاستی دېنمار څیره نه لری. غه جام یو باا رزښته اثر دی ځکه چه دی دوری ددود اودستور څخه نمایندگی کوی.

د يوه ډله لرغون پوهانو له خوا بهبود د کلمې په هکله داسې نظر ورکړ شوی چې بهبود د سلطان حسين بايقرا د دربار د يوه نوميالي درباري نوم وه چې هغه ابوطالب بهبود نومیده لکه ابوطالب بهبود د سلطان حسين بايقرا نوميالي درباري وه. د نوميالي، گران او منلي درباري نوم ليکلی په يوه با ارزښته لوبڼي باندې تقليدي بڼه لري لکه په يوه سپين او شنه چينايي نخي توکر باندې چې هغه دار د ابل دزيارت دنور و آثارو په ډله کېښي ايتود ل شوی په دی نخي توکر باندې د بهر اسي پيشوا نوم ليکلی شویدی چې سلطان حسين بايقرا دخپل منلي درباري نوم ليکل په جام باندې دار د ابل دزيارت د توکر له مخې تقليد کړیدی. وروسته د ملا ياد پيشوا دنوم ليکنه په نخي توکر باندې ډير اهميت پيدا کړ لکه نو د ايشوا دوخت پاچاته ډير منلي سپرې وه په دوه نورو له ښو باندې چې هغه هم دشين رنگي ډبري څخه جوړ شوي وه دهغه نوم ليکل شویدی چې يه يي کوچني بيضوي شکله پيال له يا جام ده چې د شنه روښانه ډبري څخه جوړ شوی ددی لوبڼي لاستي د پراڼگ شکل لري او بل د شنه ډبري څخه مدوره پيال ده چې د پياله دوه خواته لاسته لري او لاستي يي د پراڼگ يا ښامار څيره باندې ښکلی شوی. چې دغه دواړه. ښکلی لوبڼي چې د بهر اسي نوم لري او د تهران په موزيم کېښي موجود دی. چې دواړه د تيموريانو د عصر جوړونې دي چې هغه د چينايي ډبرينه لوبڼو له مخې سمبال شوي او لميني ددغه دوه لوبڼو په هکله داسې نظر لري چې دغه دوه لوبڼي اصلاً چينايي لوبڼي دي چې د بهبود له خوا راټول شوي دي. په دی هکله بايد وويل شي چې په پنځلسمه پېړۍ د قيمتي ډبرو چينايي لوبڼو ټولونه او د هغه له مخې د لوبڼو کاپي گول پيل شول، چې د اکاردلمري محل لپاره د تيموريانو د هنر مندانو او انځورگرانو له خوا په همدې ډول ډبرو باندې ترسره شو، همدا رنگه په دی ارتباط به زړه پوره ده ووايم چې دلته يو ښکلی جام لاس ته راغلی په دی سينگار شوی جام کېښي دا لغ بيگک نوم اولقب ليکل شوی چې د اجام اوس د برتانيې په موزيم کېښي موجود دی (هند. رويلسن او داتسن ليکنه) د لوبڼي د تيموريانو د عصر جوړونه ده امکان لري دغه کتبه لرونکی جام د چينايي د شني ډبري جام له مخې چې د بهبود له خوا راټول شوی ده جوړ شوی دی.

يو بل ښکلی لوبڼي چې هغه د سلطان حسين بايقرا دوخت برنجي صراحی ده چې لاستي يي د ښامار په څيره ښکلی شوی. ددی کوچني لوبڼي برنجي صراحی په هکله زيات معلومات ليکل شوي

اود سینگار په هکله ویل شوی چه ددغه صراحی شاوخوا دخرمابه ونوسینگار شوی چه ددی صراحی لمخنی کړمبی په طلا کار شوی دی. هغه زیات تشا بهات او ورته والی چه دطلايي بنگر و دپامارا نوسرونه اود صراحی دلاستی دپامارا نودسر نمونی لری.

دواړه دسلطان حسین بايقرا برنجی صراحی اودالغ بيگ له هغه ډول آثار سره لکه شمه قیمتی دبرین آثار چه دلاستی چه دپامارا نوسرونه لری یوشان دی. په هر صورت نوموړی آثار وروستی تاریخ تاکنه په هغه آثار وپوری اړه لری کوم دپامارا نوسرونه لری اود هغو څخه پخوا یادونه وشوه.

په لمخنی نوموړی آثار و باندي پرمخ تللی اونوی کړمبی معلوم سیری چه یوله دی ډلی څخه لغ بيگ د عصر لور، دپیکلا ژور سینگار لرو نذی صراحی دی چه دغه صراحی اوس دلزبن په موزیم، یوه پیاله دبر تانی په موزیم اود بنکی یو پیکلی غشی چه دغشی سربې دطلا څخه جوړ شوی چه اوس دنیویارک په موزیم کښی موجودی. همدارنگه یوه پیاله چه ددی پیالی دیز این او پیکلا دنورو پورتنی آثارو په پرتله لږ ده په دی پیاله کښی دپهرامی نوم لیکل شوی چه د تهران په موزیم کښی ساتل شویده. همدارنگه دشنی قیمتی ډبري یو جگ د هغه خاوند چه کوم پاچا په وخت کښی جوړ شوی او هم تاریخ یی نه دی روپانه، شوی لاس ته راغلی، اودغه دقیمتی شین رنگه ډبري جگ امکان لری چه په ناغای ډول جوړ شوی وی لکه دغه ډول برنجی اثر دلوپنو مینځ یو ډول توپیر راوستی دی چی دموډل یا نمونی په څیر جوړ شوی دنوموړی جگ دلاستی دپامارا په څیره پیکلی کړی شوی دی. په همدی شان ددی عصر صراحی د شکل او تناسب دجوړونی له کبله دگلبنکیان دصراحی سره توپیر لری.

دنوموړی محدود اولژ آثار او شواهدوله مخی چه پورته ورڅخه په جلا جلا ډول یادونه وشوه. معلوم سیری چه نقره یی بنگری او طلا یی کوتی دا لغ بيگ او سلطان حسین بايقرا دپاچاهی مینځ کښی جوړ شوی دی. دالغ بيگ دپنه قیمتی دبرین لوپنی د۱۳۱۷ او ۱۳۴۹ کلومینځ کښی اود سلطان حسین بايقرا (بهبود) آثار تقریباً په ۱۳۹۰ کال کښی جوړ شوی دی. او موژ د.د. ۱۳۶ نه تر ۱۳۸۰ کلو پوری طلايي کوتی چه دنیویارک په موزیم کښی موجود دی. او نقره یی بنگری دجوړونی تاریخ په تخمینی ډول اټکل کولی شو.

څلورم د غالی او نسا جی ټکرا نو صنعت

د تیموریانو د عصر څخه غالی او موثق، اطمینان او حقیقی توکران لاس ته نه دی راغلی چه د هغو په مرسته موژ خپل تحقیق او څیړنی تر سره کړی وای مگر موژ په عمومی توګه د دغه ډول آثارو هغو نمونو ته اړتیا لرو چه هغه د تیمور یا نو د عصر په هوونځی کښی په مختلف توګه رنگ کړی شوی دی. څرنگه چه په وار، وارسره سیناتوری یا واره واره نقاشی لرونکی غالی لیدل شوی او موژ ددی ډول مخصوص هنر په هکله ډیر څه پوهیږو او هغه په باره کښی خورا ښه معلومات لرو څرنگه چه د دغو غالیو د هنر ډول او ټکلا په هکله ښه ښی او اسی برگس ژوری څیړنی کړی دی چه د هغی د څیړنی او د مطالعی نتیجه هم خپره شوی ده. موژ کولای شو د نوموړی میرمنی د لیدنی کتنی او تشریحاتو باندی لږ څه اضافه ووايو هغه دا څه هغی په افغانستان کښی د غالیو ډول، داو بدلون یا یو نه اوراز راز غالی یی له نژدی لیدلی دی چه په حقیقت کښی هغی جامع، بشپړ او صحیح څیړنی کړی دی. د تیموریانو د عصر غالی کله چه د جوړونی ډول او د یزاین له نقطی نظره تر تجربی لاندی و نیول شول په پای کښی جوته شوه. چه په دی عصر کښی راز راز غالی جوړیدلی د تیموریانو دوخت یوه اوژده غالی چه هندسی ډول ټکلا لری په ډیر ښه ټکلی ډول جوړ شوی دی. د نوموړی عصر د غالیو گلان مربع شکل اته گوښه یی، شپږ گوښه یی دستوری شکلونه او په نور و ډولو او بدل شوی دی او یو په بل کښی ننوتی دی او یا هندسی او نیمه هندسی او ځینی غالی د گلانو او د نباتاتو په پانو ټکلی کړی شوی دی، یوازی څو محدود غالی په سینا توری ډول او بدل شوی څه نوموړی سینا توری غالی بهر ا دغه نسبت ور کړ شوی دی په سینا توری شوی غالیو کښی او اربسک شکلونه هم کار شوی دی غالیو د څنډو د کوفیک کتیبو څخه اخیستل شوی د (برگس لیکنه ۲۴ مخ).

د پنځلسمی پیری په وروستی پړاو کښی د نوموړی هندسی ډوله غالیو جوړونی پرمخای یو نوی سبک او د یزاین رواج شوی هغه دا چه په پنځلسمه پیری کښی په غالیو باندی د گلانو او د نوپه پانو ټکلی کړی شوی دی. لنډه دا چه د پنځلسمی پیری تر نیمایي پوری غالی په هندسی شکل ټکلی شوی او وروسته یعنی د پنځلسمی پیری په پای کښی د غالیو او بدل او ټکلا بدلون وموند او غالی د گلانو، ونو او اربسک په شکل ټکلی شوی دی. او ددی ډول د غالی جوړونی

سبک ترکوم وخت پوری دوام و کپ تر اوسه جوته شوی نه ده مگر داوسنی پیری غالی د گلانو او دونو پانی په غیر نه دی جوړوی شوی او دغالیو جوړونې په هغو برخو ویشل شوی دی. که چیری دغالیو دجوړونې تاریخچې ته نظر واچو ولیدل کیږی چه دلمرنی غالی او د عادی غالیو هندسی شکل د پنخلسمی پیری دوروستی پر اوگل لرونکی دیزاین غالیو مینځ کښی ډیر توپیر لیدل کیږی او دلته داسوال پیدا کیږی چه دبهزاد میناتو رشوی غالیو دیزاین او شکل د پورتنی دورو دغالیو په پرتله ډیر ژور توپیر لری او خورا ډیری بکلی غالی دی چه تر اوسه جوړه اوساری نمانی .

د تیموریانو په عصر کښی رازراز غالی او بدل شوی چه رنگ او اندازی یی متفاوت دی که چیری موژ د تیموریانو د عصر دلمرنی غالیو او بد او صنعت دوروستنی دوری غالیوسره مقایسه شوی لیدل کیږی چه دوروستنی دوری غالی ویدلو کښی وده او پرمختگ لیدل شوی دی. په حقیقت کښی د تیموریانو د عصر دلمرنی غالی دترکیبی او تمان دغالیو ډول سره یوشان دی ، دترکیبی او تمان غالی د هولبین غالیو په نامه یادیږی چه دا ډول غالی د تیموریانو د عصر د شپاړسمی او اولسمی پیری هندسی ډوله دغالی ویدلو صنعت حقیقی شکل را په یادوی د پنخلسمی پیری دوروستی پیر او هغه غالی چه په گلانو او دار بسک گلانو پانندی بکلی شوی په حقیقت کښی هغه بکلی او اصلی غالی دی ، نوله دی نقطی نظره جوته شوی چه هغه غالی ډیر پرمخ تللی نه دی بلکه هغه ډیری عادی او معمولی غالی بلل شوی دی ، خوله بده مرغه دغه ډول غالی د ښه جنسیت نه لر لوله کبله دغالی او بدو نکوله خوا پر ښودل شو او دجوړونې څخه یی لاس واخست او هغه ډول غالی رواج شوی کوم چه گلانی یی په هندسی شکل جوړیدل مخک له پوی خوا دی ډول غالیو ډیر مشوق او بازار دود لودا وله بلی خوا دغالیو سپنسی هم بدلون په دی وسوند په دی مفهوم چه د پنخلسمی پیری څخه وروسته دغالیو او بدلو ډول رنگ او سپنسی یی بدلون وکړ او غالی جوړونکو په دی لاره خورا ډیری تجربی تر لاسه کړ پدی نو مخک دغالیو او بدلو صنعت ډیر چه پرمختگ وکړ چه دغه غالی د پنخلسمی پیری څخه پخوا غالیو سره هیڅ ډول اړیکی نه لری ، مخک پخوا او پنخلسمی پیری څخه دغالیو ډول ښه نه وه جوړ شوی ، سپنسی یی ډیر کلک نه وه غالیو تل خپل رنگ د لاسه ورکاوه (توماس ارنو د لیکنه) . د نظامی وخت لاس لیکنی یاد ۱۹۲۶

کال نهم اولسم لمبر هندسی ډوله غالی او ۲۲ نمبر گلان لرونکی غالی چه اوس د انگلستان د برتانیې په موزیم کښې ایښودل شوی دی. نوموړی پورتنی اثر چه اوس د هیواد څخه ایستل شوی او د بهرینو هیوادو په موزیمو کښې موجود دی ډیر با ارزښته او د اهمیت وړ او نامتو آثار بلل شوی دی، نه یوازې د تیمور یا نو د عصر د هنر خوښوونکو هلی خلې وی بلکه د هنر مندانو عالی ذوق وه چه د غالیو او بدلو صنعت ته یې پراختیار ورکړه چه د غالیو ډول ډول نمونې یې مینځ ته راوړې دی، حتی اوس غالی او بدونکی د نوموړی غالیو له مخې غالی او بدل کښې، د هیواد په لویو ډیځه سیمه کښې و غالیو او بدلو صنعت به بشپړه توگه په ایران کښې د غالیو او بدلو صنعت پیل کښل شوی دی: گله چه موږ د ایران د غالیو او بدلو تاریخ په ژوره توگه وڅیړو داسې نتیجه اخلو چه په افغانستان کښې د غالیو او بدلو د صنعت تاریخ د ایران د غالیو او بدلو تاریخ څخه منځ کښې دی.

همدارنگه د تکرانو په برخه کښې باید وویل شي چه زرین خامک دوزی او گل دوزی د تیموریانو په وخت کښې خورا ښه پرمختگ کړی وه زیاتره خامک دوزی د با ارزښته او وریشمین تکرانو په منځ باندې کار شوی دی په دی تکرانو باندې په زرینو تارود گلابو ماغارو، ویو د سرغانو او ښامارانو او د غرغو څیری ایستل شوی، زیاتره بالاپوښونه د نارینه چینی او د ښځو او ژده کمیښونه چه د تیموریانو په عصر کښې جوړ شوی د ډول ټول تکران په خامک دوزی باندې ښکلی او تزیین شوی دی. معمولاً خامک دوزی په تکرانو کالیو باندې، د غازی چار چاپیر د کمیښ او ژی او د تکرانو ژی ترپای پوری طلايي خامک دوزی شوی دی چه د هغو ځینی نمونې لکه د دروازو پردی، د آس د زین پوښونه، کمپلی او د بالښتو پوښونه چه د زرینو تارو په مرسته خامک دوزی شوی دی. البته خامک دوزی غوډوله دی چه دلته د خامک دوزی د ډولو څخه یادونه نه ده شوی. په هر حال په تکرانو باندې د ژوو او سرغانو د څیرو خامک دوزی د تیموریانو په عصر کښې ترسره شوه په همدې شان په ځینی او ژدو تکرانو باندې د طبیعي مناظر و ښکلی منظرې له غارو ویو او حتی د انسانانو څیری په ښه ښکلی ډول او ساهرانه شکل خامک دوزی شوی دی لکه د خواجه گرماني ښکلی

منظره چه دیر باارزشته اثر دی چه دلندن دسوزیم ۱۸۱۳ نمبر اثر دی . نوموړی خامک دوزی د تیموریانو د عصر یو ښکلی او باارزېته اثر بلل شوی دی چه نوموړی اثر د ورینمین توکر د پاسه خامک دوزی شوی له نوموړی باارزېته خامک دوزی څخه د پخوانی وختو خامک دوزی درسم شوی مودل او نمونی په شکل په ځینو البوم کښی ساتل شوی دی لکه د توپ کاپی سرای د کتا بتون په البوم (اپسیر وگلو لیکنه) داستا نبول البوم ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶ او ۱۲۹ شکلونه دی ، همدارنگه زرین خامک دوزی نمونی په راز راز تکرانو باندی داستا نبول درنگ آسپزی البوم ته دی مراجعه وشي چه د (اسلانا یا، لوهراواتنگوسین) ختیځ پیژندونکو له خوا خپاره شوی دی ۱۹۵۳ م کال ۷۹-۱۰۳ مخونه ۷، ۲۰، ۳۱، ۳۹، او ۵۸ شکلونه.

پنځم د کتابو صحافی: د کتابو د کلکسیون صحافی هنر د تیموریانو په عصر کښی دیر مڅتگ کړی وه د تیموریانو د عصر د کتابو صحافی کول مختلف اوراز، راز تخنیک کار شوی چه ځینی د پخوانی دود او دستور (عنعنوی) په شکل او زیات شمیر یی په عمومی توگه په نوی سبک او دیزاین سره صحافی شوی دی یا همدارنگه هغه پخوانی باارزېته کتابونه، ځینی لیکل شوی نسخی چه پانی یی له سینڅه تللی وی بیاد تکره لیکونکو، میناتور کارانو اونو میالی انځورگرانوله خوا ژوندی شول او ټول په یوه جلا او ښکلی د صحافی پوښ کښی لځای په لځای شوی دی . چه د نوموړی صحافی پوښ د کلک او سخت اوزارو څخه جوړ شوی دی او د نوموړی صحافی پوښ دیر ښکلی دیزاین لری چه د څیر و نقش ونگار لری او د دغه نقش ونگار زیاتره زین نقش ونگار لری او حتی ځینی لځایونه یی په ورین ښکین توکر باندی خامک دوزی شوی دی چه خورا دیر ښکلی شکل لری وسوی د کتاب د پوښ ځینی برخه پلا یی مرصع کاری لری لڼه داچه په دغه پوښ باندی دیر زحمت ایستل شوی او دیر باارزېته هنری اثر بلل شوی دی چه تر اوسه ساری نه لری .

پخوا د تیموریانو څخه د کتابو صحافی دیر ساده شکل درلود او په هغو کښی اتز ښات خامک دوزی، زرین کاری نه دی لیدل شوی په عمومی توگه یوازی هندسی تزئینات و د گلانو سینگار په ساده او عادی شکل لیدل شوی چه نوموړی ښکلا والی د کتابو په پوښ باندی یوازی کوچنی او دوهم عنصر بلل شوی . د تیموریانو د عصر د صحافی د دیزاین

جوړنکې نېرې په هرات او خا صتاً د ايران په شيراز کېبې د کتاب د اندازې څخه بې پوښ او د پوښ دلاندې برخې ديزابن لري جوړ او د کتاب د پوښ ودرېښ لاندې برخه د بدل څخه جلا جوړيدل او وروسته يوځای کيده او پوښ ورڅخه جوړيده، په هر حال کتاب د پوښ سره يوځای ايشودل کيده او وروسته پوښ جوړيده او هغه پوښ د صحاف په فرمايش په تکره انځور گرته د نقاشي او سينگار لپاره ورکوي کيده، انځور د صحاف د فرمايش او غوښتنې سره سم ياد انځورگر د خپلې هيلې سره سم د کتاب پوښ ته ښکلا او سينگار ورکاوه د سينگار البته رنگارنگ سينگار و چې په دې پوښو کېبې خورا ډير پرمختگ ليدل کيده. په دې برخه په هرات کېبې هنري تخصص پوښونځي د پايستغفر ميرزا تر لارښوونې موجوده چې د کتابو د صحافې په پوښو کېبې راز، راز تصويرونه د لاسي سيمه ايزه ماشينو اوزارو په مرسته جوړ شوي وه، په هر صورت په مجبوري ډول د تيموريانو د عصر د صحافې کار وټول پوښونځي دننه د کتابونو صحافې بې په ډير ساده شکل کار کېبې حتی د کتابو اوليکل شوي نسخو دننه ډير زيات نفيس، لطيف اربسک ډوله هنر کار شوي او د کتابو ځنډې يا حاشيې او کنجونه درنگ پرځای د زرو څخه کار اخيستل شويدي، او د شاعرو په کتابو کېبې چې په لاس ليکل شويدي د کتاب مينځ کېبې هغه شاعران د ښه شعرو يلوله کبله دوخت د پاچاله خوا د مدالو په اخيستلو بريالي شوي وه.

د مدالو ډول د تکره او نوسپالي انځور گر له خوا رسم شويدي، د کتابو د بهرني اړخ ياد کتابو پوښونه د تکره انځور گرانو او هنر مندانو له خوا د سرغانو حيواناتو او طبيعي مناظرو راز، راز اشکالو باندې سينگار شوي او د ځينې کتابو پوښونه داسې صحافې شويدي چې پوښونه داوژدو فلزي مهر و په واسطه فشارها ټکو لو په مرسته ښکلي شويدي چې د مهر و منځ ته وتلي او نوري برخې د کتابو د پوښ د پاسه د تکره انځور گرانو له خوا په ډير وقت او زيار سره د زرو په مرسته ښکلي کېبې شوي، معمولاً د کتابو پوښونه ډيري، ښاماران غرغې، زبريان سرغان او دانسانانو منظرې لري چې دغه ډول ښکلي آثار چې راز، راز منظرې او غيرې لري لاس په لاس نسل په نسل تر اوسه صحيح پاتې شويدي چې دغه ډول آثار د هرات د نقاشي شوي آثارو سره ورته والي لري او دغه شان ورته والي د هرات نقاشي

شوی آثار و سره پوره شبا هت لری او یو شان دی (دگروب) گری و فست کرفت لیکنه) حقیقتاً داسی معلوم سیری چه هرات ددغه ډول کتابو د پو بن جوړولو له پلوه لوی سرگز بلل شویدی (اگلا او گلو). په هر صورت حقیقت داده چه بایسنغر میرزا د کتاب د پو بن جوړولو په برخه کښی د تبریز په ښار کښی ډیر تکړه او پوه استاد د درلود چه هغه استاد قوام الدین نو سیده او بایسنغرنو سوری استاد و کتاب د پو بنولو لپاره هرات ته راوباله ترڅو د هرات په ښار کښی د کتاب پو بنولو کارخانه پرانیزی او د کتابو د پو بنولو هنر، تخنیک او انځورگری ددی هنر خوښوونکو ته زده کړه ورکړی، د پورتنی بحث څخه معلوم سیری چه استاد قوام الدین د تبریز په ښار کښی د کتاب پو بنولو او انځورگری لو په کارخانه درلوده چه له بده سرغه سوژد دی کارخانی د خصوصیاتو په هکله هیڅ نه پوهیږو له بلی خو ادا مقایسی له پلوه سوژد شیراز د ښار د کتاب پو بنولو د کارخانی او دهغه د انځورگری په هکله خورا ښه معلومات لرو څرنگه چه د شیراز د ښار انځورگرانو د کتاب د پو بنونکی او ښایسته نمونی ز سوژلاس ته راغلی چه دغه ښکلی پوښ د ځینی لاس لیکنو پوښونه دی چی د پو بن اصلی نمونی (ساکسیان) څخه پیدا شویدی. له دی څخه داسی معلوم سیری چه په پخوانیو زمانو څخه د ایران د شیراز د ښار صحافان د کتابو په صحافی کښی زیاتره د اربسک دسبک او نمونو څخه کار اخیستل شویدی، د ایران د شیراز د ښار د صحافی د هغه قالبونمونی چه لاس ته راغلی دی څرگنده شوی چه د شیراز د صحافی کار او تخنیک د پخوانی صحافانو د صحافی کار او ډول څخه لږ څه پرمخ تللی صحافی ده چه البته د شیراز د صحافی د کار تاریخ د پنځلمسی پیړی په جریان کښی وه. ددغه عصر د صحافی نمونو څخه څرگنده شوه چه د کتابو پوښونه زیاتره د سرغانو او مدالو په نمونو ښکلی کړی شویدی چه البته د کتابو د پوښونو سوری سینگار په ژور ډول زړگوب شویدی چه خورا ډیر ښکلی شکل لری. د کتابو د پو بن نوموړی نمونی د تیموریانو د عصر لمړنی انځورگرانو له خوا پراختیا ورکړ شویده او وروسته دی ډول سبک ته دهغو انځورگرانو له خوا بدلون ورکړ شو مگوم چه هغو د ترگمن په ښار کښی د همدی پیړی په وروستی پړاو کښی کار کاوه.

د هرات د صحافی ډول او تخنیک د څیړلو وړه د اکار ډیر مفلی اوله ستونځو څخه

ډك ده. ځكه څرنگه چه په زياتره صحافيو كښي ډول ډول تخنيك چه تر اوسه پيژندل شوي كار شويدي. چه دهغو څخه يوازي دوه ډول صحافي نموني چه ډير په مهارت او هنري شكل زيار ايستل شوي چه د كتابو د پوښ دغه دوه ډول نموني ډير بڼايسته او با ارزښته دي چه بايد له هر پلوه وڅيړل شي چه له بده سر دغه صحافي نوموړي نموني د تر كمي په سوزيم او داستانونبول د اسلامي هنر په سوزيم كښي ايښودل شويدي چه يوله دغو نمونو څخه ځيني بي لاس ليكني لري چه د شاه رخ لپاره په ۱۳۳۸ كال كښي ليكل شوي (اكاو گلو ليكنه ۱۱۱ مخ). او صحافي نمونه هم لاس ليكني لري چه د دي صحافي لاس ليكني د سلطان حسين بايقرا لپاره په ۱۳۳۸ كال كښي ليكل شويدي (اكاو گلو ليكنه نهم او دولسم فصل).

د نوموړي كتابو د پوښو صحافي كار او سبك دورته والي له پلوه بايد وڅيړل شي او دغه دوه نموني د څارويو په منظر و په طلايي يازرين تخنيك سره ښكلي كړي شويدي چه د صحافي دواړه ډولونه ډير حيرانوونكي گاردي ليدونكي د دي كار د نمونو په ليدلو سره داسي فكر كوي چه د څارويو او مرغانو اصلي شكل دي چه يوله دي نمونو څخه د هيلي هغه څيره ده چه دو ريڅ د پاسه الوتنه كوي يادبيزو و څيره چه په گلانو كښي گرځي او داسي نوري ښكلي څيري چه په خاص شكل د انځور كړي په تخنيك او مهارت سره كار شوي چه په رښتيا سره د دي عصر د انځور كړي مهارت او استادۍ څرگندوي. دهرات د هنري ښوونځي دوروستي كار و نو سبك اصلي تخنيك دي چه تر هغه وخت پوري كار شوي چه د نوموړي ښوونځي وروستي آثار خورا با ارزښته او ښكلي آثار دي چه تر اوسه سوژميراث پاتي دي چه هغه آثار د كلاسيك آثار و له ډلي څخه شميرل كيږي چه دهرات د ښوونځي د هغه عصر دوروستي پيړۍ محصول دي، همدارنگه دهرات د هنري ښوونځي د لمړي وختو ځيني اصلي آثار چه تقريباً نوي پاتي دي موندل شويدي. د ځيني كتابو د پوښو نو بهرني يا بيروني مخونه په طلايي رنگ د تور رنگ د پاسه ښكلي كړي شوي دي په دي مفهوم چه د كتابو پوښونه تور رنگ شوي او د تور رنگ په زرين رنگ سينگار شويدي چه ډير ښه شكل يي غوره كړيدي چه دغه ډول تخنيك او سبك د تيموريانو د هنري ښوونځي د لمړني پيړۍ محصول بلل شويدي د دي ډول تخنيك څخه نه يوازي د كتابو په پوښ كښي استفا ده شو يده بلكه په نور و هنري كارو كښي په هرات او د اسلام په نړۍ كښي مروج او معمول وه كار شويدي. د دغه ډول د كتابو پوښ جوړونه د سلطان حسين بايقرا ته نسبت وركړ شويدي ځكه هغه د ډير و ښكلي آثارو د جوړوني مشوق وه، چه په دي هكله د پاپ له خوا په ۱۹۳۹ او ۱۹۶۹ كال د برلنگتون

دمجلی په ۱۹۳۹مخ کښې ځواب ورکړ شوی دی. سر پیره، په دې باره کښې ددا تین هوسمین لیکنه) همدارنگه دهرات د کتابو دپوښ په هکله (اگا او گلو) لیکنې کړې دي چه دلیکنې د امریکایي دانستیتوت په مجله کښې چه د فارسی هنراو لرغون پیژندنې لپاره اختصاص ورکړ شوی خپره شویده څلورمه گڼه ۱۹۳۵ کال ۱۶۶-۱۶۷ مخونه. په همدې شان ددایمندلیکنه چه امریکایي دهنر په مجله کښې په ۱۹۳۵ کال ۷۶۶ مخ کښې خپره شویده، چه په دې هکل حورابنه رنا اچوی .

یوه بله په زړه پورې او با ارزښته تبصره دیوه اثر په هکله ده چه د اډول اثر د جورونې، دیزاین او تخنیک له پلوه ساری نه لری او د اډول اثر تر اوسه نده لیدل شوی هغه داچه په پوه ورپښمین توکر باندې زرین خامک دوزی شوی دی او په یوه ښکلی کڅوړه یا یو ښ کښې اچول شوی دی دا توکر ځینی لیکنې لری اوله بده سر غه په دې توکر باندې دهغه د جورونې تاریخ نه دی لیکل شوی موژ د جورونې او تخنیک له پلوه ویلی شو چه نو پورې بار ارزښته ورپښمین توکر دهرات د هنری ښوونځي محصول دی چه تقریباً تاریخ یی ۱۵۰۰ کال متا کلی شو.

دهرات د دې عصر دهغو آثارو له مخې چه لاس ته راغلی دی دهغو څخه داسی نتیجه اخلکو چه له یوې خوا هغه ډول آثار چه د انسان، حیوان او دمرغانو څیری لری پیری دی که لږ ددبا پیدو وایو چه د اډول آثار په هرات کښې پخوا هم پیره او له بلی خوا د دې پیری ځانگړی او تخاض هنری آثار چه په دې سیمه کښې جوړ شوی دی پیر ښکلی دیزاین لری. د کتابو هغه ښکلی پوښونه چه د ایران دشیراز په ښار کښې جوړ شوی دی دهغو دیزاین او ښکلا دیزاین او خلاصه دی. یعنی پیر ښکلا او ښایست نه لری یوازی ساده گلان لری او په ځینو لږو پوښونو کښې کله، کله لږ څیری لیدل کیږی. مگر یوازی د ایران دولایاتو په ځینو مرکزو د کتابو په پوښ کښې گه دیزاین لیدل کیږی. د تخنیک له پلوه د تیمور یانو د عصر صحافی د پخوانیو دورو د صحافی په پرتله پیر پر مختگ کړی وه، چه په عمومی توگه د تیمور یانو د عصر په صحافی کښې ځینی نوی تخنیک شته چه په وروستیو مرحله کښې د اډول تخنیک اوسپک نه دی لیدل شوی د تیمور یانو د عصر هنر زیاتره د صحافی په برخه کښې پیر پر مختگ کړی دی ځکه د تیمور یانو د عصر د هنر قالبونه، رنگونه او د جورونې مواد د نوو رو دورو

موادوسره اودڅير و جوړونې ، پرمختيا اوزر: كوب ډير ژور توپير لري . دآثارو جوړونې هغه قالبونه چه دڅرمنې څخه جوړ شوي په پنځلسمه پيړۍ كښې مينځ ته راغلي اوموجوده وه يودله لرغون پوهان وايي چه دڅرمنو قالبونه په دو لسمه پيړۍ كښې هم موجود وه. پخواله دي چه دڅرمنې قالب مينځ ته راشي ډيرين قالبونه موجود وه چه دهغوڅخه استفاده كيده . دآس دڅرمنې زين چه دهغه وخت څخه پاتي شوي اولاس ته راغلي چه په ښه ښايسته شكل جوړ شوي چه اوس دبوستون په موزيم كښې ايښودل شوي دبالتي مور نندارتون دي وليدل شي . نمر اثر چه نورموي اثر دپنځلسمې پيړۍ اثر اومحصول دي دتيموريانو دعصر خورا ښه آثار دي چه په ډير زيار سره جوړ شوي دي ، زرین او طلايي خامك دوزي چه په وريښمين تو كبر باندي تر سره شوي هغه يولور با ارزښته هنر تخنيك اوسبك بلل شوي چه تر اوسه دا ډول اثر نه دي ليدل شوي اوساري نه لري دنوموړي زرین خامك دوزي په هكله ډېو هانو له خوا ډيري څيړني شوي دي چه دهغو دڅير نو نتيجه په بيلو بيلو څيړنو كښې خپاره شوي دي اود هغو څخه پورته يادونه وشوه . لنه داچه دتيموريانو دعصر دآثارو نموني په شپاړ سمه پيړۍ كښې داوتمن دصحا فانو لپاره ښه الهام وه يعني داچه داوتمن دعصر صحافانو په شپاړ سمه پيړۍ كښې دتيموريانو دعصر دصحافو څخه الهام اخيستي دي .

شپږم ډلر څو آثار:

دتيموريانو دعصر هنري كارونه دلرگو پرمخ زياتره په معماري او تزكائې كارو كښې تر سره شوي دي . همدارنگه دتيموريانو په دوره كښې ديوه جومات په هغو سامانو چه دلرگيو څخه سمبال شوي لكه چوكي ، الماري ، ميز ، دروازي اونوروشيانو باندي ښكلا او تزئينات تر سره شوي دي . دتيموريانو دزمانې څخه موژ دجومات دلرگو ښكلي تزئيني آثار لاس ته نه دي راغلي اويوازي كوچيني ښكلي سينگار شوي آثار ډير لږ لاس ته راغلي دي . ددي كوچني آثاروله ډلي څخه يو كوچني بك ، چه ډير داهميت وراوخورا ښكلي سينگار لري لاس ته راغلي ، دنوموړي بكس مخ په ډول ډول گلانو په خاص مهارت او ظرافت سره هم اربسك كار هم شوي دي ليدل كيږي په دي بكس باندي دښامار څيره شته اودالغ بيك نوم هم په دي بكس كښې ليدل كيږي چه اوس نوموړي ښكلي اثر داستانبول

دتوپ کاپی سرای په موزیم کښی دښو نی لپاره ایښودل شوی. چه له بده مرغه دی بار زښته اثر په هکله دلرغون پوهانو له خوا هیڅ ډول څېړنی او څېړونی نه دی ترسره شوی، که چیری دلرغودغه کوچنی اثر چه ډیر ظریف او ښکلی جوړ شوی په څیر سره تر ژوری څېړنی لاندی ونیسوداسی جوتته گیری چه نوموړی اثر دجوړونی سبک او تخنیک له پلوه بی ساری دی دغه کوچنی اثر موژ ته داسی مفکوره را په برخه کوی چه نوموړی بکس د تیمور یا نو د فرهنگ څخه نماینده گی کوی خوله بده مرغه دغه ښکلی او بار زښته اثر چه اوس زموژ په لاس کښی نشته او دایوه لویه ضایعه بلل کیږی. ددغه ښکلی اثر تر اشل یاسینگار ډیر په زړه پوری اثر بلل شوی او دجوړونی له پلوه د څېړنی او مقایسی وړ ده حال دا چه دا اثر دجوړونی سبک، تخنیک او ایکنوگرافی له قطعی نظره دارزښت وړ دی او دا اثر دانغورگری او دیزاین له پلوه دهرات دپنځلمسی پیری دلمړی وختو دصحافی له دیزاین سره ورته والی او شباهت لری.

دلرگیو هغه ښکلی او دارزښت وړ آثار چه دپنځلمسی پیری څخه لاس ته راغلی دی دهنو په ډکله زیاتی لیکنی او څیړونی شوی چه دهنو په باره په یوه ایکی مجله کښی زیاتی څېړونی شوی ددی برخی لرغون پوهانو له خوا ترسره شوی دی دهمدارنگه دلرگیو هغه سینگار شوی آثار چه تاریخ لری او دما پوره نر خوبونکی له خوا په یوه لست کښی لیکل شوی زیات دی.

مگر د نوموړی پوه لست شوی آثارو څخه ډیر لږ آثار خپاره شوی دی. دنوموړی لست جوړولو هغه زیات شمیر لرغون پوهان مننه کوی ځکه نوموړی لست د څیړونکو لپاره ډیره مرسته کوی او دهنو لپاره خوراښه مناسب او با ارزښته اسناد بلل شوی او دنور و آثارو په هکله داسی لوی خدمت نه دی ترسره شوی او یا د هغه لپاره امکانات موجود نه وه یا څیړمکن کار وه. ددی ډول آثارو او موادو ټولونه او دهنو له ډلی څخه دښکلی آثارو څېړونه چه ډیر بار زښته آثار دی په دی نژدی راتلونکی وختو کښی دتیمور یانو د عصر دلرگیو ښکاره آثارو له ډلی څخه دی خپاره شی چه دا به د تیمور یانو د عصر رتزیایی آثارو میراث وی.

هغه آثارچه تاریخ او ځینی نښی نښا نی لری د تیمور یانود عصر دلمړنی پر او څخه د شپاړسمی پیری ترلمړی وختو پوری یادداشت شویدی ما'په دی آثارو کښی زیات شمیر هغه آثار دی چه په یوه کارخانه کښی څو ډوله هنری آثار جوړ شویدی چه امکان لری دغه آثار دیوه یاز یاد هنرمندانو او انځورگرانو د لاسو محصول وی چه په اوژده موده کښی ترسره شوی چه له نیکه مرغه دغه ډول آثار له یوی مخصوصی مانی څخه لاسته راغلی دی چه ددی هنر د شکل او دیزاین دوام ښی.

ددی دوری پیر بارزښته او مهم آثارچه له تر کستان او سمرقند څخه موندل شویدی لکه دا حمدیسوی د جومات دروازی چه دهغو تاریخ ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷ کلومینځ کښی اټکل شویدی، د شاه زنده د جومات ټکلی سینگار شوی دروازی، د خواجه عباس مسلم د قبر دروازه، د تیمور یانود عصر د مسلم د جومات دروازی او د الخ بیګ د مدرسې دروازی او الماری چه تاریخ یی ۱۳۱۷ کال اټکل شویدی. همدارنگه د لرگو ځینی هنری کارونه چه د ایران څخه لاسته راغلی دی دیاد ولوړ آثار دی. لکه د لرگو ټکلی سینگار شوی او منقش شوی دروازی او یو شمیر نور بارزښته آثار چه ددی عصر دی (د اصفهان، امام زاده اسماعیل، ۱۴۰۹ کال د برلین موزیم ۱۴۲۳، سیکانبر ۱۴۳۱ څخه موندل شویدی. په همدی شان د لرگو زیات شمیر هنری آثارچه په پیر خاص سهارت او زیار سره جوړ شوی چه د پنځلسمی پیری له لمړی وختو څخه او د شپاړسمی پیری تر پیل پوری اټکل شوی اوددی وخت آثار په امام زاده ابراهیم ابوجواب او دهغه د گاونډی په یوه ودانی دهاشادیسار په نامه (څو دروازی او کتیبی چه دهغو تاریخ ۱۳۳۷، ۱۴۵۴، ۱۴۸۸، ۱۴۹۹ نه تر ۱۵۰۰ او ۱۵۰۵ نه تر ۱۵۰۶ کلومینځ کښی دی چه دمایر له خوا ثبت او په نښه شویدی). یوله نوموړی آثارو څخه پیر ټکلی او بارزښته اثر دی چه په نوموړی عصر پوری اړه لری هغه د تاج ملک الدین قاسم چه دامام موسی الکاظم زوی دی په ۱۴۷۳ دمازندران په ښار کښی جوړ شویدی. یو شمیر زیات سیمه ایز ټکله آثارچه په مقایسوی ډول دهغو نمونی ساتل شوی دهغو څخه یوازی په بخارا کښی د سیف الدین بخارزی د گمنام سر باز لوی قبر دی چه دهغی دروازی او الماری دی چه دهغه تاریخ د څوارلسمی پیری وروستی پر او اټکل شویدی (د نیک لیکنه نهم او یوولسم شکل).

هغه آثار چه تر اوسه خپاره شوي يا هغه آثار چه تر اوسه زما لاس ته راغلي په مجموع کښي د تیمور يانو د عصر څخه دلرگو په مخ کيندل شوي آثار يوازي دوه ډوله ثابت شويدي. لمړي دلرگو هغه ډول آثار دي چه د آثارو مخ ډير مغلق پيچلي ښکلي سينگار لري دابايد هم له ياده ونه باسو چه دغه ډول د لرگو آثار داربک په سبک ښکلي کړي شوي دلرگو د آثارو د لمړي ډول ښکلي اوتزئينات په دي علت مغلق دي چه څو ډول گلان يود بل په سرداسي کيندل شوي چه مخيني برخي يي روښانه او مخيني برخي يي تياره او نه پيژندو نکي ځکه جوړ شوي چه د آثارو مخيني ځايونه ډير ژور کيندل شوي. دغه ډول دلرگو آثار د جوړوني څخه داسي جوته شوه دلرگو د آثارو نوموړي ډول جوړونه څوارلسمي پيري دلرگو د هنر څخه اخيستل شوي چه د ډول آثار د نيويارک د موزيم دلرگو آثارو په شان دي. د نيويارک ۱۳۶۶ کال خپرونه دلرگو نوموړي آثار د يوه اصفهاني هنرمند له خوا په ۱۳۶۰ کال کښي جوړ شويدي، پرته د شک څخه د دي ډول د آثارو پر مخک، وده اوچه د سينگار ورته والي ډير باکران د وداني د پلستر مخ له آثارو سره شبا هت لري (ولبر، دايران داسلامی دوری د معماري هنر پر ناستون ۱۹۵۵ کال ۲۹-۳۰ شکلونه) او د اشتراجان آثار چه دايران داسلامي دوری د معماري هنر ۱۹۵۵ کال ۹۰ شکل دي چه دغه (دواړه پير باکران او اشتراجان) سيمي دايران د اصفهان بنا رته نژدي دي، چه له بده مرغه دلرگو لمړي ډول آثار ډير اړلاس ته راغلي دي. د لمړي ډول آثارو دوهمه درجه هغه آثار دي چه په څوارلسمه پيري په ترکستان په ښکلي شکل په لرگو ياندي جوړ شوي لکه نسيف الدين د قبرو د روازي تزئينات او کنده کاري چه د بخارا د بخارزي کښي جوړ شويدي (دنيک ليکنه نهم او يوولسم شکلونه) دغه سبک يعنې د لرگو د لمړي ډول دوهمه درجه آثار د ډير پخوا وختو راپدي خوا جوړيدل چه دغه ډول آثار پخوا د تیمور يانو د عصر آثار بلل شوي (د شاه زنده د جومات دروازي هنر او سينگار ته دي مراجعه وشي چه ساري نه لري چه دا د تیمور يانو د عصر د هنر نمونه ده) د (دنيک ليکنه دولسم شکل)، چه دغه ډول هنر جوړونه د هغه انځورگرانو اومنو نکوله خوا د پنځلسمي پيري تر نيمايي پوري دوام درلود او وروسته له دي وخت څخه له سينځه ولاړ امکان لري چه د هغه انځورگران له سينځه تللي وي يا هغه مخاي څخه کوم بل مخاي ته لږ دولي وي.

دلرگودو هم ډول د آثارو نمونې او مودل پخوا د تيمور يانو د عصر څخه هم موجود وو او د دغه ډول د آثارو نمونې به لرگو او دود انبويه پلستراونيو گچ کارې باندې ايستل شوي او کيندل شويدي چه مثال يې د ايران دخا نيد ديوولسم لمبر ودانې کېښي ليدلې شو (دېستم ليکنه ۳۷-۳۸ شکلونه). په عمومي توگه د تيمور يانو د عصر د دوهم گروپ آثارو جوړونه دلېمې ډول آثارو سره توپير لري چه البته دهغه توپير دلرگو دمخې تزئينات دي چه ځيني يې دار بسک په بسک دي او د جوړونې ډول يې لنډ دي او ځيني په نورو گلانو او د انځورگرانويه ذوق او شوق سره يوشان جوړ شوي. دا آثار داسې جوړ شوي چه خورا ډير ښکلي معلومېږي او ځيني آثار ديوي لويي څنور گوښه يې لرگي د پاسه ډير ښکلي تزئين شوي دي دلته دلرگود آثارو درنگ څخه داسې معلومېږي، او رنگ د آثارو په مخ وروسته کيندل او تراشل کېدو څخه موشل شوي چه عادي رنگ د آثارو له مخې د زمانې په تيريد ويا داستعمال په اثر له ميتخه تللي دي په ځينو آثارو باندې درنگ ځيني نښې نښانې ليدل شويدي يوازي ځينو آثارو باندې يې رنگ د پوخ والي ياد رنگ د اصل توب له کبله تر اوسه پاتې شويدي.

دلرگودو هم ډول آثار په پوره او مکمل ډول د تيمور يانو د عصر په لمړي وختو کې ډير پرمختگ کړي وه چه ددې وخت آثار او شواهد د احمد يسوي د جومات کې کي، دروازي ښکلا او کنده کارې د يادولو وړ دي (د نیک ليکنه ۳۱ شکل) يادانگ بيک د مدرسي دروازه (د نیک ليکنه ۳۱ شکل). دنو موړي آثارو د جوړونې څخه معلومېږي چه ددې دورې د آثارو ذوق او سليقي له پلوه دارزښت وړآرادي او په سيمه کېښي تر اوسه ساري نه لري چه په دې ښکلي ذوق سره جوړ شوي او د پخوا نيو خلکو څخه موژته ميراث پاتې شوي چه دې ډول د هنر روزونکي دستايني وړدي .

دلرگودريم ډول آثار په عمومي توگي ډير زيات نه دي بلکه په شمير کېښي لږ دي، ددې ډول آثارو نمونې هم لږ دي يوازي څو دروازي او نور آثار لاس ته راغلي دي چه د دروازو سينگار او جوړونه گه جوړونه ده اوله دوه پخوانيو بسک او روش څخه استفاده کيده دنو موړي دروازو په مخ باندې د ښه ماهر او تکړه انځورگر له خوا ډير کوچني ښکلي کړي شوي چي ددې دروازو ښکلا د مدالو او غيرو په شکل چه ډير ژور کيندل شوي چه په ځينو

کبني بي دگلانو اشکال چه په ډير مهارت سره دلرگو په مخ کيندل شوي ليدل کيږي د نوموړي دروازو څخه ديوي دروازي منځني تخته همواره ده چه دهغه په مخ باندي دار بسک سبک کارشوي چه دهغه بڼه مثال دافوشته دجومات دروازي چه ناتا نرگو دارته نژدي اود ايران په اتار کبني موقعيت لري ليدل شوي دي ۱۹۳۶ کال ۱۰۲-۱۰۶ مخونه، چه دهغه دروازي دجوړوني تاريخ ۱۳۲۷-۱۳۲۸ کال اټکل شويدي.

يوه اندازه کوچيني آثار چه په مخ باندي بي هندسي تزئينات ليدل شوي چه ډير کمياب او نازک دي په عمومي ډول دغه شان جوړوني دلرگو دوهم ډول گروپ پوري اړه لري او دشان آثار تر اوسه ډير بڼه ساتل شويدي لکه دگنم م سرتيري تاريخي اوستر منار چه دهغه برجسته مثال دشوروي اتحاد په مرکزي آسيا کبني دگنم م سرتيري ستر تاريخي مناردي ۱۳۷۲ کال او هم ددروازو په برخه کبني ويالي شو چه ددي دورې لځيني بڼکلي دروازي چه په ۱۳۶۶ کال کبني جوړ شوي اوس دنيو يارک په موزيم کبني ايښودل شوي (ددايمند لکنه ۱۹۳۶ کال ۷۹ مخ ۳۱ فصل). دتيموريانو دزمانې په آثارو کبني ډير بڼه ماهردي زرين او بک ليدل کيږي لکه دتيموريانو دزمانې ددروازو دچوکات منځ کبني يوه اوژده

تخته اوده کوچيني مربع شکله تختي چه يوه دروازي د منځني لويې تختې دپاسه اوبله لاندي جوړي شويدي، چه داده کوچيني ويوه لويه دلرگو تخته په يوه کوچني نړي چوکاتو کبني کار شويدي، معمولاً ددي دورې ددروازو په پاسيني تخته کبني تاريخي ليکي پاکتيبي لري چه داکتيبي بڼه يوه او تکړه هنرمند او انځورگر له خوالیکل شويدي چه دا آثار دنور آثارو په پرتله ډير بڼکلي او بارز بڼته آثار گڼل شويدي، ددي دروازو دکتیو ليکني په يوه مجموعه کبني نقل شويدي. په همدې وخت او عصر کبني داصلي او بارز بڼته دروازو چوکاتونه نه دي تزين شوي او ياکه تزين شوي هم دي په ډير ساده شکل بڼکلي کړي شوي چه مثال اونمونه بي داحمديسوي دجومات دروازه ده (دنيک ليکنه ۱۳ شکل او ددي ليکونکي ليکنه ۱۱ فصل ۲ شکل). همدارنگه ددروازو منځني اوژده مستطيل ډوله تخته دپورتنې اولاندي تختې څخه دنړي بڼکلي لرگي په واسطه جلا شويدي چه دا ډول جوړونه موژدايران دافوشته دجومات په دروازه کبني ليدلي شو ۱۹۳۶ کال ۱۰۳ او ۱۰۵ مخونه. همدا رنگه دقاسم بن اباسين شاه زنده دقبر دروازه ده چه خورا

د دروازو په پیره بڼکلی جوړه شویده (پوگاچنیکو او اوریمپل لیکنه ۷ مخ). ددی زمانې د دروازو په لاندل تخته کېښی کچینی کوچنی تزئینات لیدل شویدی. د تیمور یانو د زمانې د لرگو د آثارو دوهم ډول سبک په عمومي توګه د ټولو دروازو مخ په بڼکلی سینګار شوی دی. د دروازی منځنی برخه څرنگه چه ولیدل شو په ژور کیندل شوی، حتی د دروازو د منځنی برخې تزئینات او غیر تزئیناتې برخو سره توپیر لری د کچینی دروازو چوکاتونو ساده دی او هغه چوکاتونه چه سینګار شوی په عادی او ساده سینګار لری، یوازی د دروازو چوکاتونه په یوه ژوره کرښه باندی بڼکلی شوی چه هندسی شکلونه لری، په هر حال د دروازو پاتې برخې په مساوی ډول دار بسک په ساده او عادی سبک کېښی شویدی لکه د (قند دروازو چه اوس د نیویارک په موزیم کېښی ایښودل شویده). هغه ډول آثار چه د لرگو څخه جوړ شوی زیاتره میز، چوکې او الماری دی چه د تیمور یانو د زمانې د انځورګرانو. په لار ښونه رنگ کړی شوی د نوموړی آثار و درنگ آمیزی ډولونه او نمونې پرته د شک څخه ژور و څیړل شی نو ځکه زموږ څیړنه په دی برخه یاپه دی هنر کېښی لوړ پوړی زیاتره د تیمور یانو د زمانې، زمامدار له خوا د پارسم چه په تخت ناست دی او هغه وروسته د تحفی په څیړ ور کړی شوه. دهغه درنگ آمیزی او هنر سبک د څیړ لوړو ده ځکه نوموړی تخت په بڼکلی هندسی گانو چه د لرګی او عاج راز، راز رنگونه نری بڼکلی کړی شویدی (ا نا رلیکنه په ۱۳۸۳ کال په نیویارک کېښی خپور شویدی) همدارنگه د همدی لیکونکی لیکنه ۱۹۶۷ کال ۳۱۹ مخ دارنولد څیړنه ۱۳۹۵ کال ۶۸۱ لمبر اثراتم مخ). همدارنگه بل ډول تخنیک په یوه پرمخ تللی اثر کېښی چه په همدی عصر کېښی جوړ شوی لیدل کیږی په هر حال ددی مخ تللی سبک نمونه د گورامیر د دروازو تخنیک او جوړونه ده چه ددی دروازو جوړونه په ۱۳۶۸-۱۳۶۹ او ۱۳۷۰ کلو کېښی ترسره شویدی. (پای)

برگی از تاریخ

هزات در متون باستانی

تاریخ بیهقی کتاب معروفی است از خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر سلطان محمود غزنوی و پسرش سلطان مسعود که نگارش آن در سال ۴۳۸ هـ ق آغاز شده و وقایع چهل و دو سال را از ۴۰۹ تا ۴۵۱ درسی جلد ضبط کرده است. نثر عالی این کتاب که از متون معتبر تاریخ قرن پنجم بشمار میرود سبک و اقعه نویسی و دبیری آن عصر را روشن میسازد. اینک برگی از آن را به ارمنان میگیریم:

«از خواجه عبدالله انصاری منقول است که: مهسگرف گفت که: دو سال پیش از این، سبکتگین پدر سلطان محمود بهرات آمده، یکی از لشکریان وی از شخصی روستایی خروارگاهی

خرید و همه بهابدوداد ووی را بنواخت وگفت : چون گاه آوردی بسوی ما آور .
روستایی را پدری بود . نزد لشکری آمد و آغاز دوستی و صحبت کرد . اتفاقاً عرقله عید
قربان بود . روستایی گفت : امروز چه خوش روزی است که حاجیان حج می گزارند کاشکی
من نیز آنجا بودم . لشکری گفت : خواهی که ترا بدان جابرم ؟ بشرط آنکه با کس نگوئی .
گفت : نگویم . آن روزوی را بعرفات برد و باز آورد . روستایی گفت : عجب دارم که
با چنین حالی در میان لشکریان سپاشی .

گفت : اگر چون منی نباشد درین لشکر ، چون تو ضعیفی بیایدا دخااهد که دروی نگرد
و دادوی بستاند ؟ و اگر در غارت بزن جوانی رسندی را از دست ایشان که رهانند ؟
(تاریخ بیهقی ، جلد دوم ، طبع سال ۱۳۴۲ تهران ص ۶۶۴-۶۶۵)

* * *

تاریخ نامه هرات تالیف سیف بن محمد بن یعقوب اهروی در اوایل قرن
هفتم هجری از متون معروف تاریخی است . مؤلف این کتاب در سالهای ۷۱۸
تا ۷۲۱ نگاشته و واقعات عصر سلوکه کرت هرات را از سال ۶۴۳ تا ۷۲۱ پرشته
تحریر و آورده است که درینجا چند سطر از آنرا بر میگزینیم :

« چون شهور سنه تسع و تسعین و ستمائة (۶۹۹) در آمد درین سال ملک سر حوم فخرالدوله
والدین طاب ثراه بفرمود تا برج و بارو و خاکریز و بند خندق شهر هرات را عمارت کردند و
دیوار بارو را ببندد و دو برج هارا مقدار چهارده گز برافراشتند و از میان دیوار بارو و دیوار
فصیل شش گز خاک برداشت و بدان خاک - خاکریز را تند گردانید و بر هر درب -
بندی بزرگ بیست و تمانت رعایای هراة و اسفزار و غورو غرجستان و ازاب و هر اترو و
فوشنج و خره و کوسویه و با خرزرا بعمارت برج و بارو و خندق ماسور گردانید و در عهد
دولت خود شهر را چنان استوار گرداند که هیچ پادشاهی و شهری را برایش لشکرهای گران بمحاصره
او چشم درندیدند چه از هیچ طرف غیر دروازه ها اسکان درآمدن و مجال بیرون شدن
نبود چنانکه دقیقی گفته است در صفت بلندی و تندی او ، شعر :

چنان تند بردج و باروی او که پرند را ره نپسوی او

بعد از آن که بند و خندق معمور گشت و برج و بارو و فسیل و خاک ریز عمارت تمام گرفت و حصانت هر چه تمام تر یافت در پای حصار پیدانی ساخت پس بزرگ و با سم عیدگاه دیواری گرداگرد کشید و در پای حصار فیروزی خانقاه عالی سنقش بر آورد و فرمود که مسافران و عزیزان و ابنای سبیل که برسند درین خانقاه نزول کنند و هر هفته یک بار بخانقاه آسیدی و با درویشان صحبت داشتی و در باب ایشان احسان و تکریم بذل کردی و صحبت ایشان ترا غنیمت بزرگ شمردی

جهان سلطنت درویش دارد که از سلطان فرائت بیش دارد

و در پای حصار در اندرون شهر دو خندق عظیم بکند و فیل بندی بس بزرگ ساخت و عبدالله عاسر را بحال معموری باز آورد و در مقابل درب بر اسم مسجدی که معر و فست به مسجد تره فروشان آبادان کرد و با زاری در پای حصار ساخت و هر ماه هزار دینار با سم صدقه بدرویشان داد و هر زیستان هزار جبه بجهت ایتام و ضعفا و عورات درویش حال تعیین فرمود و بر حسب صدقه السر تظنی غضب الرب در رواح و صباح صدقه سرو بر سخفی رارعايت واجب شمرد و هر روز هزارین نان و ده سرگوسفند در آتش بار خود مصر و ف گردانید و در سزارات و مقابر چون کازرگاه و خیادوان و سرق و خواهه ابوالولید و خانچه باد و خواهه طاقی و خانقاه شیخ مجدالدین طالبه ختم قرآن فرمود و شب و روز فقر او مساکین : رین زیارتگاهها و مقاسهای بزرگوار نعمت او خوردندی و از صمیم دل و میان جان در دعا خیر ذات عالی صفات او گفتندی. (تاریخنامه هرات، طبع سال ۱۳۵۲، تهران، صفحه ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲)

گزارشگر هرات باستان

گزارش کار بار پروژه برابردار ابدات تاریخی هرات

دوربع چارم سال ۱۳۶۱

کارهای ترمیم، تزئین و بازسازی پروژه های داخل تپان سال ۱۳۶۱
آبدات تاریخی هرات در ربع چهارم سال گذشته نیز ادامه داشته و در قلعه باستانی اختیارالدین
و در آبدات نفیس از ارحضرت پیر هرات خواجه عبدالله انصاری (رح) و نیز در مسجد
جامع معروف شهر هرات برهنمایی فنی حاجی جمعه گل مهندس پروژه بین لمللی هرات
چنین اجرائتی به عمل آمده است.

پروژه قلعه اختیارالدین

۱. سنزل اول و دوم تعمیرات تاریخی سمت شمال قلعه پایانی اختیارالدین در سالهای

گذشته به اساس پلان فنی ترسیم و بازسازی شده بود اما در سه ماه اخیر سال پار، کار ساختمانی يك زینه پخته سی پله بی از سطح منزل دوم مذکور شروع گردیده و به انجام رسانده شد. این زینه به ارتفاع هشت متر باخشت پخته و مخلوط ریگ و چونه و سمنت به جای زینه خاصه قبلی بازسازی شده و دیوار دو جناح و سقف آن به طرز ایلی و ترانس ساخته و پوشیده شده است. با استفاده از این زینه به سهولت میتوان از بام منزل دوم، به منزل پنجم ارتفاعات قلعه و برج معروف تیموری برآمد و از تماشای عظمت و شکوه این قلعه تاریخی و مناظر زیبای شهر و جلگه هرات محظوظ شد.

۲- دیوارهای رویکار عمارات سمت شمال قلعه پایان در دو جناح، مدخل زینه فوق الذکر بطول پنجاه متر و ارتفاع هفت متر باخشت پخته کلان و ریگ و چونه و سمنت به سبک اصلی تاریخی آن بازسازی و تکمیل گردیده که با انجام آن، نظره تعمیرات شمال قلعه، با ایهت خاصی جلوه گر شده است.

۳- اتاق دروازه اتاق بزرگ تاریخی واقع منزل سوم شمال قلعه که در غرب زینه مذکور، موقعیت دارد بگونه اصلی آن مطابق تاقهای قدیم باخشت پخته کلان بازسازی گردیده است.

این اتاق باستانی که غالباً برای گدام ذخیره مواد ارتزاقی چون نان خشک و خوشه گندم و دیگر احتیاجات عمومی، در مواقع بحرانی و محاصره طولانی شهر هرات بغرض تأمین زندگی شهریان مورد استفاده قرار میگرفته دارای ده متر طول، بیش از چهار متر ارتفاع می باشد. سقف آن بطور کمائی و نیمه، دور پوشیده شده و از مهمترین آثار شگفت انگیز قلعه پایانی به شمار میرود.

۴- دیوار خارجی سمت جنوبی و سمت غربی قلعه پایانی بقا بل بازار و جاده عمومی دروازه سلک بامیه برج شامخ و برتفع آن که اصلاً از دای (پخسه) و خامه بود بهمان سبک اصلی و قدیمی تعمیر و روکش گردیده است. بدین ترتیب که اولاً تهداب آن حفر و به ارتفاع يك الی دو متر با مصالح مخلوط چونه و ریگ و سمنت سنگ کاری شد. و بعداً خشت کاری و پایه کاری روی آن ادامه یافته و تیر کش های تدافعی آن هم بصورت اصلی و تاریخی با باخشت پخته به ارتفاع دوازده متر و قسماً ده متر تکمیل شده است.

طول مجموعی این دیوار و برجهای که کابل‌ترسیم و بازسازی گردیده دو صد و پنجاه متر و ضخامت پایه‌های آن یک متر و هشتاد سانتی‌متری الی پنجاه سانتی‌متر می‌باشد.

تمام ساحات باز ساخته شده زینهارا و دیوارهای و یکار عمارات شمالی قلعه و نیز قسمتی از دیوار خارجی سمت جنوبی قلعه پس از پخته کاری، هنگی نیز شده است.

معیار تخنیکي کار:

متر مکعب	۳۱۱	۱- خشت کاری
»	۲۵	۲- سنگ کاری
»	۳۰۷	۳- کنده کاری
»	۱۷۸	۴- پر کاری
»	۳۰۰	۵- انتقال مواد فاضله و اضافی
»	۵۱۷	۶- خوازه بندی
متر مربع	۵۳۸	۷- هنگی کاری

۱۰۰ فیصدی پیشرفت کار:

الف) در ربع چارم سال ۱۳۶۲ (۲/۵) فیصد
ب) نظر به پلان عمومی (۸۱) فیصد.

پروژه گازرگانه شریف

۱- ایوان بزرگ شمالی داخل زیارت که تزئینات کاشی سقف و دو جناح آن افتاده و در ترمیمات قبلی بطور غیر فنی گچکاری شده بوده اینبار به سبک تزئینات اصلی دوره تیموریان هرات کاشی کاری شده است. تمام ساحه دو جناح شرقی و غربی ایوان مذکور باغ برسی متر می‌باشد. که کاشی کاری های قسمتی از آن ساحه در ربع اول سال ۱۳۶۲ نیز جریان دارد.

۲- جای کاشی های افتاده روی کار ایوانهای بزرگ شمالی و جنوبی داخل زیارت در ترمیمات سال های گذشته با گچ پلاستر شده بود اما این پلاسترها نیز بمزور زبان فرو پاشیده بود لذا در ربع اخیر سال پار، پلاسترهای فروریخته مذکور با مخلوط ریگ و چونه و سمنت

تجدید گردیده که بدینوسیله کاشی های باقیمانده و اصلی این ایوان نیز استحکام یافته است. ضمناً قسمتی از تزئینات سنگی سرسبزین و کاشی های لاجوردی تاریخی منصوب در پایزه داخلی دو ایوان مذکور بهرور زمان فرو پاشیده و از بین رفته بود لذا در این قسمت هانیزپلاسترکاری اساسی به عمل آمده است.

۳- گنجان رفیع رویکار ایوان بزرگ شفافی داخل زیارت که در ترمیم سالهای گذشته طور غیر فنی بسته شده و یک قسمت آن منهدم شده بود، درین ربع به سبک اصلی گمانهای دیگر ایوانهای بزرگ اطراف زیارت، قالب گیری و باخشت تراش و کاشی مجدداً بسته و تعمیر و تزئین گردیده است.

۴- صفت بزرگ قبور داخل ایوان شمالی که وضعی ناهموار و نامنظم داشت. باخشت پخته جدید بصورت سوج فرش گردیده و قبور و الواح قبور نیز بدرستی ترمیم و نصب شده است.

۵- خشت کاری های رواقها و دیوارهای خارجی ایوانهای جنوبی و شمالی زیارت که از عصر تیموریان و قرن نهم باقیمانده و ای هتگف نداشته درین ربع بصورت فنی هتگف کاری شده و با انجام آن تعمیرات مذکور استحکام و زیبایی خاصی یافته است.

۶- در باغ ساحه جنوبی و بیرونی زیارت که سال گذشته احداث و نهالستانی شده بود در برج حوت بیش از ۳۰ اصله نهال مشمر و غیر مشمر و درخت های زینتی چون ناجو و سرو و توت و بوته گل های مختلف غرس گردیده است.

معیار تکنیکی کار:

۱- کاشی کاری	۱۰	تر ربع
۲- پلاستر کاری	۲۲۰	//
۳- هتگف کاری	۵۰۰	//
۴- ترمیم کاری خشت	۱۰	//
۵- تراش کاری سقف	۴۰	//
۶- پاک کاری	۱۰۰	//

۷- انتقالی سواد فاضله و اضافی

متره کعب

۱۵

فیصدی پیشرفت کار:

الف) در ربع چارم سال ۱۳۶۱ (۲/۵) فیصد.

ب) نظریه پلان عمومی (۱۰۱) فیصد

پروژه مسجد جامع شریف:

۱- کار خشت فرش، دو غاب ریزی و هنگف کاری تحت شستا نهایی سمت جنوبی رواق بزرگ مقصوره مسجد جامع بعد از پرکاری و برابر سازی سطح آن مطابق به سایر حصص مسجد، پایان رسیده است.

۲- سقف رواق بزرگ و رفیع مقصوره که قدامت هشتصد ساله داشته و از عصر غوریان باقیمانده ولی گچ کاری آن بعضاً پاشیده و به اثر نفوذ رطوبت و بارندگی از بین رفته بود بصورت فنی تراش و مجدد آبار یک و چونه و سمنت پلاستر شده است.

همچنان بعض قسمت های دیوارهای دو جناح داخلی رواق مقصوره که در زو شکست گرده بود گچ آن تراشیده و طور اساسی پلاستر کاری گردیده. در حین تراش گچکارهای بهم ریخته آن، قسمتی از نقوش و کتیبه های خطوط معقلی و گوفی گنگ و تزئینات اصلی عهد سلطان غیاث الدین غوری، باقی مسجد جامع (در سال ۱۰۹۷ ه.ق) کشف گردید. این آثار نفیس و گرانبهای بی نظیر که در همان محل بصورت اصلی و اساسی محفوظ ساخته شده چنانکه صنعت تاریخی نقاشی و تزئینی جدارهای مسجد را نمایندگی میکند، قدامت هشتصد ساله تعمیر رواق مقصوره را نیز مبرهن می سازد.

بدون شک این اکتشاف از نظر تاریخی ارزش والای داشته و در خور تحقیق همه جانبه عملی است.

۳- سطح رواق بزرگ مقصوره که در سابق گچ کاری شده بود ولی بر و زمان اکثر آن فرسوده و پاشیده شده بود درین ربع با خست پخته بزرگ بصورت فنی و مواز و فرش و دو غاب ریزی و هنگف شده است. این رواق بزرگ و شکوهمند و با قدامت که ترمیمات سقف و فرش آن تکمیل گردیده دارای سی متر طول، دوازده متر عرض، هژده متر ارتفاع می باشد.

۴- حصص گچ های پاشیده ایوان جناح شمالی رواق مقصوره نیز بصورت فنی پلاستر

کاری شده است.

۵ - کتیبه های کاشی فروریخته حواشی ایوان شرقی مسجد جامع که بختوی قسمتی از مثنوی حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی بوده مجدداً بخط استا دهمدعلی عطار خطاط معروف پروژۀ بین المللی هرات بر روی کاشی رنگین به سبک اصلی آن نگاشته و نصب گردیده است.
معیار تخنیکي کار:

۱ - خشت فرش	۱۵۶۷	متر مربع
۲ - هنکف کاری	۶۵	//
۳ - دوغاب ریزی	۶۰۰	//
۴ - پلاستر کاری	۱۷۸	//
۵ - آستر کاری	۸۰	//
۶ - تراش کاری	۱۵۸	//
۷ - کاشی معرق و هفت رنگی	۱۰	//
۸ - ترمیم کازی	۵۰	//
۹ - پر کاری	۱۱۸	متر مکعب
۱۰ - خوازه بندی	۱۰۰۰	//

فیصدی پیشرفت کار:

الف) در ربع چارم سال ۱۳۶۱ (۲/۵) فیصد.

ب) نظر به پلان عمومی (۹۳) فیصد.

در ربع اول سال ۱۳۶۲

اسر ترمیم و بازسازی پروژۀ های مربوط آب و تار یخی هرات در داخل پلان سال ۱۳۶۲ در ربع اول سال آغاز گردیده این پروژۀ ها عبارت است از ادامه کار بازسازی قلعه باستانی اختیارالدین، ترمیم و تزئین مزار حضرت خواجه عبداللہ انصاری پیر هرات - خصوصاً حوض سبز زمرد در کا زر گاه شریف، ترمیم حواشی مسجد جامع هرات و ترمیم حوض چارسوق شهر قدیم هرات. همچنین حوض چارسوق که کار ترمیم آن پروژۀ جدیدی را تشکیل میدهد و در پلان سال گذشته گرفته شده از آثار ارزشمند و تاریخی شهر هرات است که قرنهای بنای بزرگ و عمیق و پهناء و آب مشروب و مورد احتیاج زندگی اهالی شهر هرات را عرضه داشته و حاجتی در

محاصره های طولانی شهر از طرف بیگانگان نیز شهیدان را از قتل رزاکه و آذاب و هائیده که به پیر و زی عمر اتیان و شکست دشمن انجامیده است.

بنای این حوض بزرگ که عده ها متر مکعب آب را ذخیره داشت و همچنین شفت گنبدی آن از نظر هندسی، عمرانی بسیار مهم و شگفت آور است و بنا بر همین ملاحظات و اینکه ساحه فعلی داخل حوض موزیم و نمایشگاه جالب صنعتی را تشکیل داده میتواند در پروژه نرمات آبادات باستانی گرفته شده و در پلان سال ۱۳۶۲ با استفاده از تخصصات پروژه های انکشاف دولت کار ترمیم آن آغاز گردیده است.

اکنون مدهیل اجراءات ترمیم و بازسازی آبادات مربوط به ربع اول سال ۱۳۶۲ را مطالعه نماید.

پروژه قلعه اختیارالدین

در سال ۱۳۶۲ بازسازی دیوار عرض و بلند جنوبی و غربی قلعه پایان با تعمیر یک سلسله اطاقهای بزرگ مطابق سبک اصلی عمرانی قلعه استحکام یافت و برجهای پسه گانه این قسمت قلعه نیز تاحدی از داخل قلعه پخته کاری شد. در حال دیوارهای قسمت های جنوب و غرب قلعه پایان که بشکل خامه و پخته ودای و بعضاً تیرکشی های فوقانی آن کاملاً بود تحت بازسازی قرار گرفت و در ربع اول سال قسمت بیشتر این دیوارها با خشت پخته و فراز آن با اعمار تیرکشی های پخته بازسازی قرار گرفت و در ربع اول سال قسمت بیشتر این دیوارها با خشت پخته و فراز آن با اعمار تیرکشی های پخته بازسازی گردیده که علاوه بر استحکام و متانت دیوارها نمای خارجی قلعه نیز بسیار سرخوب و خوشنما و استوار گردیده که عظمت و شکوه این قلعه باستانی را مضاعف ساخته و برای صدها سال دیگر از انهدام آن جلوگیری شده است دزین سلسله قسمت غربی قلعه پایان هم بعد از حفر تهداب و کشف بنای دیوار اصلی از سطح تهداب به ارتفاع یک الی یک و نیم متر سنگ کاری شده و بالای سنگ کاری مذکور خشت کاری آغاز و ادامه یافته قسمت های بیشتر دیوارها قلعه پایان با ارتفاع (۸) الی (۱۷) متر خشت کاری و سنگ و تکمیل شده که در ناحیه فراز دیوار به سبک اصلی و قدیم قلعه سوراخها و تیرکشی های دفاعی نظامی بشکل منظم و پخته بازسازی گردیده است.

در قسمت غرب قلعه پایان وحد و سطحی تعمیرات باز ساخته شده - احداث يك دروازه بزرگ و کریاس هشت ضلعی بسبک قدیم و مشابه دروازه اصلی قلعه بالا - آغاز یافته است. زیرا هر چند - قلعه پایان در زمانه های قدیم دروازه جداگانه نداشته و مواد و حتی محمول حیوانات را از قبیل بار اسب و اشتر و قاطر از طریق دروازه عمومی ارگ و دروازه بین دو قلعه به قلعه پایان نقل میدادند ولی در آن قرنها که حمل و نقل حیوانی رواج داشت انتقالات از همان دروازه سهل بوده اکنون که عمارات بازسازی شده قلعه پایان بر ای ناسیس و تنظیم انواع موزیم های تاریخی، اجتماعی و نظامی - اختصاص یافته به طرح و احداث يك دروازه بزرگ موثرتر و در قسمت ساحه قلعه پایان ضرورت احساس میشد که با این احساس نقشه ساخته ان این دروازه و کریاس تنظیم و کار تعمیر آن رویدست گرفته شده.

معیار تخنیکي کارژ

۷۵۳ متر مکعب	-- خشت کاری
» » ۲۰	۲ - سنگ کاری
» » ۳۳۸	۳۰ - گندن کاری
» » ۲۵	۴ - پر کاری
» » ۱۰۰۰	۵ - خواجه بندی
۱۵۱۰ متر مربع	۶ - سنگ کاری
» » ۳۰۰	۷ - پاکه کاری
	فیصدی پیشرفت کار

(الف) در ربع اول سال ۱۳۶۲ (۱/۵) فیصد .

(ب) نظر به پلان عمومی (۸۲/۵) فیصد .

پروژه سازرگامه شریف

- درین ربع کار ایوان بزرگ شمالی تعمیرات عصری و ری صحن اصلی زیارت که پوشش داخلی ایوان شکست کرده و اغلب تزئینات کاشی آن فرو ریخته بود پوشش گمانی داخلی تجدید و کاشی های رنگین گل بندی آن بطرز اصلی و تاریخی نصب و استحکام و انجام یافته است.

آغاز نرمیم حوض زمزم :

حوض سرپوشیده زمزم که در حاشیه شمالی صحن بیرونی غربی زیارت واقع و از بناهای عصر تیموریان و دوره فرمانروایی شامرخ « ۸۰۷-۸۵۰ هـ ق) باقی مانده در ور

قرنها شکست کرده و در معرض انهدام قرار داشت در حالیکه بنای ابن حوض و ایوان کمائی مدخل و کتیبه رنگین مرمرین آن یک آبدۀ شکوهمند تاریخی را تشکیل میدهد. بازسازی و ترمیم این حوض، در پلان کار سال ۱۳۶۲ پروژه بین الملنی هرات گرفته شده و درین ربع، سطح بام و دیوارهای فروریخته و مخروبه آن پاک کاری و برای ترمیم فنی و اساسی مساعد ساخته شده و کار خشت کاری قسمت دو جناح داخلی ایوان پیشگا محوض با حفظ اصالت معماری نفیس آن بصورت تراش آغاز یا فته و جریان دارد که تا حدی پیشرفت است معیار تخنیکی کار

۱۰ متر مکعب	۱ - خشت کاری قسم تراش با ملات کاشی
» » ۷۰	۲ - کندن کاری
» « ۲۰	۳ - پاک برداری
» « ۷۰	۴ - پاک کاری
۳۲ متر مربع	۵ - کاشی کاری بانواع مختلف
» » ۵۰	۶ - هنگف کاری

فیصدی پیشرفت کار :

الف) در ربع اول سال ۱۳۶۲ (۱/۵) فیصد .

ب) نظر به پلان عمومی (۱۰۲/۵) فیصد .

پروژه مسجد جامع هرات

در پلان کار سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ ترمیمات مسجد جامع يك امر عمده عبارت است از خشت فرش تحت ایوانها و شبستانهای سه سمت غربی و شرقی و جنوبی مسجد. زیرا تحت این شبستانها و ایوانهای بزرگ در امتداد سالها بالای خشت و پارچه های شکسته و کهنه بضخامت پنج الی ده سانتی با گچ پلاستر کاری شده و سطح ناعمواره درشتی بوجود آورده بود که نه تنها بمقام تاریخی مسجد جامع تناسب نداشت بلکه برای نماز گزاران در جماعت پنجگانه شپاروزی و جمعه از حیث خاک و گرد و ناهمواری سطح مسجد - تکلیف و زحمت زیاد وارد مینمود و تنظیف آن هم بسیار مشکل بود به اساس این حقایق و مشکلات ، پلان خشت فرش و هنگف کاری در زخشتها با سمنت طرح و رویدست گرفته شده که در سال ۱۳۶۱ قسمت زیاد ایوانها و شبستانهای جنوبی و غربی مسجد خشت فرش و تکمیل گردید.

در ربيع اول سال ۱۳۶۲ باقیمانده کار خشت فرش ایوان بز رگ، تصویره غریبی و هنگف کاری درز های خشت فرش مذکور و قسمت باقیمانده شبستانهای جناح جنوب غرب آن تکمیل و انجام یافته و خشت فرش شبستانهای جناح جنوبی ایوان بز رگ شرقی مسجد جامع آغا زگر دیده که بسرعت ادامه دارد. پلان دیگرترسیمات مسجد جامع عبارت است از نصب مجدد قسمتی از کتیبه های کاشی رنگی دیوارهای آن که قبلاً با گچ نصب شده و چون گچ در برابر رطوبت باران و برف مقاومت ندارد گاه و بیگاه خشت های کاشی کتیبه ها از جای خود بزمین می افتاد و تزیینات جداری مسجد برهم خورده نوشته ها از میان رفته و خوانده نمیشد. این تقیصه هم قسمی در سال ۱۳۶۱ رفع شده و خشت های افتاده و کمبود نوشته تکمیل و عموماً کنده پس از پاک کای زمینه یی این کتیبه ها مجدداً به سبک اصلی باسمنت نصب گردیده است که دیگر خطر سقوط کتیبه ها و کاشی های مذکور بکلی رفع گردیده است.

در ربيع اول سال ۱۳۶۲ کتیبه های خط نستعلیق کاشی رنگین رو افهای خارجی جناح جنوب شرقی ایوان بز رگ در و از عموموسی شرقی مسجد جامع که عبارت از مقولات حضرت خواجه انصار و رباعیات و اشعار عرفانی و دینی سخنسرایان عارف قرون ماضی کشور بود درین سلسله از جای آن کنده با قسمت های افتاده و مفقود شده مجدداً نوشته و کاشی شده تماماً در مواضع آن باسمنت نصب و تکمیل گردیده است و نیز پایه ها و روانی های این قسمت که خشتکاری آن در موقع هنگف کاری نشده و بعضاً هنگف آن پاشیده بود مجدداً هنگف کاری و پاک کاری، بنده بر جلاور و نق منظره عموموسی روی کار و رواق ها افزوده است.

معیار تخنیکي کار

- ۱- خشت فرش تحت ایوان غربی و شبستانهای جنوب شرقی مسجد ۵۰۰ متر مربع
- ۲- دوغاب ریزی ۲۷۲ » »
- ۳- هنگف کاری ۶۰ » »
- ۴- هموار کاری ۷۲ » »
- ۵- نصب مجدد کاشی کتیبه ها و خطاطی و گاشی سازی کتیبه های کمبود ۱۱۷ » »
- ۶- پلاستر کاری ۱۷۰ » »

فیصدي پیشرفت کار :

الف) در ربيع اول سال (۱/۵) فیصد.

ب) نظر به پلان عموموسی (۹۴) فیصد.

پروژه ترمیم حوض چار سوق :

این حوض ذخیره آب که وضع ساختمان و حجم تعمیر و عمق و وسعت حوض و پورشش شانزده ضلعی حقیقی آن یک آبدۀ حیرت آور و ارزشمند هندسی و معماری را تشکیل داده و قرنهای گذشته تهیه آب مشرب و مورد احتیاج شهر یان هرات مخصوصاً در مواقع محاصره شهر از طرف مهاجمین - خدمات حیاتی و دفاعی مهمی انجام داده است با تاسیس و توسعه آبرسانی عصری و تمدید نل آب مشرب و صحتی در نقاط شهر - تخلیه شده از چند سال باینطرف بدون استفاده افتاده که بنای آن روی خرابی میرفت. برای اینکه چنین یک آبدۀ مهم و بزرگ از میان نرود و از آن بهیث موزیم تاریخی و یادمانی نگاه و فروشگاه صنایع دستی محلی ولایت هرات استفاده شود پلان ترمیم آن طرح و اجرا بودجه انکشافی دولت منظور گردیده در ربع اول سال ۱۳۶۲ کار ترمیم آن آغاز شده است.

این ترمیمات از رواق بزرگ شمالی مدخل حوض معارض ذی بازار خوش شروع گردیده پس از پاک کاری فنی - پایه های بهم پاشیده دو جناح رواق مذکور که موجودیت بنا را تهدید میکرد مجدداً از خشت تراش به سبک اصلی آن خشت کاری شده و طاقهای کوچک تزئینی دو جناح ایوان نیز تحت ترمیم و خشت کاری قرار گرفته که کار آن منظم آجر یان دارد باید متذکر شد که حوض بزرگ ذخیره آب چار سوق شهر هرات اصلاً دور رواق بزرگ و زینه های وسیع در دو مدخل مقابل بازار قندهار و بازار خوش بر اعلا خذ آب و استفاده مراجعین داشته و در رواق غربی کتیبه اشعار تاریخ تعمیر مجدد و اساسی حوض در سال ۱۰۴۵ هجری بخت نستعلیق عالی حسن شاملو و شعر ناظم هروی منصوب بوده که تقریباً پنجده سال قبل هنگام تخریب بازارهای سر پوشیده کتیبه های مرمرین و رنگین مذکور بر داشته شده و در گنبد گوهر شاد مصلاهی هرات محفوظ گذاشته شده است که بعد از افتتاح موزیم تاریخی هرات در قلعه اختیارالدین بمعرض تماشای علاقه مندان قرار داده و یا اینکه مجدداً ضمن ترمیمات رواقهای حوض در محل اصلی آن نصب خواهد شد.

معیار تخنیکی کار:

۱۵ متر مکعب

۱- کندن کاری

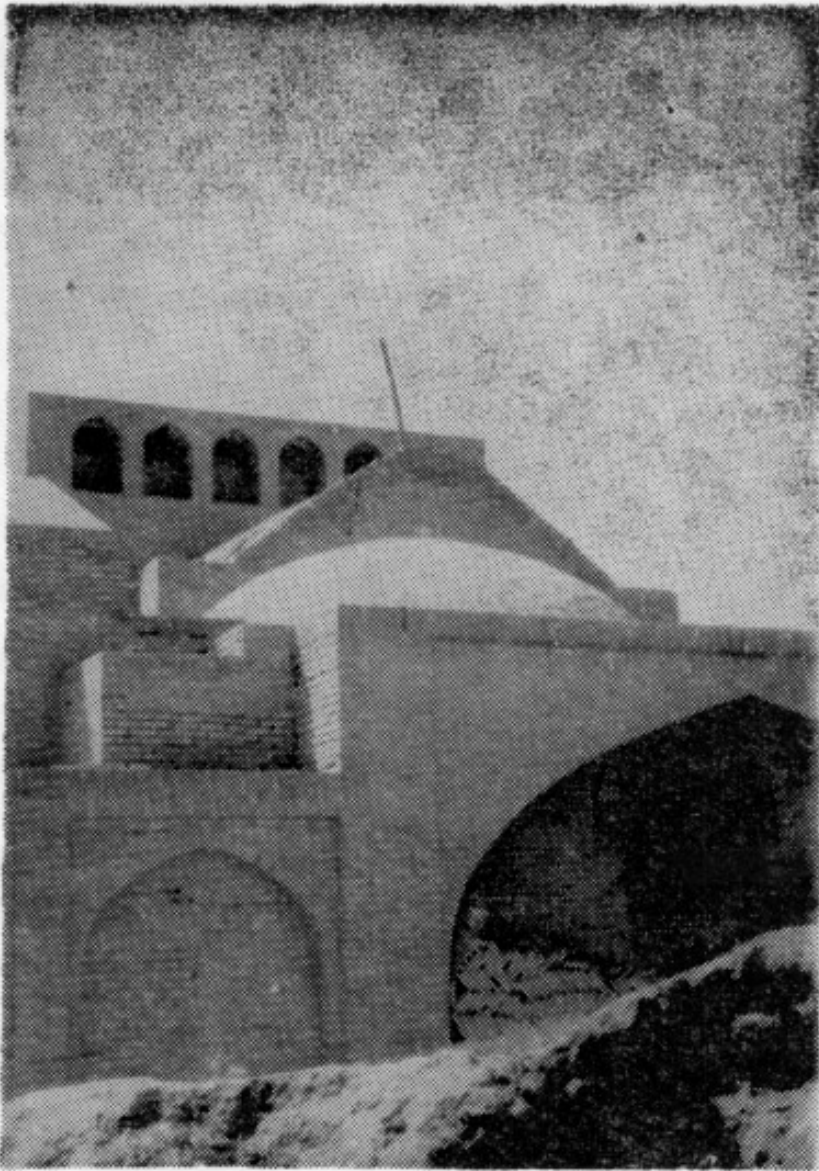
» » ۵۰

۲- دور نمودن مواد فاضله

۳۵ متر مربع

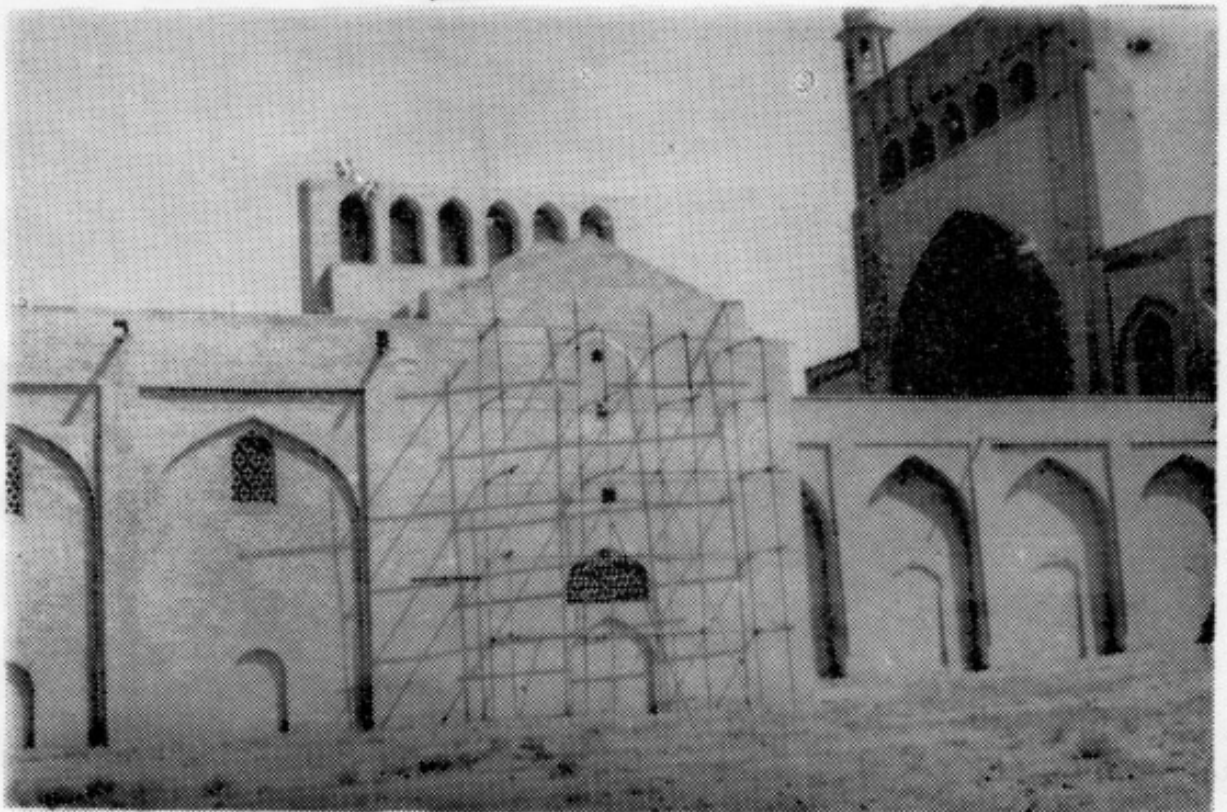
۳- خشت کاری تراش به سبک اصلی قدیم

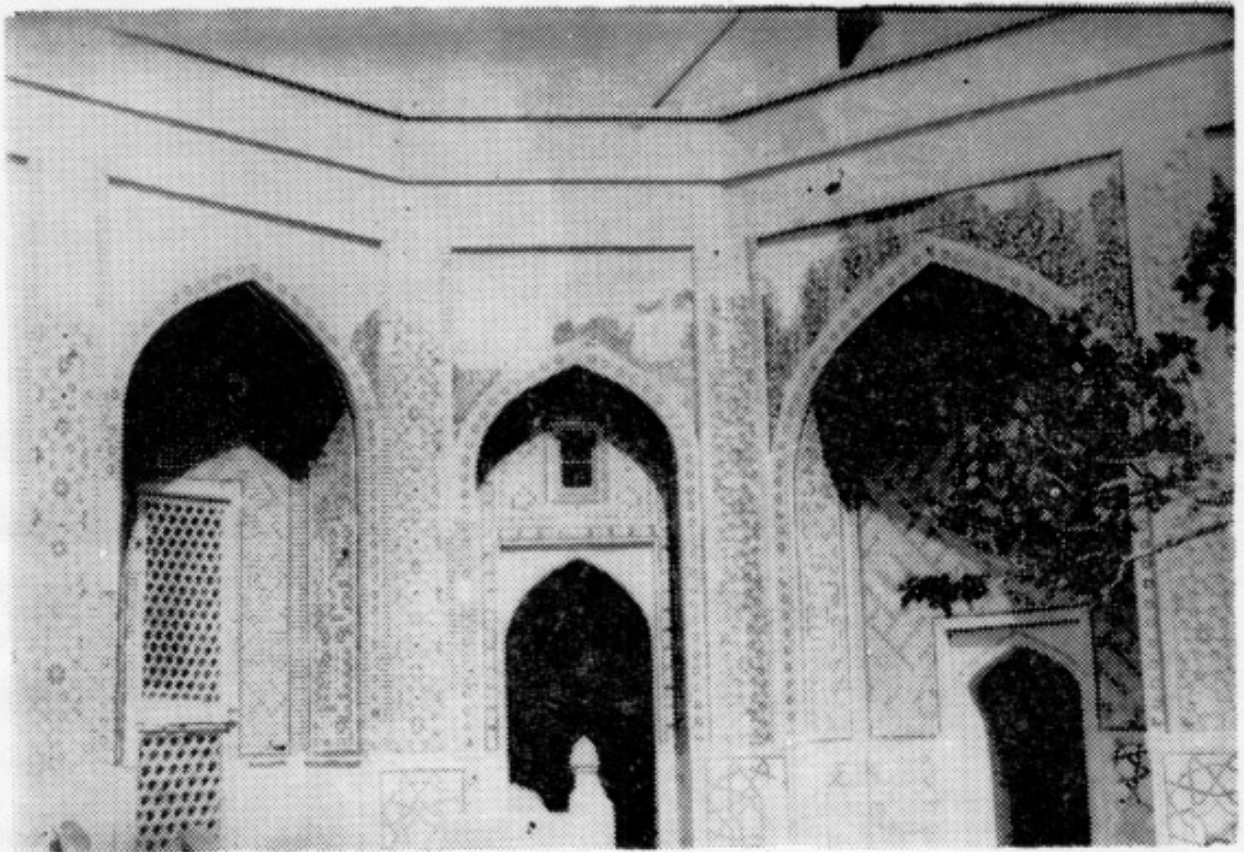
فیصدی پیشرفت کار : در ربع اول یک فیصد .



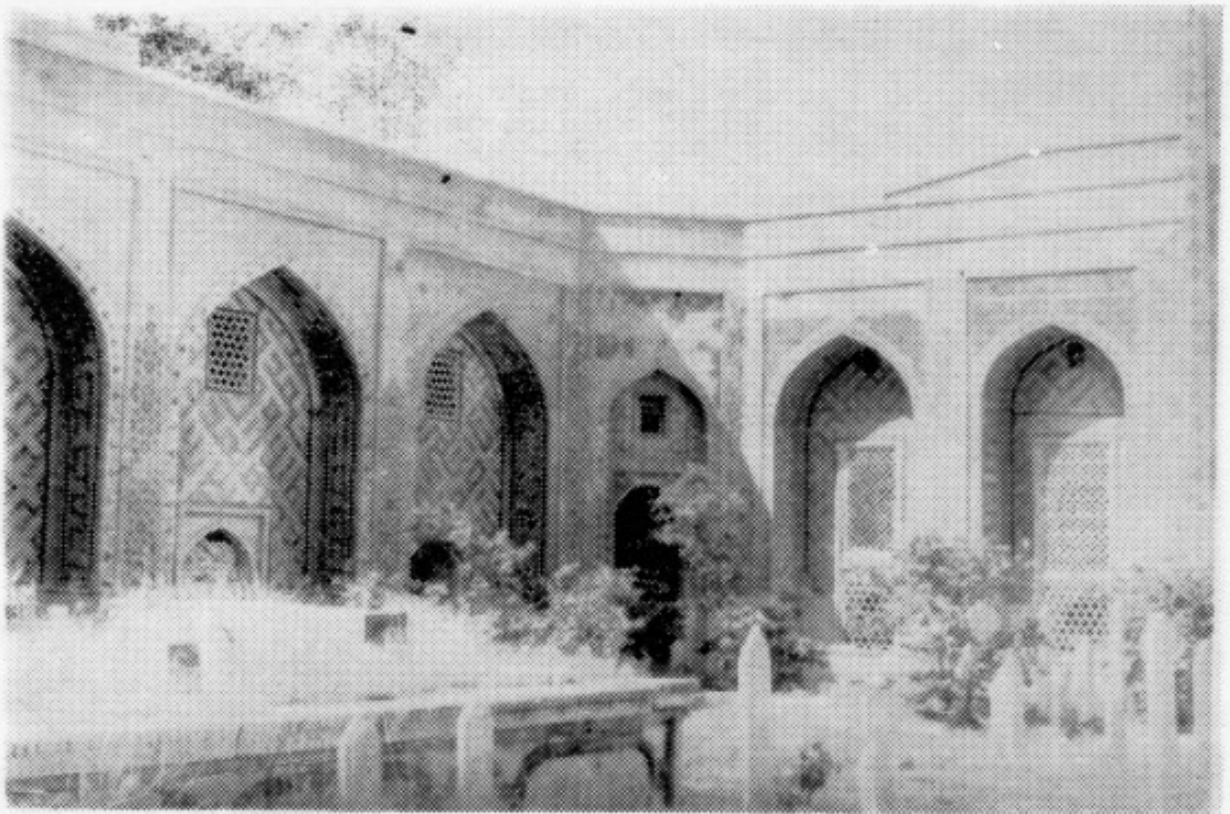
قسمت عقبی (بیرونی) رواق بزرگ شمالی
 مزار حضرت پیرهرات در گازرگاه شریف که در
 سال ۱۳۶۱ ترمیم و هنگف شده .
 (این تصویر قبل از اتمام کار است)

تصویری از زمان ترمیم عقب رواق بزرگ
 جنوبی زیارت گازرگاه شریف که برخی از
 تاقناها و پنجره‌های گچ‌بری شده را نیز بعد از
 ترمیم نشان میدهد .

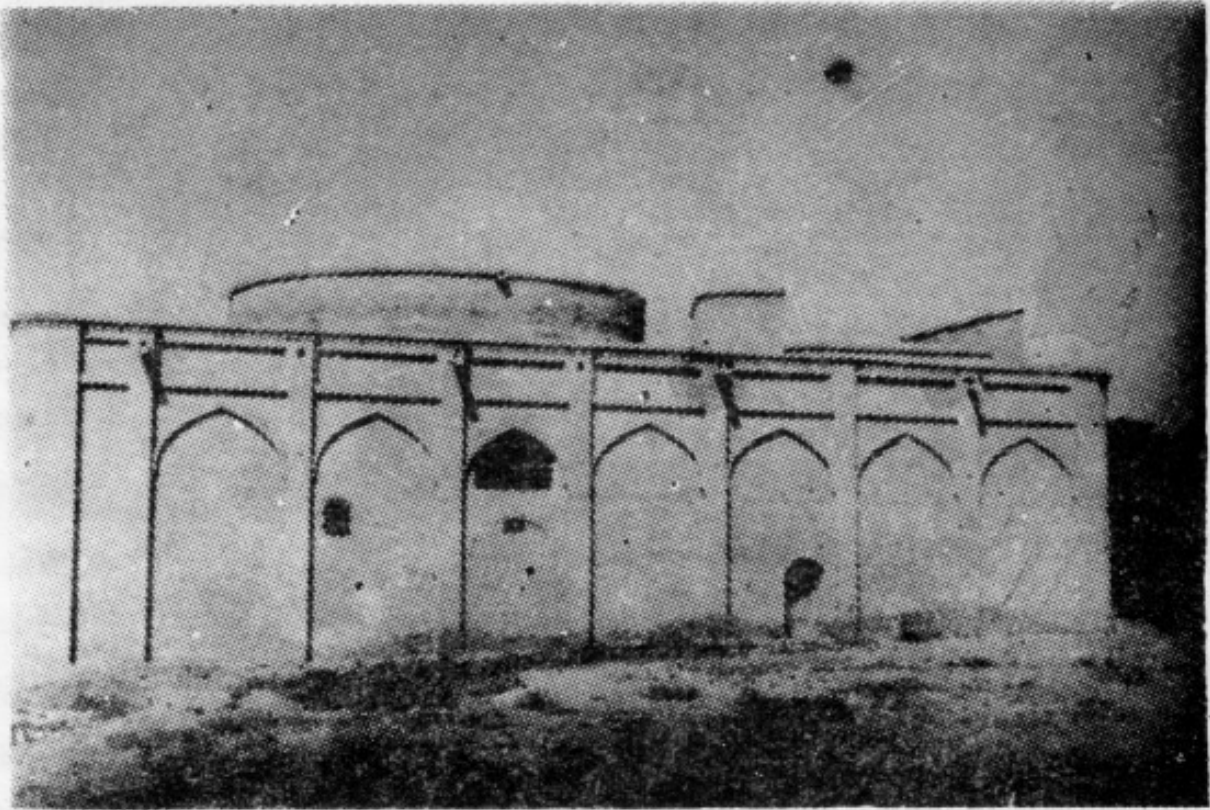




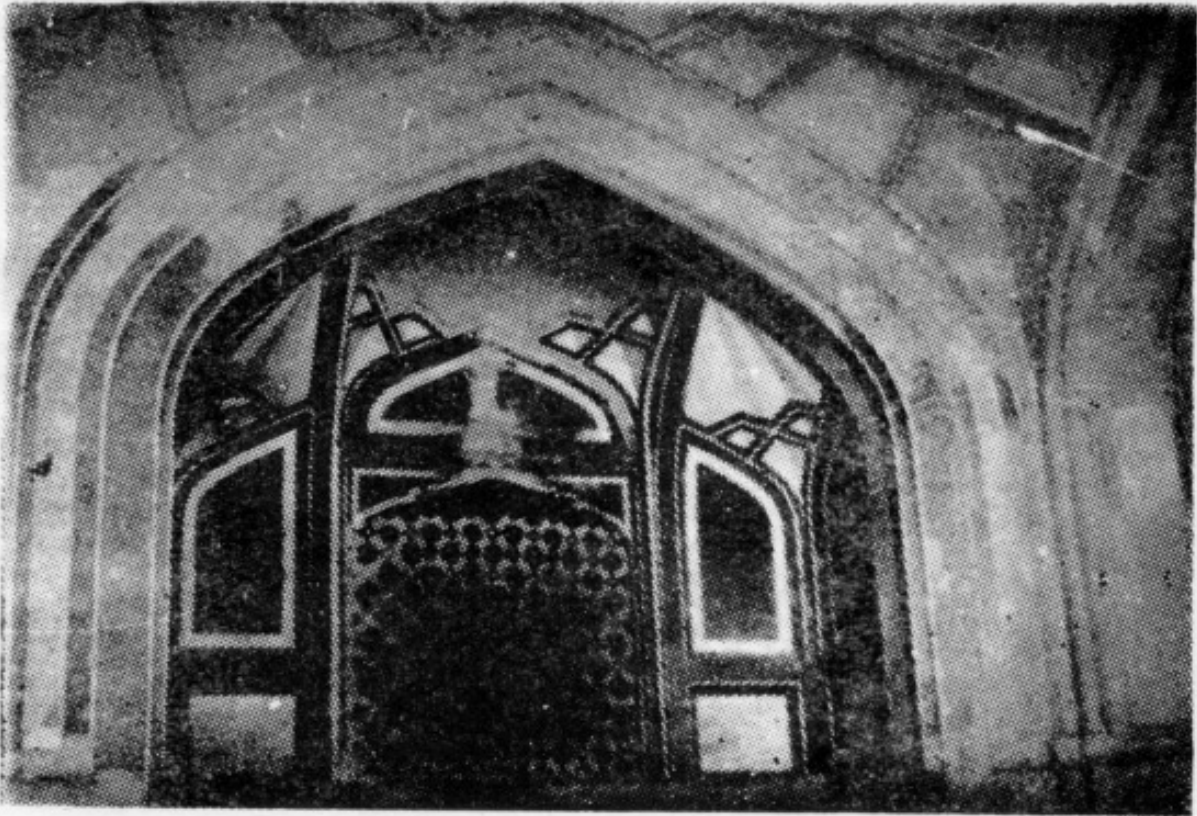
نمونه‌یی از پنجره‌های گچبری و تاق‌های مزین سمت شمال‌غربی صحن زیارت‌گازرگاه شریف که ترمیم آنها در سال گذشته پایان‌رسیده‌است .



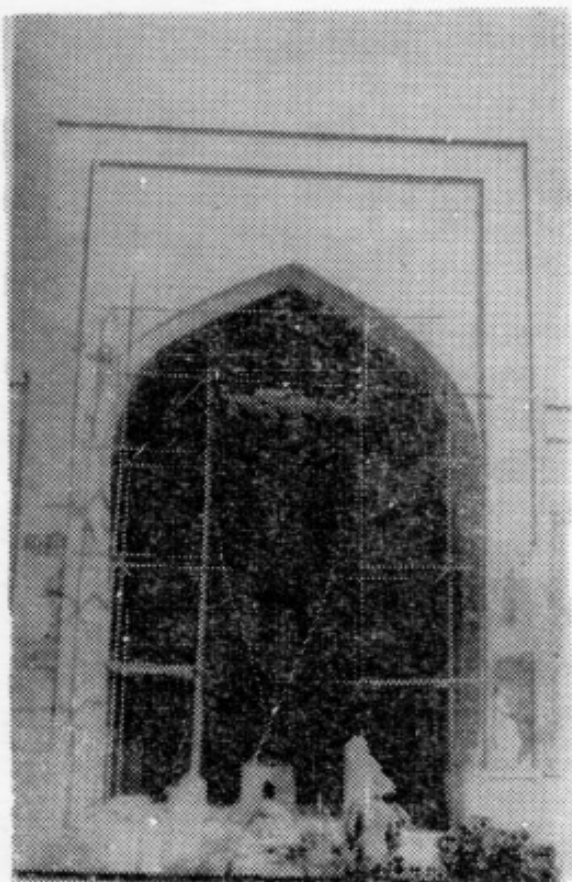
تاق‌ها و پنجره‌های جنوب‌غربی صحن زیارت‌گازرگاه درختم تر میمات سال ۱۳۶۱ .



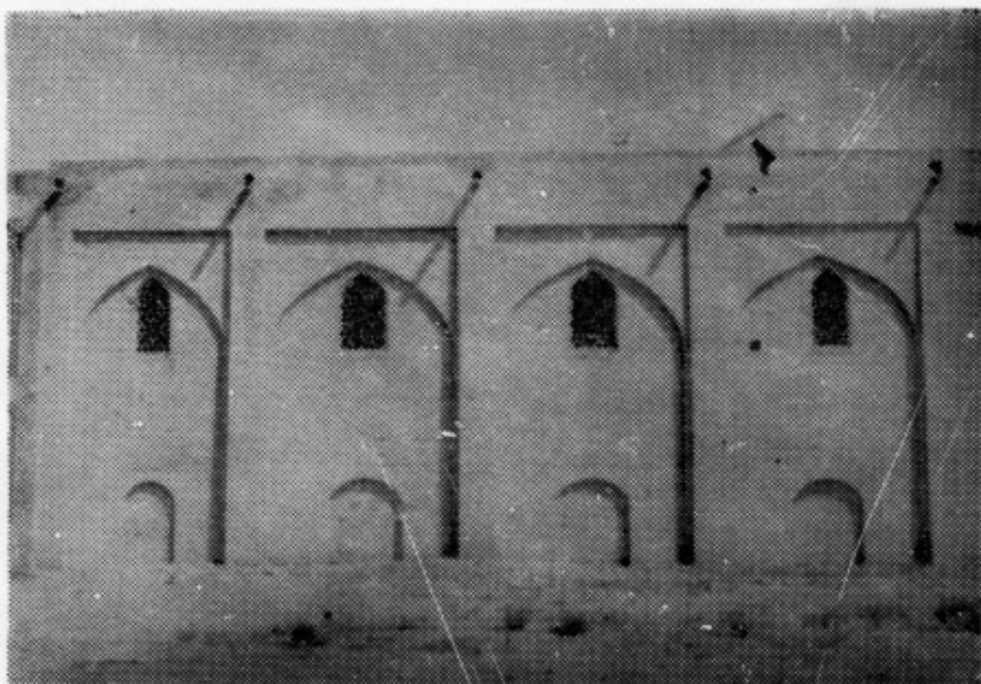
دیوار سمت شرقی و بیرونی خانه زرتنگار گازرگاه شریف که در سال ۱۳۶۱ هنگام کاری و پنجره گچ بزی آن تکمیل و ترمیم شده است .



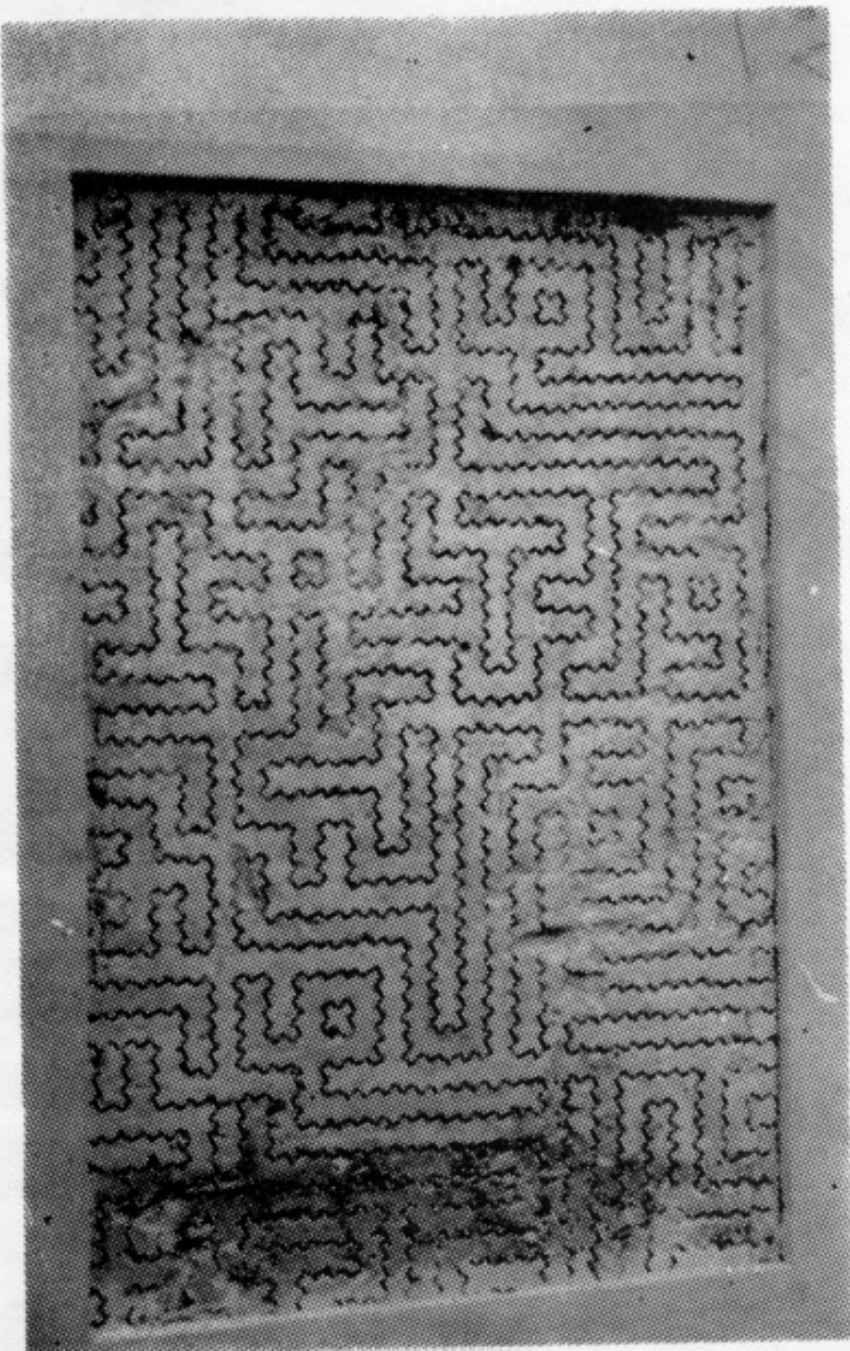
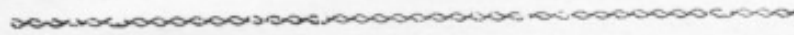
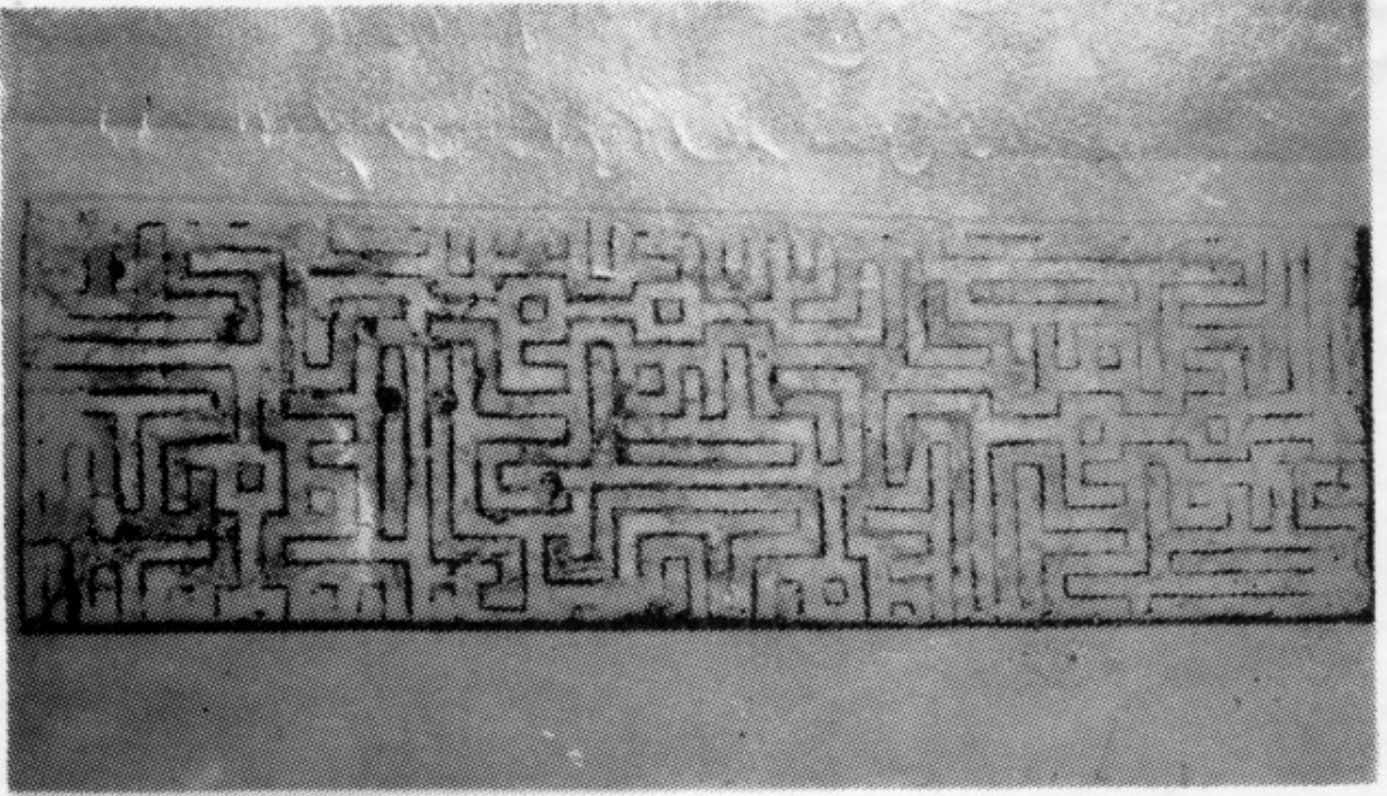
رواق نفیس مدخل خانه زرتنگار که در سال ۱۳۶۱ به سبک اصلی آن ترمیم شده است.



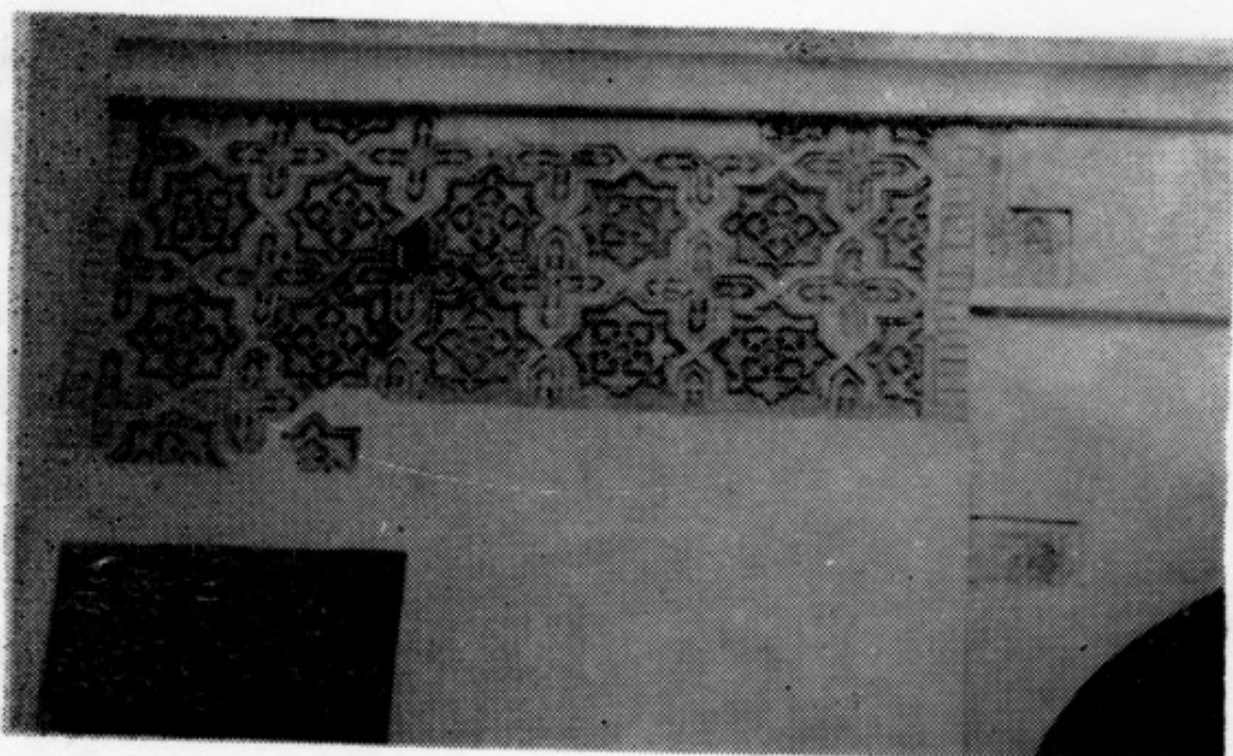
هنگام خوازه بندی و ترمیم
ایوان شمالی داخل روضه
حضرت پیرهرات در گازرگاه
شریف .
(در ربیع اول ۱۳۶۲)



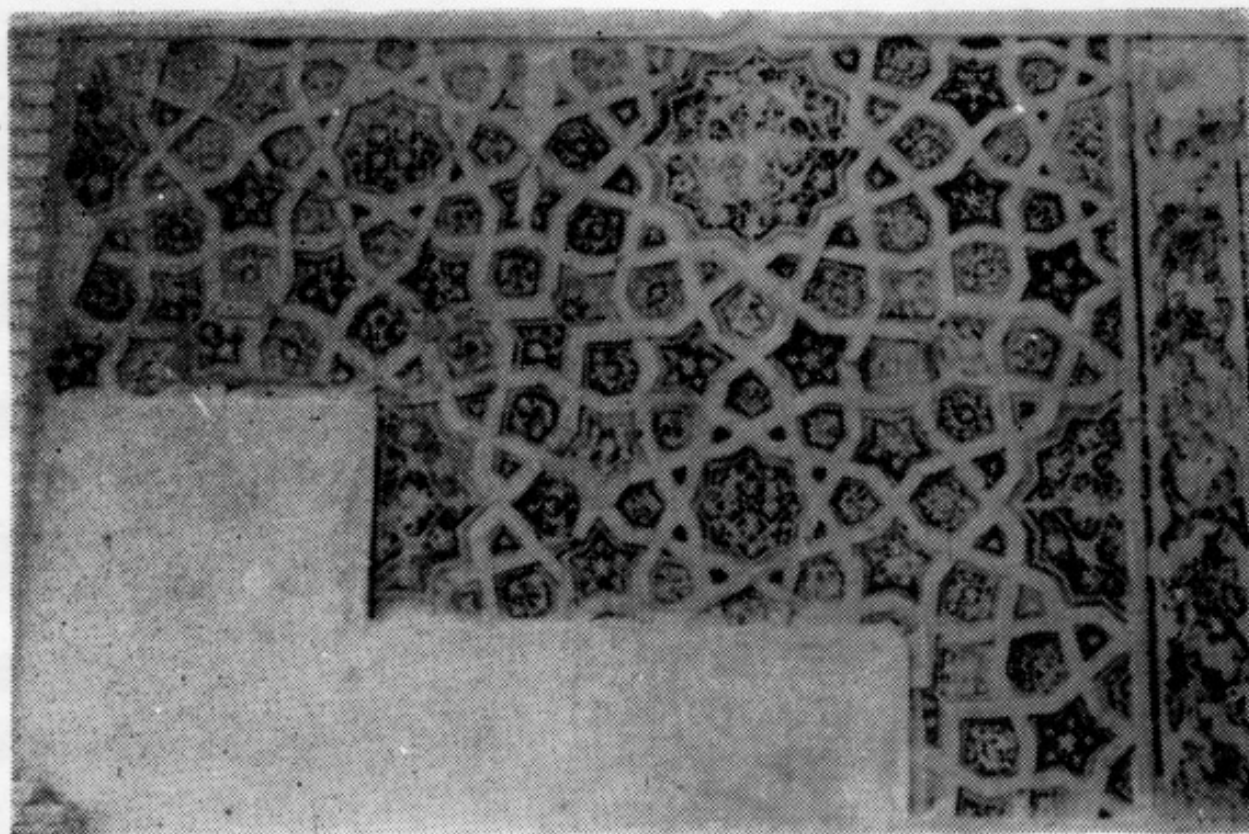
پنجره های گچی و تاقنماهای خارجی جنوب زیارت گاز. ر گاه
شریف که در ربیع چارم سال ۱۳۶۱ ترمیم اساسی و هنگفت
کاری شده است .



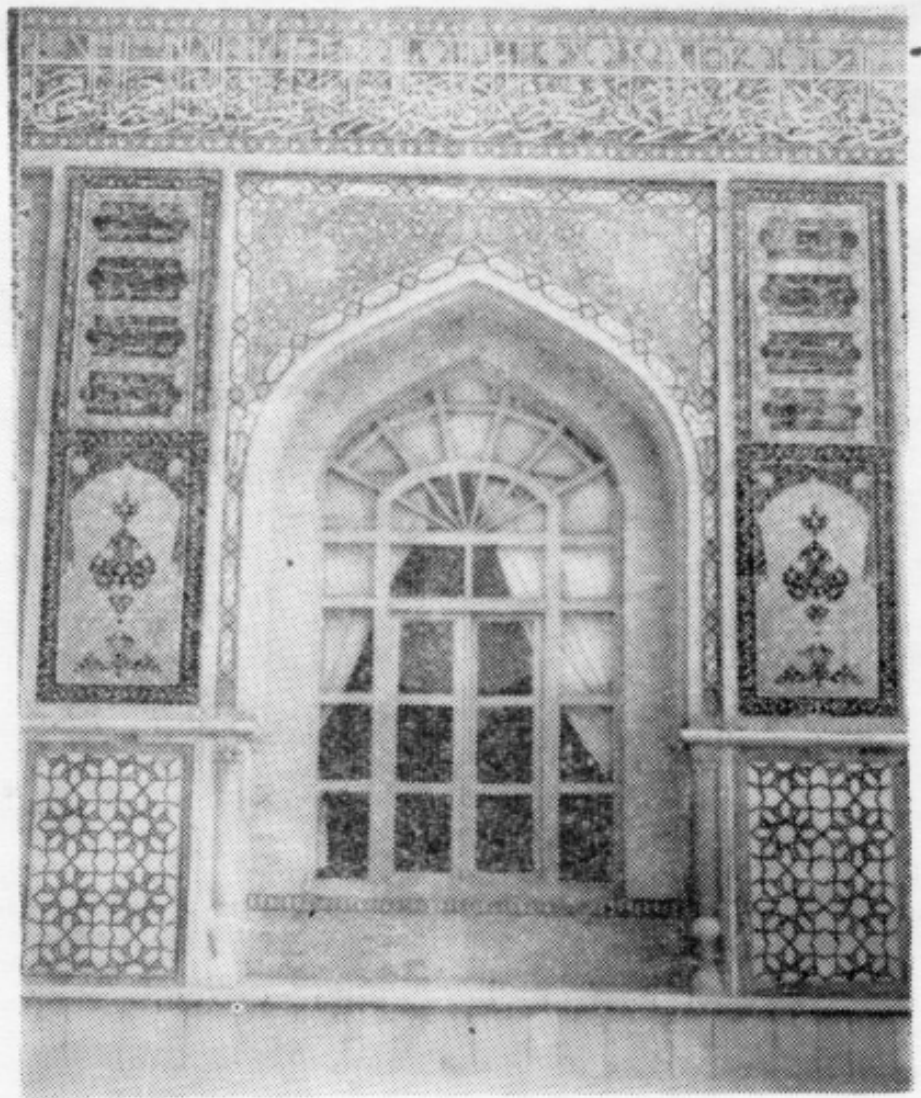
نقوش گچبری خط کوفی سنگ عصر غوریان
مربوط سال ۵۹۷ هـ . ق که از زیر پلاستر
گچی داخل شبستانهای ایوان غربی مسجد
جامع هرات در ربع چارم سال ۱۳۶۱ کشف
و ترمیم فنی گردیده و قدامت هشتصد ساله
ایوان را ثابت میسازد .



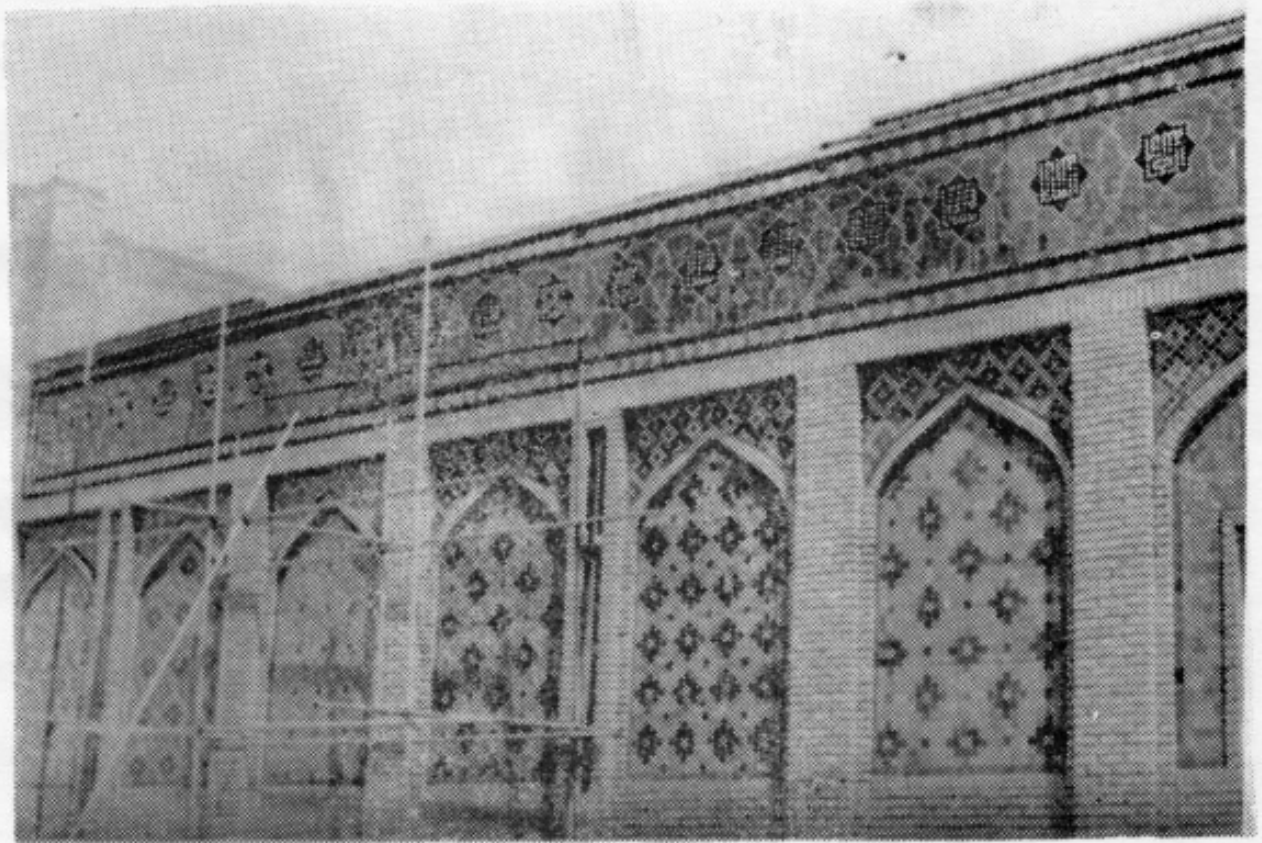
کاشی کاری های برجسته و منقش مخصوص عصر ملوک غوری (سال ۵۹۷ هـ ق) که از زیر پلاستر گچی رواق جنوب غربی مسجد جامع کشف و ترمیم گردیده است .



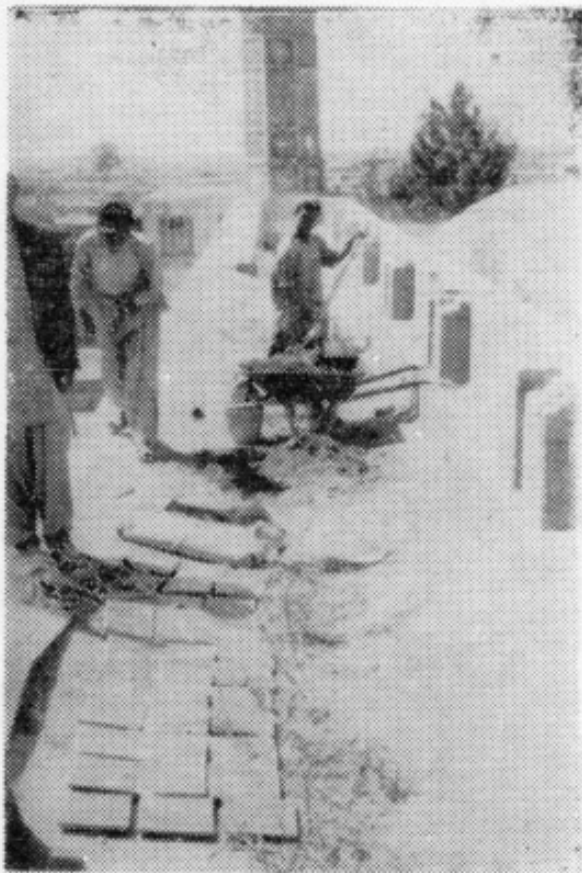
نقوش زیبای کاشی کاری دیوار رواق جنوب غربی مسجد جامع هرات که از زیر پلاستر گچی بازیافت و ترمیم شده و مخصوص دوره تیموریان سال ۹۰۴ هجری قمری می باشد.



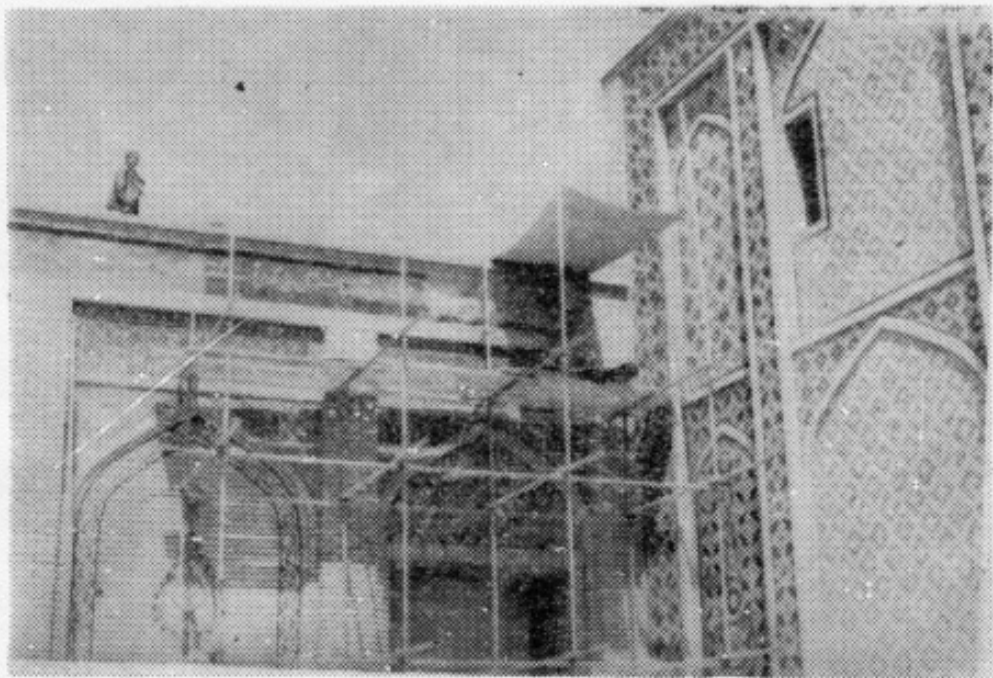
قسمتی از کتیبه های جناح شمالی داخل مسجد جامع که در ربیع چارم سال ۱۳۶۱مجدداً
باسمنت نصب گردیده است .



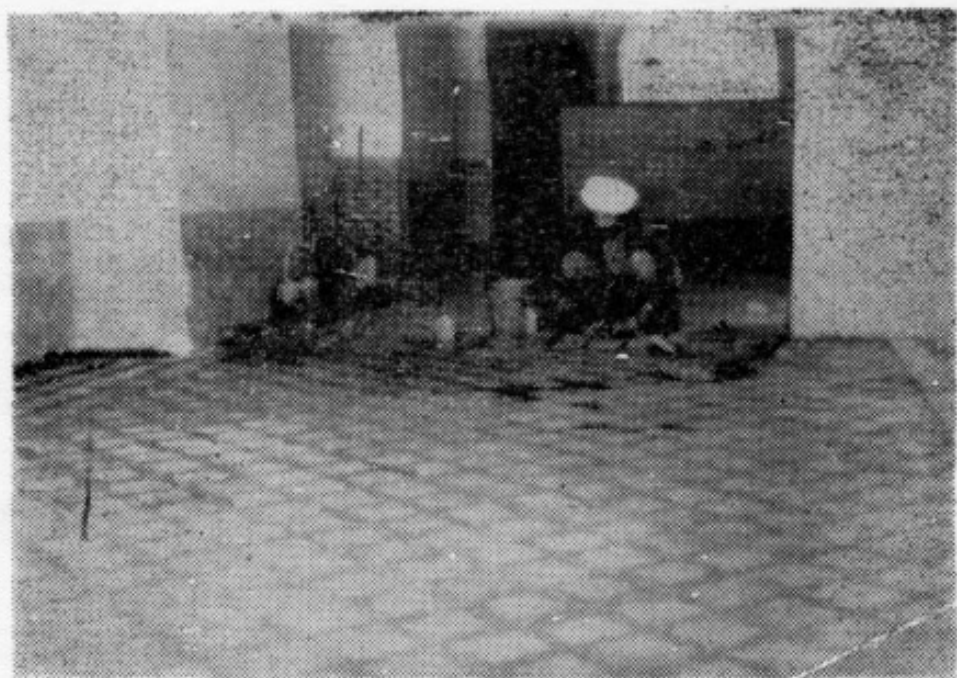
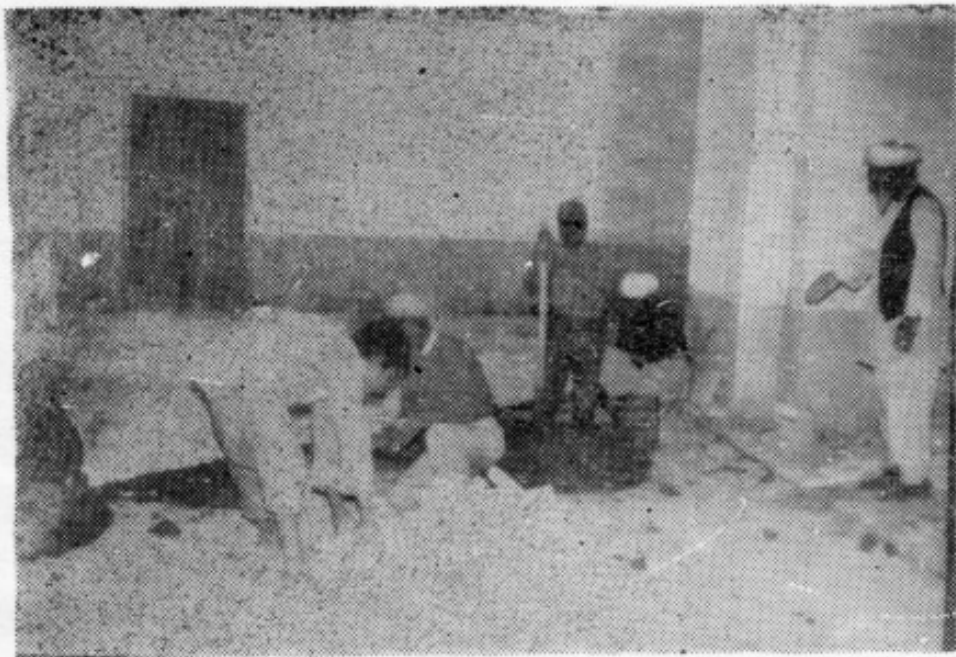
تصویری از زمان نصب مجدد کاشی های دیوار رواق بزرگ شرقی مسجد جامع در سال ۱۳۶۱ .



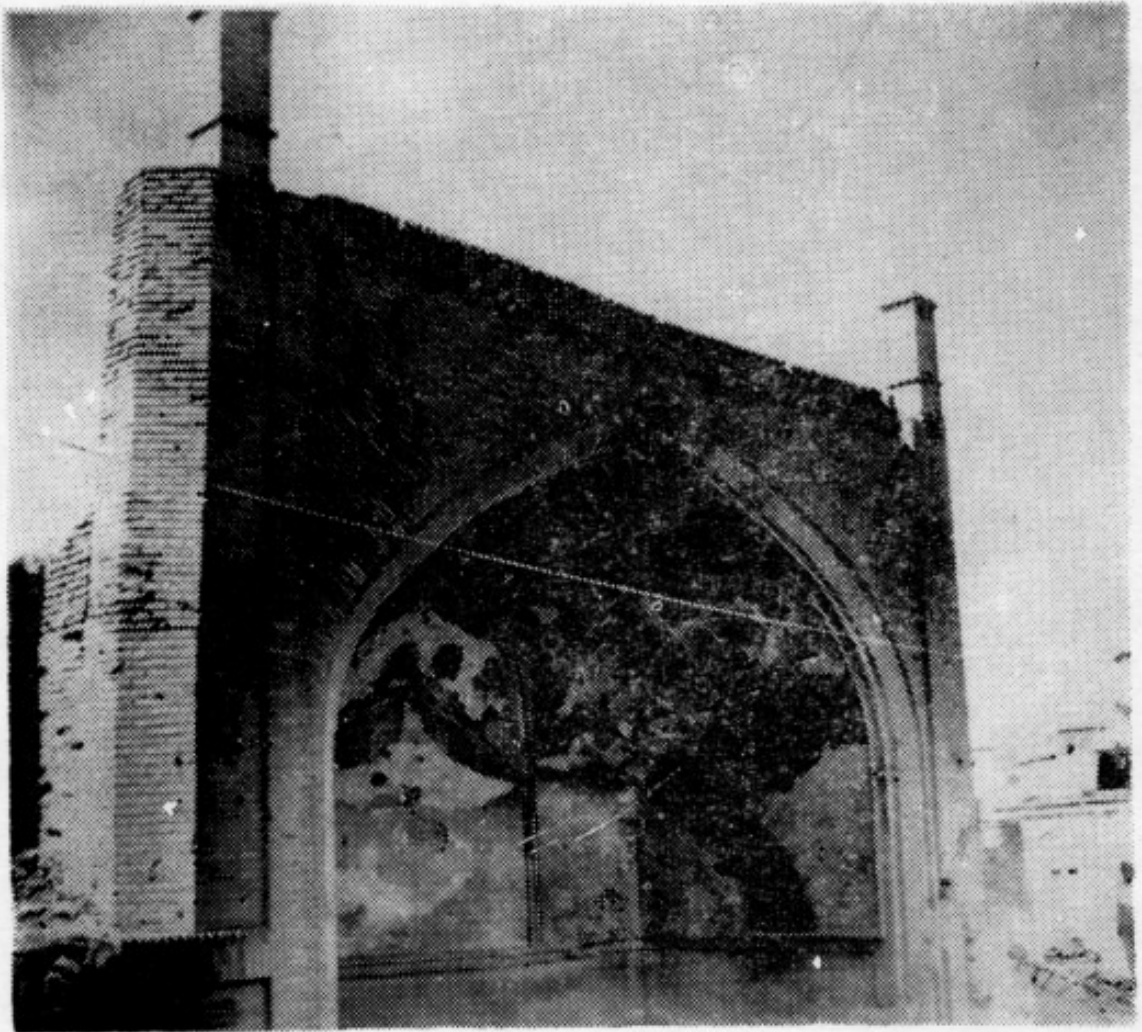
حین ترمیم و نصب مجدد کتیبه
 های خطوط نستعلیق کاشی در
 جناح جنوب شرقی خارج مسجد
 جامع .
 (در ربیع اول ۱۳۶۲)



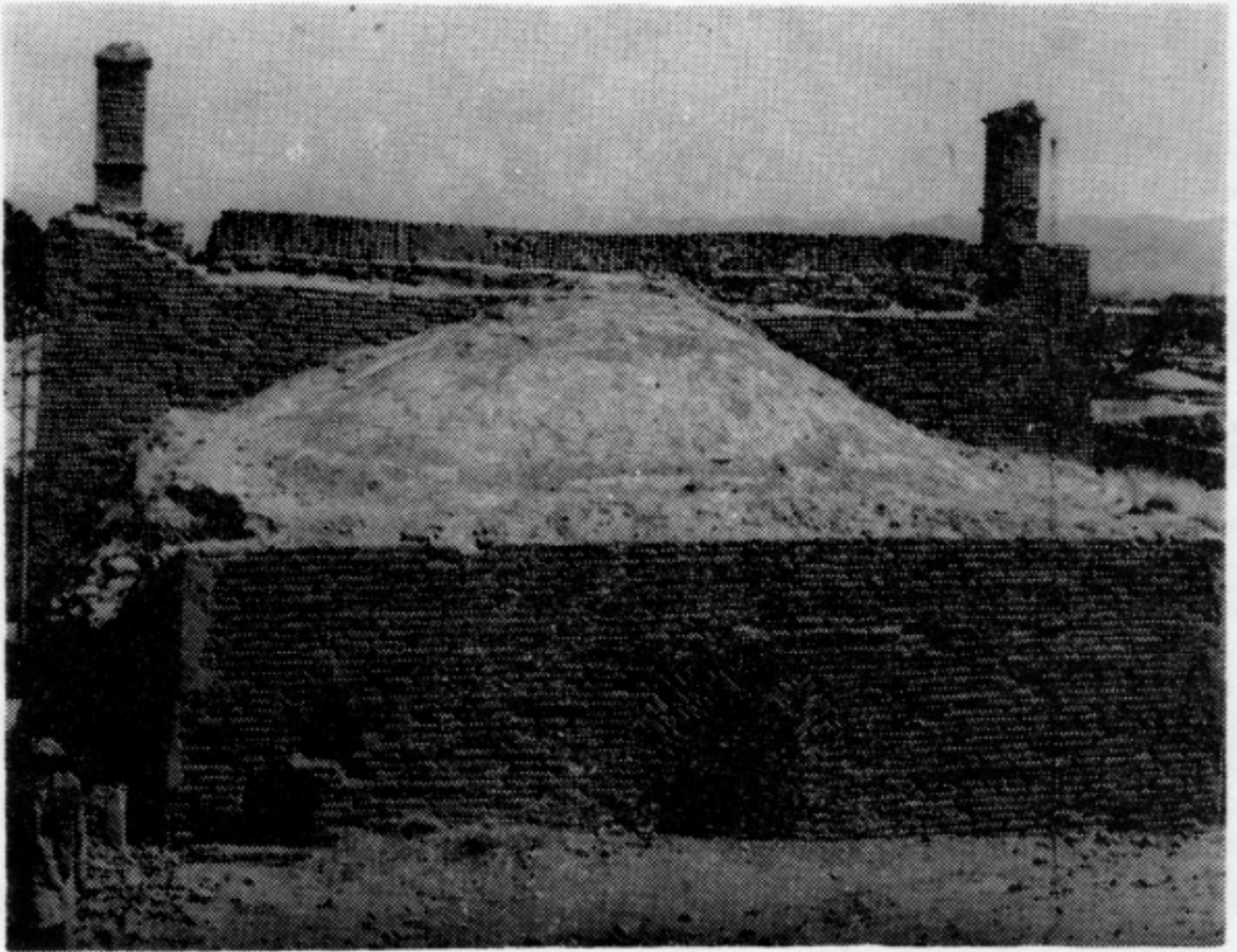
خوازه بندی و نصب مجدد کتیبه های نستعلیق روی کار
 رواقهای شرقی خارجی مسجد جامع . (در ربیع اول ۱۳۶۲)



تصاویری از کار خشتفرش صحن شبستانهای جنو بشرقی
مسجد جامع شریف هرات . (در ربع اول ۱۳۶۲)



فراز رواق بزرگ شمال مدخل حوض سرپوشیده چارسوق که در حال شکست و
انهدام بوده و ترمیم اساسی آن در ربع اول سال ۱۳۶۲ آغاز شده است.



نمای قسمت عقبی رواق شمالی حوض چارسوق که از بالای بام حوض عکاسی شده است.



قسمت غربی رواق بزرگ شمالی حوض چارسوق در آغاز ترمیمات شامل پلان سال ۱۳۶۱ .

صاحب امتیاز: آمریت پروردہ بین المللی ہرات
مدیر مسوول: سعید درجانی
ہمکار علمی: محمد علم غوامس
ہمکار تصحیح و چاپ: احسان محسنی

وجہ اشتراک سالانہ:

در داخل کشور (۵۰) افغانی. در خارج (۱۶) دالر

قیمت یکت شماره (۱۵) افغانی

پرداخت و اشتراک:

حساب واردات دولت. مہر، ۶۰۰۱، افغانستان بانک

آدرس:

در کابل: ریاست باستان شناسی و کوشانی. میریت ریسرچ و مجلہ

ہرات باستان

در ہرات: آمریت پروردہ بین المللی ہرات.

مطبعہ دولتی - کابل

ACKU
Julu
NA
1492.2
24 0

PROPERTY
ACKU
5897

Herat-e-Bastan

NO. 2—3. VOL; 14—15; March—SEP, 1983

A Quartely Journal of the Research Section of the
International Project of Herat Monuments.

General Directorate of Kushan Studies
and the Institute of Archaeology.
Academy of Sciences of Democratic
Republic of Afghanistan.

Editor: Masaud Rajayee.

Annual Subscription:

Inside the Country: Afs 50
Outside the Country: \$ 6
Price of one issue: Afs 15

Address:

In Kabul: Academy of Sciences,
Kushan Center.
In Herat: International Project of Herat
Monuments.